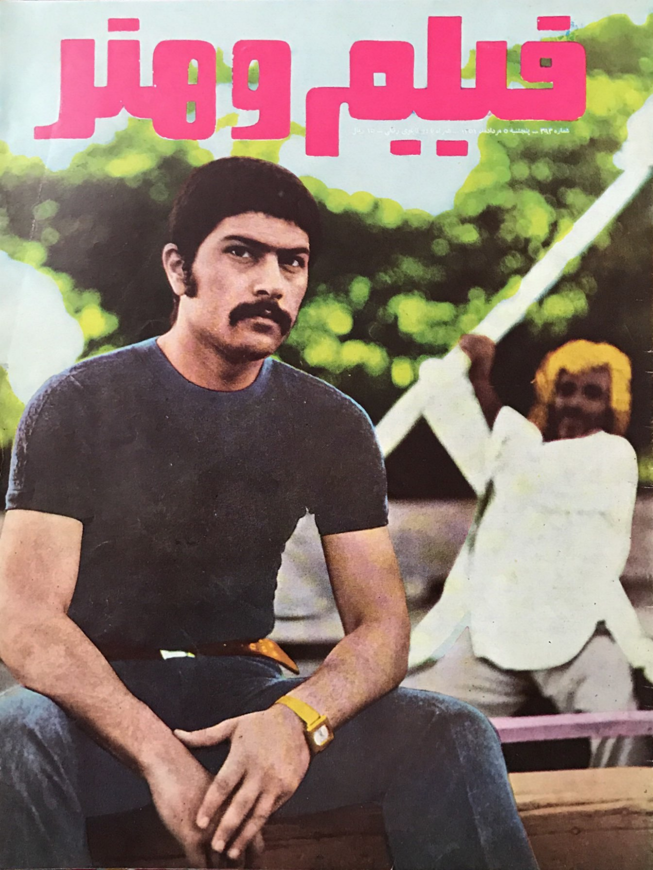
فیلم و هنر

شماره ۳۹۳ ــ پنجشنبه ۵ مردادماه ۱۳۵۱ ــ همراه با دو تابلوی رنگی ــ ۱۵ ریال







عشق بسبك

● زن آهسته بستر میخزد . انگار تن او در انتظار یك هوس داغ میسوزد . لحظه‌های انتظار سپری شده است ، حالا او است تنها در مقابل مرد دلخواهش. تصور اینکه لحظاتی بعد سکوت دلپذیری اعماق روحش را در خود خواهد گرفت تنش را میسوزاند . مرداینك آماده است تا بستر عشق رود . نگاهشان آتشین و پرسوز است و لبانشان در عطش گنگی که‌انگار سالها است تصور یك حادثه را انتظار می‌کشند . نگاهشان وقتی تلاقی میکند موجی از شادمانی و احساس شرم‌را بدنبال دارد . موهای مواج زن در بستر افتاده‌همچون آبشاری از جعد و ابریشم . زیرپوشی که بر کرده، اندام هوس‌انگیز او را دوچندان میکند ، انگار رشته‌ای است از آتش و آب که درهم آمیخته باشند. دستان مرد ، موج گیسوان زن را آرام آرام نوازش میدهد . و آنگاه گوئی از حرارت آفتاب که یخی آب شود ، زن درون آغوش مرد فرو میرود . چه‌احساس برانگیز و رویائی است این لحظات و لحظاتی که بدنبال می‌آید . لذت بوسه ، لذت تن و لذت نشئه‌ای که هردو را در بی‌خبری فرو می‌برد و این زن کسی نیست جز «فروزان» زن‌موفق وستاره‌پرشروشورسینمای ایران که در آخرین فیلمش ساحره اینگونه بآغوش بهمن مفید فرو می‌رود تا یك صحنه کامل از عشق‌بازی بسبك ایرانی را در فیلم جلوه‌گر سازد .

تردیدی نیست که سینما می‌بایست ملهم اززندگی مردم باشد و سینمای هر کشوری بازگو کننده گوشه‌ای از زندگی‌مردم هر کشور است. عشقهایشان، غم‌هایشان، ناراحتی هایشان و احساس‌هایشان . فیلمساز آمریکائی، زندگی مردم هموطنش را بازگو میکند ، فیلمسازترك زندگی زن و مرد ترك را و فیلمساز هندی زندگی مردم هند را و این راه و روش است که میتواندآئینه‌ای تمام‌نما برای مسائلی باشد که مردم هرسرزمین با آنها دست بگریبانند .

تصور اینکه چگونه ممکن است یك زن و مرد آمریکائی خود را در هاله‌ای از عفاف و حجاب نشان دهند ، برای تماشاگر آن سوی دنیا یك امر غیرطبیعی است زیرا وسائل ارتباط جمعی اینك تمام ملت‌ها را











ایرانی

بیکدیگر نزدیك ساخته است. اما اگر واقعیت‌ها درسینما جلوه کنند و کارهای اصولی بصورت منطقی وقابل قبولی خود رانشان دهند بسیار خواهد توانست اهمیت و ارزش واقعی خود را بدست آورد.

سینمای ایران در پناه این مسائل است که اینك توانسته است توفیق کامل یابد، زیرا یك فیلمساز آگاه خوب میداند که چگونه باید خودرا بقشرهای اجتماع نزدیك کند و همدم وهم‌صحبت آنان شود و از رازدل آنها و زندگی آنها سخن گوید ودر آثار خود واقعیت های شکل گرفته محیط خود را در فیلمها نشان دهد. نمایش این مسائل است که بسادگی میتواند موردتوجه واقع شود و تماشاگر را با خود بسالن تاریك سینماها بکشاند.

«ساحره» از آگاهی های عینی بسیار برخوردار است، مسائل عاطفی وعشقی مردم مشرق زمین درکمال سادگی در آن بیان گردیده وتوفیر نمود های عاطفی و فکری بخوبی درآن نشان داده شده است براین منوال است که میتوان بکار فیلمسازی معتقد و مومن شد و از او انتظار نمودهای دیگری در آینده داشت.

«ساحره» زنی است که در چنگال یك عشق هوسباز اسیر است. این عشق زائیده محیط او است، چه او خواننده‌ای است که هرشب بپایش گل و پول ریخته می‌شود. آنگاه از میان این منجلاب نگاه‌آتشین و سوزاننده یك جوان هستی او را دربر میگیرد و چه افسون کننده و اغواگر این عشق مجسم می‌شود درحالیکه مردی لوطی مسلك پیوسته در انتظار ساحره است و نمی‌تواند ببیند که زنی را که او دوست دارد اینگونه بیرحمانه ازاو میگیرند.

در سکانس بسیار زیبائی از فیلم «فروزان» و «بهمن مفید» نقش آفرینان نخست فیلم احساس پر ـ تلاطم یك زن و مرد ایرانی را در بسترنشان میدهند و اوج تن‌سائی های پرشور را. در حقیقت این دو نمایشگر لحظاتی جالب هستنداز یك عشق بسبك ایرانی.

«ساحره» میتواند بطور یقین با توفیق کامل مواجه گردد، چه این توفیق را باید مدیون داستان خوب و بازی‌های خوبی دانست که کارگردان فیلم بوجود آورده است.





رویدادها

ازدواج کارگردان

● «اریسون گه» که اخیرا به جمع کارگردانان فیلم پیوسته است ، دو هفته قبل ، خیلی بی‌سرو صدا با دختر مورد علاقه‌اش پیوند زناشوئی بست و قرار است در ماه آینده طی مراسم باشکوهی جشن ازدواج خود را برپا کند .

«گه» در ماه های اخیر با یك رفرم در کار خویش ، بعداز توقیف فیلم «کافر» ، بلافاصله کارگردانی شد ، را باشرکت بهروز وثوقی و فروزان پایان برده است و در نظر دارد ، فیلمنامه‌ای را آغاز کند .

تصادف

● در هفته گذشته یك حادثه غیرمترقبه خانواده بهروز وثوقی‌را در ناراحتی شدید فرو برد ، برادر کوچکتر بهروز وثوقی در یك تصادف شدید با یك موتور سوار ، به اتومبیل دیگری برخورد نمود و زخمی شد . در این حادثه در حدود دویست هزار ریال به‌اتومبیل طرفین خسارت وارد آمده است .

جدائیها !

● «می‌می» که به نقش بانو در مجموعه «آدم و حوا» بازی می‌کند ، در هفته گذشته ازهمسرش «ماریار باریاران» (نویسنده سری آخر مجموعه پهلوانان و دوبلور «جین باری» در سریال «اعتراف» و «رابرت استاك» در مجموعه «جستجو») طلاق گرفت .

«دلارام کشمیری» هفته پیش از این ، از همسرش جدا شد و هنوز تکلیف‌دوقلوهای «کشمیری» در این میان معلوم نشده است که پیش پدر بایستی بمانند و یا نزد مادر ...

کاهش مالیات

● در هفته گذشته وزارت دارائی اعلام داشت که ٤٠ درصد ازدرآمد دوبلورها مشمول مالیات میشود و بدین ترتیب در میزان پرداخت مالیات‌آنها نسبت به‌گذشته ۲۵ درصد کاهش داده شده است.

پیش از این دوبلور ها نیز نظیرهنرپیشگان، کارگردانان و... مشمول ماده ٦٥ قانون مالیات بر- درآمد بودند و ٦٥ درصد ازدرآمد خود را به وزارت دارائی می - پرداختند .

داش‌آکل و چهار جایزه

● «داش آکل» که در چهارمین جشنواره سینمائی سپاس جایزه های (بهترین فیلم بمفهوم مطلق-بهترین بازیگر نقش دوم مرد- بهترین فیلمبرداری سیاه و سفید)راکسب کرده بوددرفستیوال آسیائی و آفریقائی تاشکند دراتحاد جماهیر شوروی نیزتوانست چهار جایزه کسب کند . این چهارجایزه در رشته های «بهترین فیلم ، بهترین کارگردان ، بهترین بازیگر و بهترین سناریو» کسب شده است.

«داش آکل» محصول سینما تئاتر رکس می‌باشد وتوسط «مسعود کیمیائی» کارگردانی شده است.

خان‌نایب

● «سیروس افهمی» که برای اولین بار در سینما در فیلم «باجناق» محصول «سازمان‌سینمائی سینتا» شرکت می‌کند ، همراه با گروهش در مجموعه «پهلوانان»در فیلمی ظاهر خواهند شد با نام «خان‌نایب» که «سیروس افهمی» خود کارگردانی آن را بعهده خواهد گرفت .

«سیروس افهمی» هم‌اکنون مشغول تنظیم سناریوی فیلمش می- باشد .

ایرن نشد !

● سرانجام بجای «ایرن» برای بازی در فیلم «تختخواب سه نفره» ، توران مهرزاد انتخاب شد، دلیل‌انتخاب «توران مهرزاد»بجای «ایرن» کاملا معین نیست .

بهر حال تا این زمان بجز «نصرت کریمی» قرار شده است ، توران‌مهرزاد- شهرزاد -جهانگیر پارساخو و دوقلوهای فرزانه دراین فیلم شرکت کنند ، فیلم مزبور در «آس فیلم» توسط «نصرت کریمی» ساخته میشود .

خوشگذران در میثاقیه

● قرار شده است که فیلم «خوشگذران» در«استودیومیثاقیه» ساخته شود و همچنین موافقت «بهروز وثوقی» برای بازی دراین فیلم نیز گرفته شده است ... این فیلم‌را باحتمال قوی«بهرام‌ری‌پور» کارگردانی خواهد کرد ، چون در همین زمان «پرویز نوری» فیلم «عیالوار» را میسازد .

گوگوش و وبگن در تهران

● سرانجام «گوگوش» بعد از چندین‌ماه با «محمدکریم‌ارباب» که حدود نیم میلیون تومان ازاو طلبکارست ، توافق کردند و «گوگوش» به وطنش بازگشت ، وی از همین هفته در کاباره‌باکارا برنامه اجرا می‌کند .

«گوگوش» که چند ماه‌گذشته را در ایتالیا بسر می‌برد ، چند آهنك برای رادیو اجرا و ارسال کرده است که در دو هفته پیش‌دو آهنك خارجی‌اش از رادیو پخش شد ، وی در حال حاضر در هتل



● پرویز کاردان ، الیه الهی ، فخری خوروش و فرشته جنابی در صحنه‌ای از فیلم «شیر توشیر»



● سهراب شهید ثالث به همراه بازیگران فیلم «سیاه‌وسفید»

شروع «خورشید در مرداب»..

● فیلمبرداری فیلم «خورشید در مرداب اولین تجربه فیلمسازی همکار مطبوعاتیمان «م . صفار»، از این هفته در شمال شروع خواهد شد .

در خورشید در مرداب ، سعیدراد، فخری خوروش ، محمد علی کشاورز ، مستانه جزایری ،روشن ضمیر ، لاله صدر ، رضا آذرگون و هژیر وفادار شرکت دارند ، «علیرضا زرین‌دست » فیلمبرداری این فیلم را که اولین محصول سازمان سینمائی نگامی‌ـ باشد بعهده دارد .

«آریا شراتون» بسر می‌برد ، آریا شرایتون ، محل موقت اقامتش است تا زمانیکه «گوگوش» آپارتمانی اجاره کند .

ویگن نیز بعد از نزدیك دو سال دوری از ایران قرار شده است تا اواخر این ماه به تهران سفر کند ولی اعلام شده است که این سفر کوتاه مدت است و بااینکه «ویگن» تصمیم دارد در ایران ماندگار شود . ویگن در دو فیلم از مجموعه «بالاتر از خطر» شرکت کرده که بزودی از تلویزیون ملی ایران نمایش داده خواهد شد .

بیك‌ایمانوردی و گروگان

● «رضا صفائی» در «استودیو آر . بی» فیلمی میسازد با نام «گروگان» که تهیه کننده‌اش «رضا بیك‌ایمانوردی» وتا این‌زمان قرار شده است که «رضا بیك ایمانوردی» واحتمالا «تقی مختار» در فیلم شرکت نمایند .

و هم‌چنین در هفته آینده ، فیلمبرداری فیلم «محبوب بچه‌ها» در استودیو «آر. بی» ادامه‌خواهد یافت ، در «محبوب بچه‌ها» که ساریوش توسط «جمال امید» نوشته شده است «رضا بیك‌ایمانوردی و فروزان» نقش های اصلی‌را بازی خواهند کرد .

کوماندو

● «رضا بیك‌ایمانوردی » علاوه بر «گروگان» فیلم دیگری‌را نیزبرای «رضاصفائی» بازی‌خواهد کرد که «کوماندو» نام دارد ، هنوز نام سایر هنرپیشگان این‌فیلم تعیین نشده‌اند.

عاصی در بوشهر

● در مهرماه ، فیلم «عاصی» در «بوشهر» جلوی دوربین‌خواهد رفت ، قرار است عاصی را «رضا شیبانی» کارگردانی کند. و «ناصر ملك مطیعی» نیز نقش اصلی را بعهده بگیرد ... ساریوی عاصی را «مهربان» نوشته است ...

سینما تك ایران

● وزارت فرهنگ و هنر برای جمع آوری آثار سینمائی ایران و خارج ، سازمان جدیدی بنام «سازمان سینماتك» تشکیل‌داده است که این سازمان کلیه آثار



● «سعیدراد» و «شهرزاد» در صحنه‌ای از نخستین فیلم‌طویل «کامران شیردل» بنام «صبح روز چهارم»



● منصور سپهرنیا ورضیائی در صحنه‌ای از فیلم دومیلیونر و یك مفلس که درحال حاضر مراحل فنی آن طی میشود

● پوری بنائی و کامی کروی در صحنه‌ای از فیلم قایقرانان»



● «مختار» و «نوجستا» در صحنه‌ای از فیلم «بدکاران»



«نعمت‌الله آغاسی» و ماجرای عشقش با «طاووس» درفیلم «خیلی‌هم ممنون»



● «آغاسی» دراوائل که به تهران آمده بود ، قبل از ازدواجش روابطی با «طاووس» رقاصه معروف تهران داشت و جنجال بسیاری بوجود آورد و بعد از «یوالله» که شروع فعالیت خوانندگی و گوشه‌ئی از زندگی‌اش را بازگو میکرد ، اینك باردیگر «منوچهر نوذری» گوشه دیگری از زندگی «آغاسی» را بفیلم برگردانده است که ازاین هفته روی‌پرده میآید ... در «خیلی‌هم‌ممنون» حوادث‌جالب و مهیجی که بر «آغاسی» بعدازآشنائی با «طاووس» می‌گذرد ،شاهد خواهید بود .

در «خیلی‌هم ممنون» که «آغاسی» در آن با «سیمین غفاری ، جهانگیر فروهر، امیرفضلی، عنقی ... محسن مهدوی، طاووس»همبازی است ، یازده آهنك خوانده‌است ، این یازده‌آهنك جدید را «آغاسی» با لهجه‌های مختلف خوانده‌است ... «نوذری» در باره «آغاسی» درفیلم «خیلی‌هم‌ممنون»که «احمدشیرازی»آنرا فیلمبرداری کرده است میگوید : «آغاسی» ضمن اینکه خواننده خوبی است، می‌تواند یك بازیگر فوق‌العاده نیز باشدو «خیلی‌هم ممنون» این را بهثبوت خواهد رساند. «خیلی‌هم ممنون» از این هفته روی پرده‌سینما های تهران خواهد آمد.

در تصویر بالا «آغاسی»هنگام اجرای یکی از یازده آهنك‌بهمراه «طاووس» دیده میشود.

برجسته سینمائی ایران و دنیا را گردآوری خواهد کرد .

این سازمان هم‌اکنون‌مشغول جمع آوری اولین فیلم هائی است که در ایران و یا هندوستان به وسیله ایرانیان تهیه شده است.

ازدواج کارگردان ساحره

● «ساحره» در اواخرمرداد ماه روی پرده خواهد رفت، ساحره را «کامران‌قدکچیان» کارگردانی کرده است که هفته گذشته بجرگه متاهلین پیوست .

ساحره محصول سازمان‌سینمائی ژورك است و در آن «فروزان ــ بهمن مفید ، پیمان ، فرنگیس فروهر ، تجدد و حسین گیل» شرکت دارند .

گودال

● مصطفی اسکوئی که فیلم «زن خون آشام» را چهار سال‌پیش از او نمایش دادند ، در تدارك تهیه فیلم تازه‌ای براساس داستانی از «قاسم لارین» بنام « گودال » می‌باشد و قرار است در آن «تقی مختار ، کارمن اسکوئی و کادر بازیگران آناهیتا» شرکت کنند .

فیلمبرداری این فیلم که به طریقه رنگی در شمال و تهران برداشته خواهدشد، بعهده «مصطفی عالمیان» است .

فیلم ایران در فستیوال کارلوویواری

● خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که ایران نیز درفستیوال کارلووی واری در چکسلواکی شرکت خواهد داشت ، علاوه‌بر ایران ۳۶ کشور نیز دراین‌فستیوال حضور دارند ، برنامه این‌فستیوال علاوه براهدای جوایزی (کره کریستال) در رشته های مختلف، تحلیل از «میخائیلرم» کارگردان نامدار روسی است .

در تماسی که خبرنگار ما با «وزارت فرهنك و هنر» گرفت ، سخنگوی این‌وزارتخانه اعلام‌داشت که شرکت یك فیلم کوتاه از «ایران» قطعی است و از جانب وزارت فرهنك و هنر ، این فیلم کوتاه ارسال خواهد شد ، اما شرکت فیلم طویل بستگی به نظر اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران‌دارد و تا (ظهر یکشنبه) این زمان، هنوز اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران اطلاعی در مورد شرکت این فیلم در فستیوال «کارلوویواری» نداده است .

صبح روز چهارم ، روی پرده

● صبح روز چهارم، اولین اثر سینمائی «کامران شیردل » بزودی آماده نمایش خواهد شد ، این فیلم که در تابستان‌سال‌گذشته

تهیه‌ش آغاز گردید، پس‌ازمشکلات متعدد و کارشکنی هائی که درکار تهیه و پیشبرد آن صورت‌گرفت عاقبت در اردیبهشت ماه سالجاری بپایان رسید و هم‌اکنون آخرین مراحل صدابرداری آن در استودیو شهاب انجام می‌گیرد.

کامران شیردل علاوه بر کارگردانی «صبح روز چهارم»، سناریست و تهیه کننده آن نیز می‌باشد و در آن «سعیدراد، وجستا، شهرزاد، پروین سلیمانی، حسن رضائی، تجدد و جلال» شرکت دارند.

فیلمبرداری «صبح‌روزچهارم» را «جمشید الوندی» انجام داده وسازنده موزیک‌متن آن«واروژان» است. جالب است اگر بدانید که «اسماعیل نوری علاء» نیز در صحنه‌هائی ازاین فیلم شرکت دارد.

کتایون و فیلمهای تازه

● «کتایون» که بافیلم «عطش»، فعالیت تازه‌اش را آغاز کرده است، به جمع‌بازیگران فیلم «سلطان» پیوست، در «سلطان»، علی آزاد، بعد از بهبودیش از بیماری‌طولانی که داشت بازی دارد و علاوه بر «کتایون»، «اسدالله یکتا و فاضلی» نیز در این فیلم بازی دارند.

«کتایون» همچنین همزمان با بازی در فیلم «سلطان» در فیلمی بکارگردانی «منوچهر قاسمی» شرکت خواهد کرد بانام «شلاق» (این فیلم قبلا «خاتون» نام داشت) و همبازیهایش در این فیلم «ایرج قادری، بدی و اسدزاده» می‌باشند.

شیرتوشیر بعد از فدائی

● بعد از فیلم «فدائی» که در این هفته روی پرده بود، سازمان سینمائی پیام فیلم «شیر توشیر» را روی اکران خواهد آورد. «شیر توشیر» اولین تجربه «منصور پورمند» است و در آن «پرویز کاردان، فخری خوروش، فرشته جنابی، الهه‌الهی، مفیدی و بخشی» شرکت دارند. هوشنگ بهارلو فیلمبرداری این فیلم را بعهده دارد.

آماده نمایش

● فیلم جدید «سهراب شهید ثالث (سازنده فیلم آیا و برنده جایزه سپاس بهترین فیلم کوتاه در چهارمین جشنواره سپاس) بانام «سیاه و سفید» آماده نمایش شد.

سهراب شهید ثالث این فیلم را برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته است. فیلمبرداری این فیلم را «مهرداد فخیمی» انجام داده و در آن «جعفر دهمی، سعید دهمی، محمد رضا دهمی، دهی قناد، حبیب‌الله اکبریانی و پروانه حسینی» شرکت دارند شهید ثالث یك فیلم را نیز برای مرکز سینمائی وزارت فرهنگ وهنر بنام «قره‌کلیسا» ساخته است.

قایقرانان، تمام!

● اولین فیلمی‌که «سپیرا فیلم» بعد از «پنجمه» روی اکران میآورد «قایقرانان» است که «رضا صفائی» کارگرداش است.

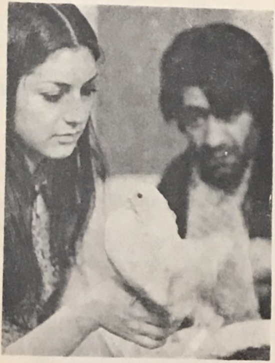
در قایقرانان «پوری بنائی، منوچهر وثوق، کامی کسروی، آرزو، مرتضی احمدی، حسن رضیانی وسرکوب» شرکت دارند.

مراحل فنی بدکاران

● فیلم «بدکاران» هم‌اکنون مراحل فنی‌اش در «آریانا فیلم» طی میشود، این فیلم‌را «قدرت‌اله احسانی» کارگردانی و فیلم ـ برداری میکند و در آن «مختار، وجستا، دلیله، تجدد، نادیا» شرکت دارند. فیلم مزبور را «عباس شباویز» تهیه می‌کند.

گلپا وسه کارگردان

● مذاکراتی در بین است تا اکبر گلپایگانی که «مرد حنجره طلائی» نخستین ثمره فعالیت او در زمینه بازیگری در سینما بود و پس از بازی در فیلم مزبور، تقریبا از سینما کناره‌گیری نمود، باردیگر ایفاگر رل اصلی فیلمی گردد و گویا گلپا موافقت خود را در این مورد، مبنی برآن دانسته که یکی از این سه کارگردان: مسعود کیمیائی، نصرت کریمی وداریوش مهرجوئی کارگردانی دومین فیلم اورا برعهده بگیرند و باین‌ترتیب، در صورتیکه تهیه کننده مورد نظر که یکی از تجار ترکیه میباشد و در نظر دارد فعالیتی را در زمینه فیلمسازی در ایران در دست‌بگیرد، بتواند یکی از کارگردانهای‌مذکور را برای ساختن فیلمی با شرکت گلپایگانی حاضر نماید، گلپا را یکبار دیگر بر روی پرده سینما خواهیم دید



● گوگوش و انتظامی در صحنه‌ای از فیلم «بی‌تا»

بی‌تا، آماده نمایش

● فیلم«بی‌تا» ساخته«هژیر داریوش» آماده نمایش شده‌واکنون بحث در این است که این فیلم در یك سینما نمایش داده بشود یا در یك گروه سینمائی. در این فیلم عزت‌الله انتظامی و گوگوش نقش های اصلی را برعهده‌دارند.

نشریه هفتگی
فیلم وهنر

صاحب امتیاز و مدیر:
عبدالمجید رمضانی

آدرس اداره: ابتدای روزولت
شماره ۲ ــ آپارتمان شماره ۱۰
«صندوق ۱۹۴۷»

تلفن امور اداری
۸۳۹۹۷۱

تلفن هیئت تحریریه:
۸۳۳۶۳۵

چاپ از: سکه
تلفن ۳۱۳۹۳۴
گراور از: جواهری
تلفن ۳۱۴۳۱۱

روی جلد تقی‌مختار
تابلوهای وسط جادوین
هنرپیشه فیلم «ریولوبو»
گوگوش

● «داریوش سعیدی» درگفتگوی «ژاله سام» و «جعفر کاشانی»

مصاحبه خواندنی وجالب بك جعفر کاشانی وستاره فیلم

از : داریوش سعیدی

● صفحات «ورزش وسینما» در شماره های گذشته بی‌نهایت‌مورد استقبال خواندگان مجله واقع‌شده است ، ما از این هفته، باطرح چند تن از دوستان که این صفحات‌را می‌خوانند ، یك ورزشکار ویك هنرمند در برابر هم قرار میدهیم‌و نتیجه گفتگوی آنها را منعکس می‌کنیم و اولین نمره این طرح‌تازه را در همین شماره ملاحظه می‌کنید که‌امیدواریم موردتوجهتان باشد .

ژاله سام: فوتبال یك کار تیمی است ولی در فوتبال ایران، توفیق بازیهای تیمی کمتر از توفیق بازیهای انفرادی است. چرا؟

کاشانی – همانطور که گفتید فوتبال یك بازی دسته‌جمعی است و باید در حین بازی افکار و هدف یازده بازیکن روی یك جهت متمرکز شود و این تقریبا مشکل است چون بیشتر افکار بخصوص در شرایطی که تطابق و هم‌آهنگی در بین نباشد ، متضاد هستند بهمین جهت در این گونه موارد وقتی یك فرد خودش‌تصمیم میگیرد و فکر می‌کند و در حیطه خودش کار می‌کند نتیجه بهتری را ظاهرا بدست می‌آورد .

ژاله سام : شما بعنوان یك قهرمان ملی نظرتان در مورد جامعه ورزشکاران و هنرمندان بطور کلی که بنحوی با مردم در تماسند چیست . بنظرت بایدعکس‌العمل آنها چه باشد ؟

کاشانی : قهرمانی که دردل مردم جای میگیرد بمفهوم اینست که مردم او را پذیرفته‌اند من و شما قهرمانیم ومال این مردم‌هستیم و از همه مهمتر جزئی از ملتیم باید سعی کنیم سمبلی از خوبیها باشیم تا همیشه در قلب آنها جای داشته باشیم و همیشه بیادمان‌داشته باشند واگر کسی از این مردم بی‌اعتنا بگذرد قهرمان واقعی‌نیست و بعقیده من ظاهرا یك قهرمان است .

«ژاله سام» در دنباله این حرفهای کاشانی می‌گوید: پس نتیجه میگیریم‌که ما ترقی‌وموفقیت خودمان را مدیون این مردم‌هستیم پس باید برایشان همیشه افتخار آفرین باشیم و ضمنا باید مردم بدانند ما هم چون آنها هستیم‌منتها بامشکلات وکار بیشتر...

خب ، آقای کاشانی شما متاهل هستید ، درسته ؟... فکر میکنید همسرتان ، تاچه‌حد درکار ورزشی شما موثر است ؟

کاشانی : دو سال ونیم است که ازدواج کرده‌ام (۲۸ سال از سن کاشانی میگذرد) وتنهافرزندم «شاهین» گرمی‌بخش زندگی‌مان است ، من ، همسرم را در محیط ورزشی نیافتم وآن زمان‌که‌ازدواج کردم همسرم ۱۶ ساله بود من تمام افتخاراتم را مدیون مادرم هستم او همیشه در تمام شئونات یاری کننده من بود، یك چیزرا بایستی اعتراف کنم. بنظر من همسر یك قهرمان بودن مشکل است چرا یك قهرمان مشکلات فراوانی دارد که همسرش‌هم باید خواه ناخواه درآن ها شریك باشد، همسرمن زنی‌بردبار و روشنفکری است و در این مدت همیشه پشتیبان و مددکار من بوده است امیدوارم روزی بتوانم‌زحمات او را جبران کنم .

ژاله سام : من معمولا همه مسابقات فوتبال را سعی می‌کنم ، ببینم ، و البته در این باره نظرهائی دارم ، ولی می‌خواهم نظر خود شما را راجع به‌پیشرفت‌فوتبال در ایران بدانم...

کاشانی : بعقیده من فوتبال ایران در چند ساله اخیر دگرگونی هائی در جهت برتر بودن پیدا کرده و بهترین عاملی که باعث خواهد شد فوتبال ما هم به حد فوتبال کشور های صاحب‌نام برسد تشویق کارخانه‌دارها وسرمایه‌دارها برای کمك به این ورزش است ، باید آنها را متوجه این ورزش کرد تا فوتبال از لاك آماتوری بیرون بیاید و به فوتبال حرفه‌ای تبدیل گردد ، انشاءالله بابرنامه‌هائی که قرار است انجام شود ورزش فوتبال ایران سر وسامانی بگیرد. آنچه را که باید اضافه‌کنم این است که عامل اصلی پیروزی تیم فوتبال ایران در مسابقات فقط حس شاه دوستی و وطن پرستی و تعصب خود بچه‌ها بوده که باتمام وجود خود را در اختیار این‌ورزش

ژاله سام :

● علی نصیریان و پوری بنائی، هنرمندان منتخب‌من هستند :

● هنرپیشه زن در سینمای ایران کم است .

● همسرم تا جائیکه سینما به زندگی خانوادگیمان لطمه نزند، مشوق و یارمن در کارم است .





● کاشانی ، یادداشت برمیدارد

تیم‌ملی ایران و تیم پرسپولیس
پستچی ژاله‌سام باهم ...

جعفر کاشانی :

● ملك‌مطیعی و کریمی هنرمندان محبوب من .

● همایون‌بهزادی می‌تواند برای سینما یك هنرپیشه با قدرت باشد .

● برای سینما نظیرورزش به نیروی جوان احتیاج داریم چون جوان افکارش بآینده نزدیکتر است .

قرار دادند و بارها پرچم ایران‌را درسرزمین های دوربرفراز آسمانها به احتزاز درآوردند .

ژاله سام : فکر میکنید که یك ورزشکار و یا هنرمند و یا کسانیکه باهنر سر و کار دارند از نظر مادی در چه شرایطی باید باشند ؟

کاشانی – بعقیده من اگر زندگی ما و امثال ما ، از نظر مادی یامعنوی تامین باشدپیشرفتمان قطعا بیشتر خواهد بود چه در آن زمان فکر ما متوجه کارمان‌خواهد بود و به ایده‌هایمان خواهیم اندیشید ولی حالا مجبوریم برای تامین زندگیمان تنها به هنرمان فکر نکنیم ولی در صورتیکه فرضا فوتبال حرفه‌ای شود ترقی بازیکنان مسلما بیشتر خواهد بود .

ژاله سام : خب حالا دوست دارم بدانم‌نظر یك فوتبالیست‌موفق در مورد سینمای ایران چیست؟

کاشانی : اینطور که من احساس کرده‌ام ، سوژه فیلمهای ما بیشتر تقلید از فیلمهای خارجی است و سینمای ایران بعقیده من در حال حاضر راه غلط را پیش گرفته، مخصوصا‌این‌که کارگردانان بیشتر متوجه سکس بی‌پرده‌واغراق شده‌ای در سینما شده‌اند و فیلمرا صرفا بخاطر تجارت پیگیر می‌شوند و روی این اصل مفهوم هنر در سینما در آثار ایرانی تقریبا جائی ندارد .

ژاله سام : و در این شرایط گمان می‌کنید ؟ چه عاملی برای بهبود سینمای ایران موثر خواهد بود ؟

کاشانی : فعلا کارگردانان آنچه را که عامه مردم میخواهند فیلم می‌کنند در صورتیکه یك کارگردان خوب باید سعی کند فیلمی را تهیه کند که در سطح بالاتر باشد ولو اینکه توده‌ای از مردم آنرا نپسندند و مردم را علاقمند کنند که از فیلمهائی با سوژه های با نتیجه وآموزشی‌دیدن کنند و همه هدف تجارت صرف نباشد .

ژاله سام : باهنرپیشه های ایرانی آشنائی دارید ، نظرتان‌در مورد آنها چیست ؟

کاشانی : از میان هنرپیشه‌ها من به بازی ملك‌مطیعی‌ونصرت‌الله کریمی علاقمندم چون ناصر ملك مطیعی سالهاست که توانسته خود را در یك فرم ایده‌ال نگاه داردو فیلم سبك از ملك مطیعی کمتر دیده‌ام و نصرت‌الله کریمی آنچه را که مردم میخواهند بصورت معقولی عرضه می‌کند بصورت تبصره ، یك نکته را باید بگویم‌که بهروز وثوقی بیشتر از آنچه که هست بزرك شده و این رامعتقدم آنها که خوبند پایدارند ، بازی شما (اشاره به ژاله سام) را می‌پسندم و حالا فکر میکنم برای سینما نظیر ورزش به‌نیروی جوان احتیاج داریم چون یك جوان ، افکارش به آینده نزدیك‌تر است.

ژاله سام : در صورتیکه‌تمام مسائل در زمینه سینما از دریچه دید شما ، بصورتی درآید که‌بایستی باشد ، در این شرایط حاضرید در مقابل پیشنهاد سازندگان فیلم به سینما روی آورید ، آیا فکر می‌کنید که ورزشکاران می‌توانند هنرپیشه خوبی باشند ؟

کاشانی : من در مورد بازی خودم در فیلم فکر نکرده‌ام ولی همانطوریکه‌میدانید ماورزشکارانی داشته‌ایم که در سینما موفق‌بوده‌اند میتوانم همایون بهزادی را مثال بزنم‌که واقعا می‌تواند یك‌هنرپیشه باقدرت باشد چون به زیروبم این هنر کاملا وارد است و در تعجب هستم که چرا تاحال پیشنهادات فراوان سازندگان فیلم را قبول نکرده است .

ژاله سام : اگر بخواهیدیك تیم‌فوتبال‌زن‌ومرد ازبین‌هنرپیشه‌ها انتخاب نمائید چه کسانی‌راپیشنهاد می‌کنید ؟

برای انتخاب یك تیم هنری فوتبال از مردها «محمدعلی‌فردین – ناصر ملك مطیعی – بهروز وثوقی – عزت‌الله انتظامی – نصرت‌الله کریمی – بهمن مفید واز خانمها ، شما (اشاره به ژاله سام) – ایرن – فخری خوروش‌– گوگوش – پوری بنائی وذخیره‌ها نیلوفر و رضائی‌فر ! را انتخاب میکنم .

***

و حالا نوبت ژاله سام بودکه به سئوالات «جعفر کاشانی» پاسخ گوید ، کاشانی سئوالات خود را چنین مطرح کرد .

کاشانی : شما چه مدت‌است

بقیه در صفحه ۳۸

تماس شیطانی «جهانگیر ـ غفاری» با «کارول بیکر»



در اسپانیا

● «جهانگیر غفاری» درحال حاضر در اسپانیا بسر می‌برد و بزودی راهی رم خواهد شد تا در برابر «کارول بیکر» در فیلمی مشترك از اسپانیا و ایتالیا بازی کند.

این خبر کوتاهی در بین خبر های سینمائی روزنامه Lanueva Espana چاپ اسپانیاست که در همان شماره‌اش، گفتگوئی در یك صفحه با «جهانگیر غفاری» ترتیب داده است و ما در اینجا قسمت هائی از آن را برای شما ترجمه می کنیم:

اولین سئوالی که روزنامه اسپانیائی اخیرالذکر از جهانگیر غفاری کرده، سوابق کار اوست (در اسپانیا «جهانگیر غفاری» به نام «جان غفاری» معروفست) که «جهانگیر» در پاسخ این سئوال گفته‌است:

ـ من برای تحصیل به‌آلمان سفر کردم، تحصیل در زمینه‌ئی کاملا دور از سینما، ولی بایستی اذعان کنم که بازیگری در همان روزگار، که خیلی جوان بودم بسیار وسوسه‌ام میکرد و بهمین جهت، خیلی زود به سینما روی کردم و در تعدادی فیلم آلمانی شرکت‌کردم که معروف‌ترینشان دو وسترن با شرکت «لکس بارکر» و «پیر براسور» بود ...

بعد ها به دلائلی به وطنم «ایران» بازگشتم، در آنجا نیز کار بازیگری را کماکان ادامه دادم و در بیش از پنجاه فیلم در نقش های کوتاه و بلند بازی کردم ولی‌واقعیتش اینست‌هیچکدام آنها آنطور که بایست در کاریر سینمائی‌ام، کار درخشانی ازجهت بازی من نبودند، چه در اکثر این فیلمها من، آنطوریکه باید امکان جلوه‌گری نداشتم، هرچند که من هیچگاه به نقش کوچك و بزرك اهمیت نداده‌ام و کارم نیز در حدی که بایست، نظر صاحبنظران را جلب میکرد، ولی بهرحـال این حق را بخود میدهم که از کار خودم در این فیلم ها چندان راضی نباشم.

در ترکیه

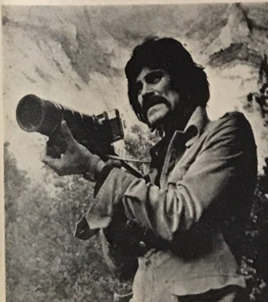
ـ برای بازی در یك فیلم مشترك ایران و ترکیه راهی «ترکیه» شدم و در آنجا فیلمسازان ترك، تیپ مرا پسندیدند و بهمین جهت در ترکیه ماندگار شدم ودر یکسال نزدیك سی و پنج فیلم بازی کردم ... در ترکیه فرم کار خیلی کلیشه‌ای و قراردادی است، کیفیت در کار ابدا اهمیتی‌ندارد، آنها سینمای هند را الگو کرده‌اند و تنها به تعداد فیلم و خوراك سینماهای خود می‌اندیشند، هر نوع وهرسطح فیلم، برایشان تفاوتی نمی‌کند ..... و من نیز در هر زمینه‌ئی که در ترکیه فیلم ساخته میشد، شرکت داده شدم، از آثار تاریخی، مذهبی، عشقی، سکسی، درام، کمدی، جنگی و وسترن!

محبوبیت زیاد

ـ در ترکیه محبوبیت زیادی بدست آوردم، دانستن زبان ترکی و منطبق شدن با مقررات و سبك کارشان، به این امربس کمك‌زیادی کرد .... من حتی با یك ستاره محبوب ترك‌بنام «گولسون» ازدواج کردم ... این ازدواج ناگهانی‌بود و بهمین جهت ناگهانی هم فسخ شد، دلیلش توجه ستارگان دیگر ترك بمن بود و «گولسون» طبیعتا که دختر حسودی بود، بهرحال سبب شد که آزادی ازکف‌رفته را، مجددا بدست آورم ...

اگرچه کیفیت‌کار درسینمای ترکیه نازل بود، ولی نظمی که برکار فیلمسازی در این مملکت حاکم است، سبب شد که نزول کیفی کار، چندان تاثیری بر روحیه من نگذارد، بهرحال‌تهیه یك وسترن مشترك بین اسپانیا و ترکیه سبب شد که برای سینمای کشور شما، باصطلاح کشف شوم و حالا هم در خدمت شما هستم.

بقیه در صفحه ۳۹





مارچلو ماسترویانی به هنگام خروج از کلینیک، بعد از دیدار از «کاترین» و «باربارا» ...

پاپا مارچلو خوشحال است...



● **اولین تصویر از «کاترین دونوو» وفرزندش از«ماسترویانی» فرزند ایندو دختراست و «باربارا» نام دارد .**



اولین فرزند مارچلو ماسترویانی و کاترین‌دونو بدنیا آمد.



شرح تصاویر :
عکس بالا: مارچلوماسترویانی در اولین ساعات ورود به پارس در یك مصاحبه مطبوعاتی .
عکس پائین : کاترین دونوو به هنگام خروج از کلینیك بعداز زایمان

● در تابستان سال ۱۹۷۰ مارچلو ماسترویانی و «فی‌داناوی» با یکدیگر آشنا شدند ولی این آشنائی و این عشق خیلی زودتمام شد زیرا «کاترین دونوو» سر راه مارچلو ماسترویانی قرار گرفت . بعد از آشنائی با «کاترین» زندگی مارچلو ماسترویانی بیك‌باره تغییر کرد .دیگر نمیتوانست آن‌مارچلوی منزوی و گوشه‌گیر که از زنها فراری بود ، باشد . زیرا «دونوو» سرفصل زندگی تازه‌ای برای اوشده بود . عشق بین آندو بحدی شدید بود که تصمیم گرفتند با یکدیگر ازدواج کنند ولی بخاطر همسر «مارچلو» برای آندو امکان پذیر نبود در نتیجه ماسترویانی تصمیم بجدائی از همسر سابقش گرفت . و در یك سفر کوتاه به رم همه‌چیز را برای همسرش فاش و بعد از خوردن یك اسپاگتی خوشمزه که دست‌پخت همسرش بود برای‌همیشه از او جدا شد و راهی پارس گردید !

اکنون کاترین دونووکه تنها ثمره آشنائی و عشق خود را با مارچلوماسترویانی در یکی از کلینیك های پارس بدنیاً آورده معتقد است که هیچگاه درزندگیش تا این حد خوشحال و خوشبخت نبوده است، دوستان‌مارچلومیگویند که وی پس از اطلاع از پدر شدن، ناراحت شده وی که گوئی هرگز انتظار نداشت باین زودی برای بار دوم پدر شود . اما واقعیت جز اینست و مارچلو ماسترویانی فوق‌العاده خوشحال به نظر میرسد وی پس از اطلاع از این موضوع بلافاصله محل فیلمبرداری را ترك کرده و از ایتالیا راهی فرانسه گردید تا مادرشدن مجدد «کاترین» را به او تبریك گوید .

کاترین دونوو نیز در سال ۱۹۶۳ بعدازازدواج با«روژه‌وادیم» فرزندی بدنیا آورد (وی‌ازازدواج دومش بادیویدبیلی‌فرزندی ندارد) بنام «کریستین» و این دومین باری است که وی دارای فرزندی‌میشود. فرزند جدید دونوو و مارچلو دختر است و «باربارا» نام‌گذاری شده است و کاترین‌دونوو هم‌اکنون دوران نقاهت خود را میگذراند و تصمیم او براین است تا هرچه زودتر بهبود یافته و به «رم»شهری که کارگردانانش را می‌پسندد سفر کند و در کنار مارچلو ماسترویانی همچنان به زندگی سعادتمندانه‌اش ادامه دهد .

کاشف شخصیت و

فروزان

جداول مخصوص را پر کنید تا بشما

محبوب خود



● انتشار مطلب «کاشف شخصیت و کاراکتر خود باشید» در شماره گذشته ، مورد بحث و فحص گروهی کثیر از خوانندگان و هنرمندان بود و با وجودیکه تقاضاها برای ادامه این مطلب زیاد است ، مع‌الوصف همانطوریکه قبلا اشاره داده‌ایم ، این مطلب بیش‌از دوشماره ادامه نخواهد یافت .

ما در این شماره دو تن دیگراز ستارگان محبوب سینمای ایران را در برابر هم قرار داده‌ایم ، فروزان و ایرن ...

«فروزان» مسلما در حال‌حاضر سرشناسترین چهره از بین هرمندان زن سینمای ایران است، اغلب فیلم هایش در ردیف آثار پرفروش بوده است ، وی تاکنون‌دوبار جایزه سپاس بدست آورده و در دو ماهه اخیر در ردیـف جنجالی‌ترین سوژه مطبوعات بـوده است .

و اما ایرن : زمانی که ایرن‌روی صحنه تئاتر و بعد از آن جلوی دوربین فیلمبرداری رفت «فروزان» هنوز به عرصه سینماراه نیافته بود و زمانی که فروزان به سینما راه یافت هرگز نمیشد حدس زد که زمانی فرارسد که درسینمای ایران شهرت «ایرن» را بتواند تحت‌الشعاع محبوبیت خود قـرار بدهد . «ایرن» که از هنرپیشگان قدیمی تئاتر میباشد که بعد از کسب مقدار زیادی تجربه راهی سینماشد و بعد از شرکت در یك سری فیلم در شرایطی که «تاپ» هم بود برای مدتی سینما را کنـار گذاشت و گاه‌وبیگاه جسته‌وگریخته درفیلمی شرکت میکرد . و بالاخره بافیلم «خدا حافظ رفیق و همای سعادت» فعالیت مجددش را در سینماشروع کرد ، فیلم «محلل» وی جزو کار های خوب و قابل بحث اومحسوب میشود تا جائی که او را بـرای دریافت جایزه سپاس کاندید کرد ولی نتوانست رقیب سرسخت خود «فروزان» را کنار بگذارد و در شرایطی که بجهت توفیق مادی‌فیلم «محلل» خیلی ها گمان می‌بردند که «ایرن» داوران را تحت تاثیرقرار داده و جایزه را دریافت کند ، اساسا در رای‌گیری داوران‌چندان بحثی از ایرن شد و «فـروزان» جایزه را دریافت نمود ولی بهرحال «ایرن» ازاین‌موضوع خوب بهره برداری کرد و جنجال‌آفرین شد .

بهرحال این‌شمه‌ای بود برای آشنائی جهت آندسته از کسانیکه بودند ولی آنچه‌دراین مطلب مهم‌مایل بشناسائی کلی ازاین‌دوستاره است مافقط با «نام»های این دو هنرپیشه ، و برای آنکه «جداول مخصوص» را پر کنید میبایست آنها را بعنوان هنرپیشه فراموش کنید بلکه با مراجعه بشناختی که درمورد آنها دارید تنها بعنوان دو «زن» از نظر زیبائی جداول را پر کنید . اکنون یکی از آندو را انتخاب کرده و در جدول‌مخصوص آنها به سئوالاتی که از شما شده است جواب دهید و بعد از تکمیل‌آن به جدول بزرگتر که در آن نمراتی بچشم میخورد توجه کرده‌و ریز نمراتی را که شما بشخصیت مورد علاقه‌تان داده‌اید جمع کنید‌و سپس در زیر مطالبی که درمورد کاراکتر و شخصیت‌شما بچاپ‌رسیده‌است مطالعه فرمائید .

لازم بتذکر است که شمـا فقط میتوانید یکی از آندو را به عنوان «زن ایده‌آل» انتخاب‌کنید. بدون شك هشتاد درصد جوابهائی که میاید صحیح و در مورد شما صدق می‌کند .

فروزان «از ٦ الی ١٠ نمره»

● در انتـخاب زیـبائی‌ها سلیقه‌ای خاص و مختص بخـود دارید . آدمی شیك‌پوش هـستید و مشکل‌پسندی شما لطمه زیادی بشما میزند . غرور بیش از حد شمـا برایتان ناراحتی هائی ایجاد کرده و اگر باین کار ادامه دهید بیشتر شما را ناراحت خواهد کرد . گاهی اوقات بدون آنکه خود بدانید‌دست بکاری میزنید ولی خیلی زود از آن سیر میشوید و کار دیگری راشروع می‌کنید . در عشق چندان

فروزان

چشمان اورا چگونه می‌بینید ؟
☐ زیبا ☐ جذاب

ازنظر تناسب اندام اورا می‌پسندید؟
☐ بله ☐ خیر

قد او چه اندازه است؟
☐ کمتر از ١٫٦٣ ☐ بالاتر از ١٫٦٣

بیکی ازاقوام شما شباهت دارد ؟
☐ بله ☐ خیر

خواهرتان را بخاطرتان میآورد ؟
☐ بله ☐ خیر

باچه کسی ترجیح میدهید فیلمهای اورا ببینید ؟
☐ بایك دوست ☐ با همسر

یا ایرن؟

ا بگوئیم خصوصیات کدامیک ازهنرمندان

د را دارید.



خوش شانس نیستید و هربار بـه‌عناوین مختلف بـا شکست روبرو شده‌اید .

ایرن «از ٦ الی ١٠ نمره»

● کاراکتر عجیبی داریـدشکاف و دودلیدو هرگز مصممانه کاری را دنبال نمیکنید . زودرنج و خود خور هستید و هرگز برای اجرای پروژه هائی که در سـرداريد ضابطه و معیاری نمیتوانید قائل شوید همین امر باعث میشود که اغلب کارهائی که به نفع‌شماست صرفنظر کنید . فکر هائی در سردارید که با موقعیت فعلی شمـا هرگز وفق نمیدهد . زیرا مایـل‌نیستید از صفر شروع کنید . در عشق شانس خوبی دارید ولی‌دودلی و مصمم نبودن شما باعث میشود که بناکامی بیانجامد .

فروزان «از ١٠ الی ١٦ نمره»

● خوشرو و خوش‌برخوردهستید همین امر باعث میشود که دوستان‌زیادی‌پیداکنید، کاراکتری‌عجیب دارید اما نه برای‌دوستـان زیرا در لابلای این خوشروئی واین خوش برخوردی بیخود وبدون جهت مـسائلی پیش پا افتاده شمارارنج میدهد و هرگز مایل نیستید طرفداران بیشماری که دارید این‌مسائل باصطلاح بغرنج را با آنها در میان بگذارید .

مایلید برای دوستانتان فـداکاری کنید ولی گهگاهی‌این‌نوع فداکاری ها بضرر شما تمام شـده‌است وعده‌ای‌را از خودرنجانده‌اید. از عاشق شدن هراس دارید وهرگرمایل نیستید حتی برای یکبار هم شده شانس خود را آزمایش کنید .زیاد کار میکنید ولی خیلی زود ثمره دسترنج خود را از دسـت‌میدهید .

بقیه درصفحه ٣٨

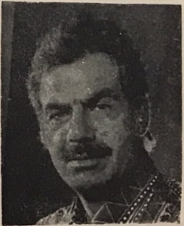
ایرن

چشمان او را چگونه می‌بینید ؟	زیبا ☐	جذاب ☐
از نظرتناسب اندام اورا می‌پسندید؟	بله ☐	خیر ☐
قد او چه اندازه است؟	کمتر از ١٫٦٣ ☐	بالاتر از ١٫٦٣ ☐
بیکی از اقوام شما شباهت دارد ؟	بله ☐	خیر ☐
خواهرتان را بخاطرتان میآورد ؟	بله ☐	خیر ☐
باچه کسی ترجیح میدهید فیلمهای اورا ببینید ؟	بایك دوست ☐	با همسر ☐

اکنون به نمراتی که در این‌تابلو داده شده است توجه کنید و آنها را با جدول خـود مطابقت‌نمائید

چشمان او را چگونه می‌بینید ؟	٣ زیبا	١ جذاب
ازنظر تناسب اندام اورا می‌پسندید؟	٢ بله	١ خیر
قد او چه اندازه است ؟	٣ کمتر از ١٫٦٣	١ بالاتر از ١٫٦٣
بیکی از اقوام شما شباهت‌دارد؟	٢ بله	١ خیر
خواهرتان را بخاطرتان میآورد ؟	١ بله	٣ خیر
باچه کسی ترجیح میدهید فیلمهای اورا ببینید	١ بایك دوست	٣ با همسر

ناصر ملک‌مطیعی...
نماینده غرور یک سینما



● راز دوام جاذبه و محبوبیت یک آکتور در کادر محدود وبسته سینمائی چون سینمای ایران را علاوه‌برقابلیت حرفه‌ای وی ــ باید در خصوصیات درونی و شخصیت ذاتی او هم جستجو نمود و این خود مسئله‌ای است قابل تعمق به جهت استثنائی بودنش که کمتر نظیر داشته است و «ناصر ملک مطیعی» دارای این‌استثناء است و رازهای آنرا با خود همراه دارد. و او بعنوان ستاره اول فیلمها تاکنون پابپای سینمای ایران پیش آمده است و در واقع میتوان‌گفت عمر کار بازیگری اوباعمر سینمای ایران تقریبا برابر است و تنها نماینده تمام غرور و موجودیت سینمای ماست و مرور کار های او در واقع مرور تاریخ سینمای ایران است و حال می‌بینیم که بتدریج و همزمان با فتح فستیوال های بین‌المللی با همه شرایط‌سخت اقتصادی و محدودیتهائی‌که کمپانی های بزرگ فیلمسازی برای سینما های کوچك ایجاد می‌کنند ــ «ناصر ملك‌مطیعی» نیز به سینمای کشور های همجوار دعوت میشود و این نمودار آنستکه محبوبیت او از ورای مرزهای سینمای ایران گذشته است .

بدنبال چنین موفقیتی است که می‌بینیم بهنگام مسافرت وی به اروپا در ترکیه از او میخواهند تا برای آنها در فیلمی بازی کند.

چهره‌های روز

● رابطه‌ای که بین «هوارد هاکز» و «تماشاگر» ازطریق‌تصاویر سینمایش ایجاد میشود ــ رابطه‌ای است مستقیم وبی‌غل وغش وهرچیز وهرکس همانطوری که هستند خود رامعرفی می‌کنندبطوریکه هیچوقت تماشاگر در طی فیلم او گمراه نیست و با هیچگونه شگرد های بصری مواجه نمیشود ــ و این نوع‌صداقت در پرداخت موجب میشود تا تماشاگر نسبت باین سینما احساس صمیمیت بیشتری داشته باشد .

سینمای «هاکز» سینمائی‌است صاف و پاك که در آن حتی‌خشن‌ترین برخوردها حالتی مشمئزکننده ندارد .

دوربین «هاکز» برای لمس دقیق سادگی و واقعیت های‌موجود درزندگی جاری درفیلم ، هیچوقت از یك نقطه نظر غیرعادی به ماجرا و یا آدمها نگاه نمیکند ــ زوایای انتخابی‌عادی ترین وضعیتی است که یك نفر شاهد میتواند داشته باشد و آدمهای (قهرمانان) او در معرفی خود محیل نیستند و با همه قهرمانی های حماسه‌آمیز خود بازدارای ضعف‌ها و ترسهای رایج انسانی میباشند و این آدمها حتی در فضای وسترن که غلو و اغراق در آن مجاز است اگر در وضعیتی هولناك قرار گیرند ترس خود را از مقابله با خطر پنهان نمیسازند ــ همانطوریکه ترس و دلهره «چنسی» (جان‌وین) را در «ریوبراوو» بهنگامی که درزندان شهر انتظار می‌کشد می‌بینیم ــ و بدین ترتیب میتوان گفت «هاکز» به لمس نوعی واقعیت و خلق حیات دست می‌یابد که این واقعیت و زندگی دارای ابعادی قابل قبول هستند و آدمهائی که می‌آفریند خون دارند که در فضائی روان و زنده زندگی می‌کنند ــ کمتر فیلمسازی به چنین توفیقی درسینما دست یافته است و این اوج‌اعتلای سینماست ــ سینمائی که نمیخواهد فقط با عملیات تکنیکی تماشاچی‌را مرعوب و مجذوب نماید .

نزدیك به نیم قرن است که «هوارد هاکز» در سینماست یعنی از سال ۱۹۲۵ ــ دوران صامت ــ و او یکی از کهنسال‌ترین فیلمسازان سینمای امریکاست و نخستین فیلم بزرگی که او را شناساند «صورت زخمی» (۱۹۳۳) نام دارد که در زمان درخشش سینمای کانگستری ارائه شده است و یکی از شاهکار های سینمای تلخ جنائی است که با اشاره های آشکار نسبت به زندگی «آل‌کاپون» نماهای صریح و آشکاری از دوران نابسامان‌سالهای ۳۰ را که منع خرید و فروش مشروبات الکلی و بی‌ثباتی های اقتصادی در جامعه‌امریکا ببارآورده بود ، عریان میساخت وبی‌توجهی های دولت را نسبت باعمال‌خشونت بار کانگسترها‌که برای‌خودحکومتی ایجاد نموده بودند مورد پرسش‌قرار میداد .

این فیلم ، «هاکز» را به عنوان یك فیلمساز صاحب تکنیك شناساند و پس از آن «هاکز» را در جریان‌سینمای روز امریکا می‌بینیم‌که از سینمای جنائی (صورت زخمی) به کمدی (اکسیر جوانی) و جنگی (گروهبان یورك) و تاریخی (سرزمین فراعنه) وپلیسی (خواب بزرك) و بالاخره وسترن (رود سرخ) رفت وآمد دارد .

در طی این سفر های دور و دراز به فیلم «خواب بزرك» او (۱۹٤٦) برمیخوریم که استاندارد های سینمای پلیسی‌را که قهرمانش یك کارآگاه خصوصی باشد تثبیت می‌نماید بطوریکه خصوصیات‌روانی و ظاهری «همفری بوگارت» که به نقش «مارلو» کارآگاه خصوصی ظاهر شده بود تا مدتها مورد تقلید

پافشاری و اصرار تا بآن حداست که بالاخره تمام مقاومت «ملك ـ مطیعی» را درهم می‌ریزد وفیلم «بخاطر دخترم» تدارك دیده میشود و چون وقت آزاد «ناصر» محدود است لذا سینماگران ترك با عجله قسمتهای مربوط به او را در کمترین فرصت فیلمبرداری می‌نمایند و این همه علاقه برای تصاحب او بدون شك مربوط به موفقیت فیلم «جیب‌بر خوشگله» میشود و سینمای ترك به ضرورت احتیاجی که باین چهره پولساز دارد ـ پی می‌برد ـ روی این نظر بود که نمیتوانست بهیچ‌وجه از فرصتی که پیش آمده بود دست بردارد و بالاخره فیلم «بخاطر دخترم»باشرکت«ناصر ملك‌مطیعی» ساخته میشود و حال ما این‌فیلم را که او بهنگام استراحت خود بازی کرده است در پیش‌رو داریم.

«ملك‌مطیعی» در این فیلم کاراکترهای متفاوتی را می‌باید مجسم نماید و این برای بازیگری که در طول زمان فعالیتش عهده‌دار صدها نقش متفاوت بوده است کار چندان مشکلی نیست و او خیلی آسان تمام آنها را برگزار می‌نماید.

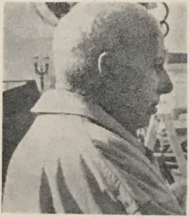
● در مرور کار های او باید از فیلم «غفلت» یاد نمود نخستین فیلمی که او را شناساند. «ناصر ملك مطیعی» با این فیلم درخشید و محبوب شد.

از «غفلت» که نقش جوانی پاکباخته و قربانی اجتماع‌را داشت تا نقش نیمه جدی فیلم «بخاطر دخترم» ما او را حتی در مقام یك کمدین هم می‌بینیم و این یکی از استثنائات بزرك این آکتور است.

در فیلم «دوقلوها» و «آس‌و پاس» رلهای کمیك را با همه دشواری هایش با موفقیت اجرا می‌نماید ـ اما بیشترین توفیق‌ارائه تیپ یك جاهل در فیلم «کلاه مخملی» بود و با اجرای این نقش تلقی انحصاری بودن این تیپ را برباد میدهد و راه را برای‌دیگران باز می‌کند و پس از آن درفیلمهای «مردها و جاده‌ها» و «ابرام در پاریس» دوروی سکه این نقش را نشان میدهد در فیلم اول او رلی جدی دارد و در فیلم دوم آنرا بنحوی کمیك بازی می‌کند و این آغاز راهی است پرتلاطم که پایان آنرا در فیلمهای زیر بازارچه او می‌بینیم چون قیصر ـ رقاصه و سه‌قاپ و در اینجاست که او باوج درخشش کار خود میرسد.

دعوت های بی امان برای اجرای این چنین نقش هائی‌نمودار اصالت با ارزش کار اوست ـ در حالیکه‌ارزش رل‌های‌کوتاه وتیپیك او را هم نباید فراموش کرد مثلا در فیلم «لذت گناه» او را درنقش یك آسیابان سالخورده می‌بینیم که بعلت اعتیاد به الکل آدمی است عصبی و خشن و یا در فیلم «هاشم خان» به نقش یك یاغی بی‌رحم ظاهر میشود و کاراکتری منفی را با تمام خصوصیات خاص آن مجسم میسازد و یا در فیلم «سوداگران مرك» نقش یك کارآگاه را ایفا می‌نماید و بدین ترتیب او یکبار دیگر عملا این گفته‌راکه رل کوچك وجود ندارد، هنرپیشه کوچك وجود دارد ـ باثبات میرساند.

چهره‌های روز



هوارد هاکز...
وسادگی باشکوه سینمای او

برای بهتر شناختن «هاکز» باید به سینمای وسترن اومراجعه نمود. سینمای «هوارد هاکز» در میان دشتها و در میان آدمهائی که چون طبیعت سرکش و مغرورند با ریه‌های بازتری تنفس می‌کند و می‌جوشد درست برعکس زمانی که در میان شهرها و زندگی‌مدرن خموده و دلگیر می‌نماید و در اینجاست که سینمای او آن کشش مرموزی را که در خودپنهان دارد آشکار میسازد وتماشاگر رامجذوب می‌کند.

فیلم «رودسرخ» (۱۹۴۷)او نخستین اثر کامل اوست که‌واجد چنین خصوصیاتی است و میتوان آنرانماینده حماسی آدمهائی دانست که در مقابل شرایط نامساعد محیط برمی‌خیزند و با همه درگیریهای عاطفی بین خود در این مبارزه دائمی پیروز میشوند.

بقیه درصفحه ۴۵

دیگران قرار می‌گیرد و الگوئی میشود برای معرفی این تیپ افراد در سینما ـ «هاکز» اگرچه در سینمای جدی خود شوخ و بذله‌گو است و یا گاهی ریشخند میکند و رگه های طنزآلود در صحنه های خیلی جدی و حساس می‌ریزد ولی تاکنون در سینمای صرفا کمیك توفیق شایانی نداشته است. وبیشتر اسیرتیپ‌کمدین‌ها بوده است (تولد یك آهنك و آقایان موطلائی‌ها را ترجیح میدهند) و اوج کارش در سینمای کمیك شاید فیلم «اکسیر جوانی» بوده است(۱۹۵۲) که در آن غایت آرزوی انسانی‌را که دست یافتن به جوانی لایزال باشد مورد هجو قرار میدهد و برخورد مطبوعی بین این آرزو و شرایط زندگی مادی موجودایجاد می‌نماید و مقایسه‌ای بین آدمها و حیواناتکه سمبل آنها یك شمپانزه است بعمل می‌آورد.

نوشته : عبدالله صفائی

تحولات سینمای تجاری ایران و جهان

* سینما در جهان چگونه بوجود آمد؟
* اولین وسیله‌هائی که در جهت ایجاد سینما، ساخته شد ...
* اولین فیلم‌های سینما ...

«بخش اول»

تحولات سینمای تجاری جهان

فصل اول ـ پیدایش سینما (بعنوان مقدمه)

۱ ـ هدف ـ از نوشتن این سلسله مطالب بررسی تاریخ سینما نیست بلکه آن قسمت از سینما که جنبه‌های مادی و اقتصادی دارد میباشد مسلما بررسی جنبه‌های اقتصادی هرصنعت یا هنر احتیاج بشواهدی است که جنبه تاریخی داشته باشد. برای تحقیق در این زمینه از جهت منابع با اشکالات فراوانی مواجه شده‌ام که برای رفع آن منابع خود را به صورت زیردسته‌بندی نمودم که فهرست کامل آن در پایان ذکر شده است:

الف ـ کتب سینمائی. ب ـ مصاحبه با صاحب‌نظران سینمای ایران. ج ـ اطلاعات شخصی که زمینه آن جزوات درسی بوده و مطالبی که طی چهار سال تحصیلی دردانشکده فراگرفته‌ام.

۲ ـ پیدایش ـ لغط سینما توگرافی از دو کلمه یونانی (حرکت ـ Kinema Atos) و (نگارش Graphein) گرفته شده است وباید دانست که بشر از ابتدا خواهان این بوده که حرکت را ضبط نماید و بدین‌لحاظ هردوره‌ای متناسب با توسعه فکری وتکامل ابزار تولید خود بطریقی حرکت را ضبط کرده است مثلا هنگام غارنشینی تصاویر راباهشت دست ویا میکشیده و بدین ترتیب میخواسته موجودات زنده را در حال حرکت ثبت نماید. یادرنقاشی های مصری که قدری پیشرفته‌تر میباشند وپایه تصاویر متحرک‌است. برای بیان مقاصد و مطالب خود اعم ازمذهبی و غیر مذهبی‌بصورت کامل ودر حالات مختلف وضعیت یك شیئی یا موجود زنده‌را نقاشی میکرده‌اند. یا جام جهان نمای افسانه‌ای ما مبین همین نیازانسان بثبت و ارائه دنیای متحرك‌خارج بوده است بتدریج دانشمندان‌درصدد تکامل و پیشرفت حرکت بصورت سینما درآمدند و هر کدام در نقطه‌ای از جهان قسمتی از دستگاه نمایش حرکت را تکمیل کرده‌اند که در اینجا ما ببعضی ازآنها اشاره می‌کنیم.

۱ ـ مصریان برای نشان دادن مراسم مذهبی «اوزیریس‌ وایزیس Osiris- Iris» مطالب را روی پارچه‌های‌مخصوص یا پاپی روس که نوعی کاغذبوده وصلما نور ازآن عبور میکرده نقاشی می‌نمودند و در جلو نور قرار میدادند و تصاویر مشخص میشده است. این موضوع بعدها اساس و فکر ایجاد «فانوس‌خیال» رابوجود آورده است.

۲ ـ در قرون وسطی «راجرز بیکن Roger Bacon» فانوس سحر یا فانوس جادو را درست کرد که اساس‌اش مبنی بربزرك و کوچك شدن تصویر در مقابل ذره‌بین بوده که اسلاید امروزی نوع تکامل یافته آن میباشد.

۳ ـ دانشمندان و محققین علوم فیزیکی و غیره تحقیقات و اکتشافاتی در قسمت تصویروسایل مربوط بآن کرده‌اند از جمله «لئونارد داونچی Leonardo Davinci» موفق بکشف اطاق تاریك یا «کامرا ابسکورا Camera obscura» گشت.

۴ ـ آتاناسیوس کرشر Athnasiuskircher و میلیه دوشاری فرانسوی دستگاه فانوس جادو را تکمیل کردند که دستگاه اختراعی آنان هنوز در موزه‌ها ضبط است.

۵ ـ درقرن هیجدهم شخصی بنام روبرت‌سون Robert Soon اهل فرانسه دستگاهی بنام فانتا سکوپ FantaScope میسازد که همان فانوس خیال است وروی چهارپایه‌ای در مقابل ذره‌بین و انعکاس نور جلو و عقب میرفته وتصویر بزرك وکوچك میشده‌است ودر زیرزمینها بنمایش تصاویری که مبنای مذهبی داشته می‌پرداخته است.

۶ ـ افرادی چون دکتر جان پاریس Dr. Jhon Pariss انگلیسی یا ژزف پلاتوی بلژیکی از جهت تاثیر نور در چشم انسان یا خطای باصره درمقابل اشیاء و یا باقی ماندن تاثیر نور در شبکیه چشم بقدری کوشش و تحقیق نمود تاقوه بینائی خود را از دست داد ودنباله کار او باین نتیجه رسید که «چشم آدمی در هرثانیه ۲۴ تصویر راپیوسته حس‌می‌نماید»

پلاتو موفق بساختن‌دستگاهی بنام «فناکیس‌تیس‌کوپ Phena- Kistiscope» شد و هورنت Hornet انگلیسی‌درسالهای ۳۰ قرن نوزده همزمان با پلاتو دستگاه خود را بنام زوئتروپ Zoetrope در انگلستان تکمیل نمود. کاملتر از همه دستگاه پراکسینوسکوپ Pranin- Oscope ساخته امیل‌رنود Emil Reynoud فرانسوی است که تصاویری از داستانهای کوتاه و فکاهی که احتیاج به‌بیان نداشته، روی شیشه نقاشی میکرده است و با حرکت دادن آن که بصورت دایره روی پایه‌ای می‌ـ چرخیده و با گذراندن نور ازذره‌بین هرتصویر روی پرده‌سفیدی میافتاده و چون دستگاه دارای دسته‌ای بوده‌که با حرکت‌یکنواخت ومتناسب خود قادر بوده با استفاده از تاثیر نور، تصویر در چشم بیننده بصورت یکنواخت ومتحرك احساس شود.

بطور کلی تلاش تمام‌افرادی که در این راه انجام میشد باین نتیجه رسید که برادران لومیر Lumiere در روز شنبه ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ در بلوار کپوسین فرانسه اولین فیلم سینمائی خود را بنمایش درآوردند و ازاین‌تاریخ سینما رسما کار خود را شروع کرد و دستگاه سینما توگراف برادران لومیر به ثبت رسید از این تاریخ بین تمام کشورهائی که بنحوی از انحاء در ایجاد تصاویر متحرك کوشش‌هائی نموده بودند رقابت شدیدی جهت پیشی گرفتن وتکمیل دستگاههای خود بعمل میآمد.

اقتصاد سینما

فصل دوم ــ تقسیمات سینما

صنعت سینما از زمان لومیر تاکنون ، بخصوص در کشورهای پیشرفته‌ای چون آمریکا مانند هرپدیده جدید علمی یا عملی دورانهای تکامل خود را طی کرده است . ازجهت اقتصادی این‌دورنها عبارتند از :

۱ ــ دوران آزمایشگاهی ۲ــ دوران کارگاهی ۳ــ دوران پیشرفته و سلسله‌ای «فابریك Fabric »

۱ ــ دوران آزمایشگاهی : تاقبل از ژر Georges Meliyes شعبده‌باز حرفه‌ای فرانسوی تمام اقدامات انجام‌شده جنبه‌آزمایشگاهی داشته و حتی آنتوان لومیر پدر لومیرها معتقد بوده دستگاهی که فرزندانش ساخته‌اند صرفا جنبه تحقیقی و علمی دارد و می‌بایست بخاطر تجسس‌های علمی بکار رود که بعدها می‌بینیم این قسمت در سینما خود راهی عظیم پیموده است .

کشفیات ژزف پلاتو دانشمند اتریشی ، آزمایشات دکتر ژول‌ــ اتین‌ماره Dr. J. E. Marey پزشك فرانسوی که تحقیقاتش‌بنام تفنك‌ماره ضبط میباشد و کارسایر دانشمندان که‌هیچکدام قصدانتفاعی وبهره‌برداری بشکل امروزی را نداشته‌اند تمامی جنبه های آزمایشگاهی این صنعت و هنر بزرك را پی‌ریزی نموده است

۲ ــ دوران کارگاهی:هنگام نمایش اولین فیلم برادران لومیر ژرژملیس شعبده‌باز فرانسوی درسالن نمایش بود و بادیدن‌فیلمهای لومیر معتقد شد راه‌تازه‌ای برای شعبده‌بازی کشف شده است‌وخوب میتواند هدف‌های خود را بکمك دستگاه آنها تکمیل نماید ملیس موفق نشد دستگاه را از لومیرها خریداری نماید ولی دستگاه مورد نظر خود را از انگلستان‌خریداری کرد و کار تاتری خود رابصورت نمایش فیلم درآورد و این شخص است که با تهیه فیلمهائی بنام :

۱ ــ قضیه دریفوس (۱۸۹۹ میلادی)
۲ ــ سندرلا (۱۹۰۰ میلادی)
۳ ــ سیندرلا (۱۹۰۰ میلادی)
٤ ــ دخترك کلاه قرمزی (۱۹۰۱ میلادی)
٥ ــ آتش‌سوزی مون‌پلد (۱۹۰۲ میلادی)

و آخرین فیلمش بنام‌مسافرت بکره ماه (۱۹۱۲) توانست سینما را از حالت آزمایشگاهی بصورت کارگاهی درآورد .

ملیس طی سیزده سال که مشغول ساختن فیلم بود خدمت بزرگش به سینما انجام اکثر تمهیدات سینمائی (تروگاژ ــ Trogaje) موجود میباشد همزمان با کارهای ملیس‌درفرانسه. در کشورهای انگلستان و آمریکا وسایر کشورهای اروپائی عکاسی وفیلمبرداری کاملا شناخته شده و بازارهای نمایش فیلم رونق گرفته بود و دکه‌هائی برای نمایش فیلم بوجود آمده بود .

۳ ــ سینمای پیشرفته:سینمای پیشرفته را میتوان بدو دوره‌صامت وناطق تقسیم نمود .

الف : دوره صامت‌ــ‌فیلمهای پرحیله فرانسوی بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷ و فیلمهای هنری این کشور بین سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ و فیلمهای مجلل ایتالیائی بین سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱٤ و فیلمهای سوئدی بین‌سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۳ هرکدام دارای جنبه‌های کارگاهی بوده‌اند . چون کشور سوئد درجنك بین‌الملل اول‌شرکت نداشته سینمای آن رونقی داشته و تکنیك وهنر را توام نموده‌وسینما رادرمسیر هنری خود قرار میدهد ومیتواند پایه‌های سینمای تجاری را پی‌ریزی نماید. عصر طلائی سینمای آلمان و ظهور سینمای نو در روسیه دو مکتب درخشان سینما بعد ازجنك اول بین سالهای۱۹۲۰ تا۱۹۳۰ میباشند که در پیشرفت سینمای تجاری و اقتصادی نقش اساسی داشته‌اند .

سینمای انگلستان و ایتالیا بعد از جنك جهانی اول رونقی ندارند و سیرقهقهرائی طی‌میکنند بخصوص سینمای ایتالیاتا پیدایش سبك نئورئالیزم تحت نفوذ دولت فاشیستی موسولینی جز چند فیلم تبلیغاتی دولتی اثری از خود ندارد .

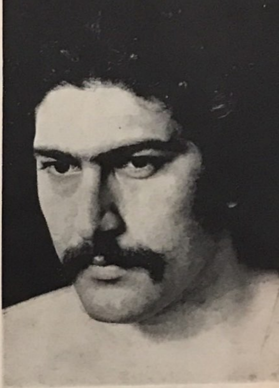
در آمریکا مرکز سینمائی جهان بنام «هالیوود» رونق می‌ــ گیرد و تلاش فراوانی میشود که زمینه نمایش فیلم آمریکائی بیشتر گردد وباین منظور سالن های نمایش فیلم مجلل و تمیز هم می‌ــ ساختند ولی هنوز نمایش فیلم اروپائی رونق فراوان داشت و درآمد زیاد کسب میکرد . برای جلب مشتری و کسب درآمد بیشتر سینماگران جبهه واحدی داشتند و آن بهتر نمودن سینما و بیشتر در آوردن پول و برای این منظور اقدامات زیادی جهت بهبودصنایع فیلم انجام میشد و مردم هم‌بالطبع علاقمند به فیلم و سینما میگشتندو همجا صحبت از فیلم و سینمابود وقیمت بلیط هم نسبت بآن زمان تقریبا گران بود مثلا در آمریکا بین ٥تا ۱۰ سنت آمریکائی بوده است .

باین ترتیب‌پایه‌های اقتصادی این صنعت جدید میرفت تا استوار گردد که دچار بحرانهای مالی بعد از جنك شد و رکوداقتصادی آن گرچه زمینه‌های تحول و دگرگونی آن را ایجاد نمود و پیشرفت تکنیکی آنرا پایه گذاری کرد ولی از جهت درآمد بطور کرد ولی از جهت درآمد بطرف ورشکستگی کشانده شد .

ب ــ دوران ناطق:تحولات بعد از جنك در سینمای پیشرفته خیلی چشمگیر و فراوان میباشد. یکی ازاین تحولات ورود صدا درسینما و ضبط آن در کنار تصویر است . بااین اقدام راهی نو جهت حفظ سینما در مقابل بحران مالی ۱۹۲۵ دنیا بوجود آمده بود .

پیدایش فیلمهای رنگی و پرده طویل که هریك در مقابل بحرانهای خاصی بوجود آمده‌اند (علل پیدایش آنها در فصل‌چهارم بررسی میگردد) نمونه کامل پیشرفت این پدیده نو میباشد . بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که سینما ضمن تحولات فراوان‌خود بسوی تکامل و پیشرفت گامهای بزرگی برداشته است و اکنون در اوج ترقی خود میباشد ولی ازنظر این نوشته سینمای تجاری بسوی ورشکستگی میباشد که دلایل آنرا در فصل چهارم که قسمت اصلی‌آن روی همین زمینه دور میزندبیان خواهدشد .

ادامه دارد



مختار در نقش همایون بهزادی بازی می کند؟

● شما را با قیافه و فرم تازه‌ای می‌بینیم . آرایش موهایتان را بکلی تغییر داده‌اید و همچنین لباسها خیلی اسپرت و راحت شده است . این از دنبال کردن مد است یا دلیل دیگری دارد ؟

مختار ــ در یکی از مجلات خواندم که مرا پیرو صدیق وپروپا قرص مد قلمداد کرده بودند . اگر اینطور باشد خیلی خوب است چرا که پیروی از مد تنوع و سرزندگی آدمی را باعث میشود . ولـــی حقیقت اینست که من زیاد پای‌بند این مسایل نیستم و از این گذشته باید اقرار کنم تا حدودی نیز در مورد آرایش و پوشش بی‌قید و بی‌بند وبار هستم . کوتاه کـــردن موی سر و تغییر فرم ظاهری‌اخیرم هم بخلاف آنچه شایع شده و در روزنامه‌ها نوشته‌اند بخاطر مدرایج «قیصری» که میگویند ، نیست ، برای بازی در صحنه های مختلفی از فیلم تازه‌ام موسوم به «بدکاران» ناچار بودم که آنهمه موی بلند و «هیپی‌وار» را به تیغ تیز سلمانی بسپارم .

● عکس‌العمل فیلمسازان و کارگردانان در مورد این تغییرات تازه چه بوده است ، زیرا تاجائی که اطلاع داریم دگرگونی فاحشی تا بدین حد که در شما روی داده همیشه در خصوص یك آکـــتور روز با مقداری «خطر» ، همـــراه است ، آیا شما از این بابت ترس و دلهره‌ای نداشتید ؟

مختار ــ بنظر من این مورد چندان مهمی نیست که آدمی‌بخاطر آن ترس ازآینده را بخود راه‌دهد. البته چیزی که شما می‌گوئید کاملا صحیح است و باید اقرار کنم که منهم تا حدودی ناراحت بودم ، مخصوصا بخاطر اینکه با آن فرم وقیافه شناخته شده‌بودم ونمیدانستم تغییرات تازه چه وضعی برای من پیش خواهد آورد . ولی بخاطر فیلم و موقعیتی که ایجاب میکرد ناچار به اجرای خواسته کارگردانم بودم . و خوشبختانه نتیجه ایـــن تغییر گویا بنفع من تمام شـــد . لابد می‌دانید که همین کوتاه‌کردن موی سر من باعث حرفها و خبر های تازه شد ، حتی در این زمینه رپرتاژی هم تهیه کردند که در روزنامه کیهان به چاپ رسید . از طرف دیـــگر بسیاری از دوستان فیلمساز و کارگردان اینروزها بمن میگویند که بهتر است در تیپ‌تازه خودم باقـــی بمانم . بهرحـــــال «بدکاران» نخستین فیلمی است که مرا با چهره تازه‌ام نشان خواهد داد . ولی از همه اینها مهمتر برای من خودکار است . دلبستگی وعلاقه من به پرسوناژ هائی که باید در فیلمهایم نقشهایشان را بازی کنم تا بحدی است که من بخاطر هرچه بهتر شدن آنها آماده انجام‌هرگونه کاری هستم .

● «بدکاران» چگونه‌فیلمی است ؟ میل دارم قدری درباره این محصول جدید «آریانا فیلم»صحبت کنید .

مختار ــ «بدکاران» نخستین فیلمی است که بدنبال یکسال وقفه در آریانا فیلم بوسیله عباس شاویز تهیه میشود . فکر می‌کنم این‌برای هنرپیشه جوانی مثل‌من باعث‌افتخار است که فعالیت مجدد شاویز در سینما ــ که بعنوان یك فیلمساز پیشرو و ترقی شناخته شده ــ با همکاری با من آغـــاز میشـــود . کارگردان این فیلم ، فیلمبردار برسابقه وبانام «قدرت‌الله احسانی» است که پیش ازاین بخاطرهمکاری دیگرش با «شـاویـــز» در فیلـــم «روسپی» برنده جایزه سپاس شده است . تمام صحنه های این فیلـــم که اغلب در شمال ، جنوب وتهران میگذرد ، فیلمبرداری شده و در این هفته یکی دو سکانس باقیمانده نیز برداشته خواهد شد . فکر می‌ـــکنم اواخر شهریور و یا اوایـــل مهرماه موفق به دیدن این فیلم در سینماهای‌تهران وشهرستانهاخواهیم شد .

● اینروز ها شایعه شـــرکت شمـــا در فیلم «سرطلائی» شنیـــده میشود که براساس‌زندگی «همایون بهزادی» فوتبالیست سرشناس‌ایرانی نوشته شده است ، برسر زبانهاست. توضیحاتی در اینمورد ندارید ؟

مختارــ چون هنوز گفت‌وگو های این فیلم به نتیجه قطعی‌نرسیده و فیلمبرداری از صحنه های آن آغاز نشده است طبیعتا توضیـــح زیادی درباره آن نمی‌توانم بدهم . بطور مختصر میگویم که سناریوی این فیلم را «حسن رفیعی» کـــه پیش از این سناریوی «غریبه» را برای آقای‌شیبانی «تینافیلم» نوشته که با شرکت بهروز وثوقی ساخته شده است ، تنظیم نموده و قـــرار است «کنی» امور فیلمبرداری‌آنرا عهده‌دار گردد .

بقیه در صفحه ٤٥

● مختار با تیپ تازه‌اش در صحنه‌ئی از فیلم «بدکاران»



هفت زن ریچارد برتن!

راکوئل‌ولش ـ ماریلوتولو ـ ناتالی‌دلون ـ اگوستینابلی ـ جوی‌هترتون ـ کارین شوبرت و ویرنالیزی خطرناک برای «الیزابت تایلور»!

● «ریچارد برتن» به نقش بارون «وون اسیر» در فیلم «باربابلو» در حالیکه راکوئل‌ولش را در آغوش گرفته است. ولش به نقش «ماگدالنا» جزو یکی از هفت همسر باربابلوظاهر میشود. فیلم‌را «ادوارد دمیتریك» کارگردانی می‌کند. بارون «وون‌اسیر» یك نازیست که همسران خود را یکی بعدازدیگری میکشد در میان هفت زن انتخابش، فقط یکی زنده باقی میماند ....



● «کارولین» جوان است و زیبا. بارون «وون‌اسیر» بخاطر زیبائی کارولین عاشق او میشود و حاضر میشود همه زندگیش را در اختیار او قرار دهد. ولی او نیز جزو قربانی های بارون «وون‌اسیر» محسوب میشود.

«اگوستینابلی» به نقش کارولین دومین زنی است که با «برتن» در فیلم «باربابلو» همبازی است.





● این تصویری است از آخرین همسر بارون، سینیورا «وون‌اسیر» که نقش آنرا «جوی‌هیترتون» ایفا می‌کند. باربابلو ـ برتن باو اعتراف می‌کند که دوستش دارد ولی اورا نمی‌کشد. «جوی» کار هنریش را بعنوان بالرین شروع کرد، وی بیست و هفت سال دارد و از هنرپیشگان مشهور تلویزیون‌امریکا است.



● باربابلو باتفاق‌اولین همسرش «گرتا» که او را میکشد ـ «کارین شوبرت» به‌نقش «گرتا» ظاهر میشود. وی هم‌اکنون مشغول بازی در فیلمی با شرکت «ایوموتتان» میباشد. وقتی «گرتا» بدام باربابلو می‌افتد و مرگ را در مقابل خود می‌بیند فرار میکند ولی بارون بضرب گلوله او را نیز از پای در می‌آورد.

● «ویرنالیزی» در صحنه‌ای از فیلم باتفاق ریچارد برتن ـ «لیزی» ایفا کننده‌نقش ششمین همسر برتن را در این فیلم دارد. نقش وی در این فیلم نقشی کمدی ـ تراژدی است وی بالاخره نیز بدست بارون کشته میشود.



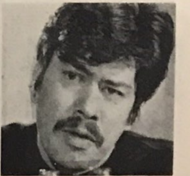
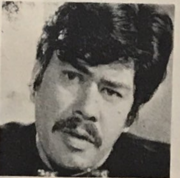
● ایفای نقش «بریژیت» در این فیلم بعهده «ماریلوتولو» میباشد ـ ماریلوتولو یکی از برجسته‌ترین هنرپیشگان تلویزیون ایتالیا محسوب میشود و کار سینمائیش را نیز بعد از تلویزیون شروع کرده است. این یکی ازصحنه های جالب فیلم «باربابلو» میباشد.



● زیبائی، لطافت واقعی که در یك زن میتوان یافت در وجود «اریکا» جمع شده است. نقشی که «ناتالی دلون» آنرا بعهده دارد. وقتی که سردی همسرش را احساس می‌کند تصمیم میگیرد باو عشقبازی بیاموزد. معهذا بارون «وون‌اسیر» بی‌سلیقه این زیبای‌خواستنی را با چراغ رومیزی بقتل میرساند!



منوچهر صادقپور:
فیلمسازی برای مردم...


— چرا پس از تهیه یك سری آثار تجارتی مطلق ، یکباره در برنامه کار خود دگرگونی داده و به تهیه فیلم های غیرمتعارف روی گردید ؟

● من فیلم را برای مردم میسازم و همیشه خواست مردم برایم مهم بوده اگر تا چند سال قبل یکسری فیلمهای سرگرم کننده ساخته‌ام دلیلش این بوده که سینمای ایران تا چند سال پیش یك سینمای جدی نبود و یا بعبارت دیگر تماشاچی به سرگرم بودن و دو ساعت تفریح کردن بیشتر اهمیت میداد تا به فکر کردن ، بهمین دلیل فیلمهای نسبتا جدی‌تری که گاه‌گاه ساخته شدند کمترین توفیقی بدست نیاوردند اما از چند سال قبل وضع کمی تغییر کرد دسته‌های متفکرتر و روشنفکران طرف سینمای ایران گرایش پیدا کردند و طبیعی‌است برای این دسته از مردم هم باید فیلم خاص خودشان ساخته میشد منهم تهیه این قبیل فیلمها را در برنامه کار خودم قرار دادم و تهیه اولین فیلم من در این فرم با چنان استقبال و سر وصدائی روبرو شد که بعد از دو سال که از نمایش آن میگذرد هنوز هم همه جا صحبت از فیلم درشگه‌چی است

— در برنامه کارتان بیشتر متوجه جوانها هستید ، علت این کار چیست ؟ چرا خودتان فیلم نمی‌سازید ؟

● اگر جوان بودن را در معنای واقعی‌اش در نظر بگیرید، منحصرا اینطور نبوده که من از آدمهای کم سن و سال استفاده کرده باشم. نصرت کریمی که درشگه‌چی را برای من ساخت آدم کم تجربه و جوانی نبوده اما اگر منظور از جوان بودن اندیشه تازه و ذوق داشتن باشد بله من دنبال جوانها هستم یا بعبارت دیگر دنبال ذوقهای جوان هستم. واین ذوقهای خواه در جهت چهره هائی مثل نصرت کریمی میان سال باشد، خواه مثل هوشنگ حسامی که فیلم قیامت عشق را برایم میسازد کاملا جوان، و از من سئوال کردید چرا شخصا شما را میدهم چون از فیلمهائی که خودم فیلم نمیسازم خیلی ساده جواب تاکنون خودم بازی و کارگردانی آنرا انجام داده‌ام، توانستم پولی بدست بیآورم که میتوانم فیلمهائی نظیر درشگه‌چی و قیامت عشق را باآن تهیه کنم برای من صرف نمیکند تغییر فرم در فیلم‌سازی وفکر خودم بدهم چون در دنیای پولی امروز تا انسان پول نداشته باشد نمیتواند خواسته های خود را برآورده کند، تابعد ببینیم‌چه‌میشود...

— با توجه به این نکته که فیلم «درشگه‌چی» شما از کاندیدا- های اصلی دریافت جوایز سپاس بود ، پس از عدم توفیق کامل این فیلم در جشنواره چهارم ، حالا چه نظری به این‌جشنواره دارید، واصولا جشنواره سپاس را ، اقدام موثری می‌دانید و یا وجودش بنظر شما برای سینمای‌ایران بی‌تفاوت است؟

● طبیعی است جشنواره سپاس را عامل حرکت دهنده‌ای در سینمای ایران میدانم و کم لطفی و حق شکنی که در مورد فیلم درشگه‌چی شده اعتقاد مرا به ارزشهای جشنواره کم نمیکند فقطمی- توانم بگویم اعضای ژوری کج سلیقگی کردند و مهم‌ترین چیز همیشه در کار فیلم سازی برای من مردم بوده‌اند که خوشبختانه فیلم درشگه‌چی در رفراندوم مجله خودتان بعنوان بهترین فیلم سال ازطرف مردمی که من دوستشان دارم شناخته شد و همچنین برای من کافی بود که اگر هریك از اعضاء محترم هیئت ژوری راجع به بهترین فیلم سال با هر طبقه از مردم چه روشنفکر و چه غیر روشنفکر و یا از نسل جدید و از نسل قدیم سئوال بکنند مطمئن هستم که جواب خواهند شنید بهترین فیلم سال ۱۳۵۱ فیلم درشگه‌چی میباشد

— یك سئوال کلی ، تلقی شما از فیلمسازی چیست و چگونه فیلمی را در یك سینمای کامل مینامید ؟

● فیلمی که میتواندد و ساعت تماشاچی را روی‌صندلی‌نگهدارد و عاقبتش را به دهن دره نکشاند فیلمی که هرپیام و حرفی دارد در همان‌مدت دوساعت به‌تماشاچی تفهیم‌کند فیلمی‌که موفق باشد، طبیعی است که در چنین فیلمی باید از نظر تکنیك بازی و بافت سینمائی نیز بدون نقص باشد بنظر من اگر یك فیلم کمدی ساخته شود ومردم نخندند و یا یك فیلم فلسفی ساخته شود و تماشاچی فلسفه‌اش‌را درك نکند آنها فیلم های بدی هستند حالا هر چقدر هم سازنده فیلم فریاد بکند مقاله بنویسد مصاحبه کند که آی‌مردم فلان جای‌فیلم من‌خنده‌دار

*** سینمای ایران ، تا چند سال پیش ، یك سینمای جدی نبود ...**

*** کم‌لطفی که درمورد فیلم «درشگه‌چی» شد ، اعتقاد مرا به ارزشهای جشنواره سپاس کم نمی‌کند .**

*** هیچکس در هیچ کجای دنیا نمی‌تواند خودش را در کار سینما تثبیت شده بداند .**

*** فیلم خوب ساختن احتیاج به رنـك و روغن ندارد !**







بود میخندیدید ، یا فلان پیام فیلم مرا باید میفهمیدید اینها حرف زیادی است فیلـم هرچه دارد در همان دو ساعت از روی پرده بایـد به تماشاچی خودش منتقل سازد :

ـ تقریبا مـدت زیادی است که خود فیلمی را کارگردانـی نکرده‌اید ، چرا ؟

● چون بعنوان یك تهیه کننده و پخش کننده هم وظایفـی بعهده دارم طبیعی است که وقتم در سال به ساختن بیش از یکی دو فیلم نمیرسد که این یك یا دو فیلم را همه ساله ساخته‌ام

ـ در کار تهیه فیلم در ایران ، آشکارا نقائصی وجود دارد ،این نقائص بنظر شما از کجا سرچشمه میگیرد ؟

● جواب این سئوال را به فرصت دیگری محول مـی‌کنم چون در این باره حرف زیاد دارم

ـ از «رنك» خوشتان نمی‌آید ؟ چرا فیلم رنگی ،تـا بحـال نساخته‌ایـد ؟

● فیلم خوب ساختن احتیاجی به رنك و روغن ندارد مگـر اینکه داستانی باشد که ایجاب کند فیلم حتما رنگی ساخته شود و تاکنون چنین داستانی را برای فیلم کردن انتخاب نکرده‌ام

ـ باعتقاد شما ، علل عدم توفیق فیلم های ایرانی در ماه هـای اخیر چیست ؟

● بطور کلی چون سه گروه نمایش دهنده فیلم فارسی‌درتهران وجود دارد و سه فیلم با هم روی پرده میآید طبیعی است که همیشه دو فیلم فدای یك فیلم دیگر شود و چون قدرت خرید و فرصت مردم آنقدرها نیست که تمام فیلمها را بتوانند ببینند در شهرستانها هم‌توسعه شبکه تلویزیونی لطمه زیادی به فروش فیلمها زده و از این مسئلـه گذشته فیلمهای ناموفق لابد فیلمهای خوبی نبوده‌اند اما در مـورد دگرگونی وضع سینماها من معتقدم سینما سیمی است متحرك و دائما در حال تغییر طبیعی است که این تحرك و تغییر در سینمای ایـران وجود دارد .

ـ لزوم داستانی کامل ، تازه و متفاوت را در یك فیلم تا چـه حد موثر میدانید ، و اصولا آیا معتقدید که داستان فیلم در شرایط فعلی خوبست یا بایستی با تغییراتی همراه باشد ؟

● جواب سئوال قبلی شامل این سوال هم میشود وقتی قبـول کردیم سینما در حال تحرك و تغییر است لازمه‌اش اینست که داستان فیلم و سناریواش تحرك و تغییر را نیز شامل باشد.

ـ در آثاری که تهیه می‌کنید ، تا چه‌حد ، زمینه های فکری خودتان را درفیلم ودرذهن کارگردانها دخالت میدهید؟

● من فیلم را برای خودم نمی‌سازم که نمود های فکری‌ام را در آن دخالت بدهم فیلم را برای مردم میسازم وقتی مطمئن شدم‌فیلمی که ساخته می‌شود مورد توجه مردم قرار خواهد گرفت و کارگردان میتواند کارش را بکند دلیلی ندارد که در کار کارگردان دخالت بیهوده بکنم من فقط باید مراقب باشم سرمایه‌ام هدر نـرود ایـن مراقبت‌ها را قبل از شروع کار موقع انتخاب داستان وکارگردان میکنم وبعد خیلی راحت آنهارا آزاد میگذارم.

ـ تاچه‌حد وضعیت خود را در سینمای ایران تثبیت شده میدانید و علت این امر در چیست ؟

● هیچکس در هیچ کجای دنیا نمیتواند خودش را در کار سینما تثبیت شده بداند ، سینما بی رحم است در تمام دنیا و ایـران خودمان غولهای بزرك سینمائی را دیده‌ایم که ناگهان افول کرده‌اند بهمین دلیل است که من سه زمینه بازی و کارگردانی و تهیه‌کنندگی فعالیت دارم اگر روزی احساس کردم مردم از من بعنوان یك بازیگر استقبال نمیکنند و یا بعنوان یك کارگردان نمیتوانم موفق باشم‌کارم را عوض خواهم کرد در هرصورت تا اینجا که رسیده‌ام وضع نسبتا تثبیت شده بوده و بعد هم خدا بزرك است

ـ برنامه کارتان در سال جاری چیست و در چه فیلمهائی‌امسال شرکت خواهید کرد ؟

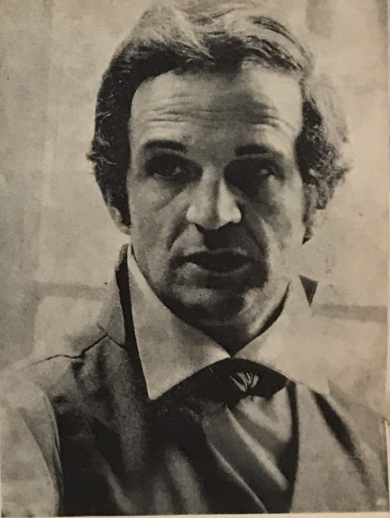
● در سال جاری فیلم قیامت عشق را هوشنك حسامی برایم میسازد که نقش اول آنرا انتظامی بازی میکند فیلمهای آقا مهدی کله‌پز و کریم درویش را هم خودم خواهم ساخت .

تروفو: گاهی یک

تروفو» بعد از بپایان رسانیدن فیلم «شب آمریکائی» فیلم دیگری جلوی دوربین خواهد برد که «پوست لطیف» نام دارد و پس از آن تا دوسال مطلقا دست به ساختن هیچ فیلمی نخواهد زد .

«تروفو» تصمیم دارد در این‌دو سال ضمن‌استراحت، تعدادی از نوشته‌ها و مقالات «آندره‌بازن» را تنظیم کرده و چاپ بزند و هم چنین‌مصمم است که گفتگوهای «بازن»و «اورسن‌ولز» را در کتابی منتشر کند ... برنامه های «فرانسوا تروفو» تقریبا درسه سال آینده همین‌هاست البته باضافه اینکه «فرانسواتروفو» بازهم ، قبل از اینکه دو سال دوری از سینما را آغاز کند، در یك فیلم ظاهر خواهدشد.

«تروفو» در فیلم «شب آمریکائی» به نقش «کار —



«فرانسوا تروفو» کارگردان و بازیگر فیلم «کودك وحشی»

● فرانسواتروفو ، باز هم در فیلم ظاهر خواهد شد..

فرانسوا تروفو برای دو سال از سینماکناره خواهدگرفت..

فرانسوا تروفو کتاب انتشار خواهد داد ...

آخرین مصاحبه‌مطبوعاتی که «فرانسوا تروفو» ترتیب داد ، آبستن خبرهای دست اولی بود ، وی که فیلم «دو انگلیسی و یك قاره» را که میگویند تمی مشابه با «ژول وژیم» دارد ، آماده نمایش

● صفحه ۳۳

کرده، هم‌اکنون مشغول‌مونتاژ فیلم «دختر خوشگل» در پاریس است که قرار است در اواسط سپتامبر نمایش داده شود و تدارك فیلم تازه‌ای را نیز با نام «شب آمریکائی» (که در زبان انگلیسی به«شب برای روز» ترجمه می‌شود) می‌بیند .

این فیلم درباره خود سینماست و داستانش مربوط میشود به فیلمبرداری یك‌فیلم از اولین قدم تا انتها و از نخستین روز تا پایان ...

و بالاخره «فرانسوا

ژان پیرکارگول «کودك وحشی» و فرانسواتروفو «دکتر اتیارد»



بازیگر...

گردان فیلم» بازی می‌کند... در صورتیکه این‌امر تحقق پذیرد، در واقع دومین باری میشود که «تروفو» را در قالب یك بازیگر در سینما می‌بینیم.

طهور مجدد «فرانسوا تروفو» در قالب یك بازیگر در یکی از آثار خود ایشان نه‌تنها غافلگیر کننده نبود، بلکه در بین خبرنگاران با استقبال روبرو شد، برخلاف بار قبل، به هنگام تهیه فیلم کودك وحشی ... اولین‌بار وقتی «فرانسوا تروفو» اعلام کرد که در فیلمش نقش‌مهمی را بعهده خواهد گرفت، با ناباوری‌وموج اعتراض‌منتقدین روزنامه‌نگاران و تماشاگران روبرو شد، چه آنها چون «تروفو»راکارگردان‌مستعدی میدانستند، این کارش را یك کجروی میدانستند و معتقد بودند چون «تروفو» قادر به این امرنخواهد بود، کاری بیهوده انجام میدهد و بدین ترتیب «هرز» میرود. اما نمایش «کودك وحشی»درست، خلاف این امر را ثابت کرد وحالا دو سال بعد از نمایش کودك وحشی (سال ۱۹۷۰) تروفو تصمیم دارد در اواخر سال جاری در فیلم «شب آمریکائی» بازی کند (ما هنوزدرتهران «کودك‌وحشی» راندیده‌ایم) ...

فیلم «کودك وحشی» سال گذشته در جریان ششمین فستیوال بین‌المللی‌فیلم های کودکان به نمایش درآمد وتوانست از ژوری بین‌المللی و همچنین ژوری منتقدین جوایزی کسب کند (بقرار اطلاع این فیلم بزودی در تهران به نمایش درخواهد آمد.)

«فرانسوا تروفو» در «کودك وحشی» به نقش آموزگاری بنام «ژان اتیارد» ظاهر میشود که تعلیم‌وتربیت، کودکی وحشی که وسیله‌چند شکارچی از جنگل صید شده وهمراهشان به دهکده آورده شده، می‌پردازد.

«ژان اتیارد» در کالبد خشن کودك وحشی، روحیه و خصوصیات انسانی میدمد و در پایان نیز کودك وحشی‌که از طبیعت وحشی و حیوانی برتافته و اشتیاقی ناخودآگاه جهت کشف طبیعت انسانی گمشده خود پیدا می‌کند، آموزگار در هدفش، علیرغم فراز و نشیب‌ها، پیروز می‌شود.

در «کودك وحشی» که نمونه صریح و روشن درك و آگاهی فوق‌العاده «فرانسوا تروفو» را در مقام یك‌فیلمساز با ایده و خوش فکر، شاهد خواهیم شد و به تماشای بازیگری های هنرمندانه‌ئی از «تروفو» (به نقش آموزگار ژان اتیارد) ژان‌پیر کارگول (به‌نقش ویکتور، کودك وحشی) وژان داسته (پروفسور دانیل) فرانسواز سینه (خانم گوئرین) پل‌ویله (رمی) کلودمیلر (آقای لمیر) آنی میلر (خانم میلر) خواهیم پرداخت.

«فرانسوا تروفو» سناریوی این حادثه واقعی را که برای کودکی ۱۲ ساله در سال ۱۸۰۶ روی داده است، باتفاق «ژان ژیرو» تنظیم کرده و «نستور آلمتندرو» فیلمبرداری فیلم وی رابعهده داشته است.

نمایش عمومی فیلم‌های «کودك وحشی، عروس‌سیاه پوش و فارنهایت ٤٥١» که بزودی میسر خواهد شد، به علاقمندان واقعی سینما فرصت خواهدداد تابعد از «زیبای می‌سی‌سی‌پی» اهمیت واقعی وجود فیلمسازی چون «تروفو» را برای سینما، بدرستی دریابند.



«ژان پیرکارگول» و«فرانسواز سینه» در صحنه‌ای از فیلم کودك وحشی



فرانسوا تروفو (بازیگر وکارگردان) با فیلمبردار فیلم کودك وحشی





تلویزیون

خبرها

آدم وهوا در کنار دریا

● یك اکیپ فنی باتفاق هنرپیشگان سریال «آدم و حوا» برای ضبط قسمت هائی از این سریال بشمال ایران رفتند . گویا قرار است این سریال بعد ازمدتی وقفه بار دیگر از تلویزیون پخش شود . آهو خردمند ــ می‌می ــ اشرف‌کاشانی‌ــ بهمنیار ــ اسداللهی هنرپیشگان اصلی این سریال می‌باشند .

نگاهی از پل

● سیروس طاهباز نمایشنامه «نگاهی از پل» اثر آرتورمیلر را بفارسی برگردانده و در اختیار «حمید سمندریان» قرار داده است تا وی کارگردانی آنرا بعهده بگیرد. در «نگاهی از پل» که توسط گروه اجرائی تئاتر تلویزیون ملی ایران تهیه میشود این عده بازیگری دارند . پروین دولتشاهی ، سوسن فرخ‌نیا ، رضا جعفری ، خسرو فرخزادی، اکبر زنجانپور، اسماعیل داور فر ، محمد حافظی .

محمدیوسف (کارگردان‌فنی) حسن مرتضوی (طراح دکور) این نمایشنامه میباشد .

سیاوش دوم

● فریدون‌رهنما کارگردانی که قبلا فیلم «سیاوش در تخت جمشید» را در تلویزیون ساخته است . فیلمبرداری فیلم جدیدش «سیاوش دوم» را بپایان رسانده است و هم‌اکنون صدابرداری آن آغاز شده است . هنرپیشگانی که در این فیلم شرکت دارند کلا از هنرپیشگان آماتور میباشد . این فیلم برای تلویزیون ملی ایران ساخته میشود .

توده هیزم

● از نمایشنامه های جدیدی که قرار است توسط گروه اجرائی تئاتر تلویزیون ملی ایران ضبط شود . «توده هیزم» نوشته «اگوست استریندبرك» میباشد . که توسط «خسرو فرخزادی» کارگردانی میشود .

بازیگران این نمایشنامه تلویزیونی فخری پازوکی ، ژیلا سهرابی ، مظفر مقدم و شهلا می‌باشند .

بهره‌برداری ازساختمان جدید

● ساختمان جدید سازمان رادیو تلویزیون ملی‌ایران درجوار ساختمان‌کانال ۷ باتمام‌رسید وفعلا مشغول تکمیل استودیو های ضبط میباشند تاهرچه زودتر بهره‌برداری از آن آغاز شود . استودیو های جدید تلویزیون ملی ایران کاملا مجهز بوده و امکانات فراوانی جهت ضبط برنامه ها و سریالها در اختیار کارگردانها وتهیه کنندگان قرار خواهد داد .



● ساختمان جدید سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران

نمایشگاه آفیش

● قرار است در ششمین‌جشن هنر شیراز نمایشگاهی از «آفیش» های قدیمی در طول جشنواره برگزار گردد . در این نمایشگاه‌آفیش های قدیمی که دارای ارزش‌بسیار میباشند بمعرض تماشای عموم‌قرار خواهد گرفت .

این نمایشگاه قبلا در تهران نیز برگزار گردید .

روغن نهنگ

● «روغن نهنك» اثر «یوجین اونیل» از جمله نمایشنامه های جدید تلویزیون میباشدکه قراراست بزودی ضبط شود . «روغن نهنك» را عباس یوسفیانی کارگردانی و در آن‌فریده صابری، محمدحفاظی، سعید نیك‌پور ، خسرو پیمان ، ناصر غفرانی شرکت دارند .

در جشن هنر شیراز

● در ششمین جشن هنر شیراز برنامه‌هائی از «شانتارائو» که از رقاصان برجسته هندی است گنجانده شده که قرار است درحافظیه برگزار گردد.

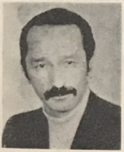
«شانتارائو» یکی از مریدان وفادار «میناکشی سوندارام‌پیلای» فقید میباشد . «میناکشی» نیز یکی از برجسته‌ترین استادان شیوه خاص «پاندانالور» در رقص سنتی هند میباشد. شهرت دیگر «شانتا» در مورد نحوه اجرای سلوی «کرالا» میباشد که استیل مختص بخود داشته و روشی صحیح درمورد رقص «موهینی‌آتام» که یك رقص سنتی است، دارد.

شانتارائو نخستین دختریست که شاگرد آکادمی « کرالاکالا ــ ماندالام» بریاست استاد بزرك رقص هند «ماهاکادمی» بوده است. دراین آکادمی رقص «کاتاکالی» را از «پ. رامونی منون» و«موهینی آتام» را از «کریشنا پانیکار» آموخت.

وی همچنین این امتیاز را داردکه نخستین کسی بودکه در سرزمین مادریش رقصیدن «کاندیان» را از «گانیا» رقاص برجسته سیلانی یادگرفت. شانتاسپس‌رهبری اجرای‌مراسم‌عبادت «باهاماسوترام» را آموخت. تخصص شانتا در اجرای رقصهای متعدد کلاسیك درجهان هنر جلوه‌ای افسانه‌ای دارد. او شعله‌های هنر مقدس خودرا درتمام کشورها بثبوت رسانده است. برای وی رقص و رقصیدن یك هنرزنده وحیاتیست . انعکاس هنر اونشان دهنده استادی ونبوغ خاص وی‌بوده وارائه رقص «باهامانرتیام» که از ابتکارات شخصی او میباشد دلیل براین مدعاست .

شانتارائو در سراسر کشور هند و سایر کشورها مانند آسیای غربی، چین، سیلان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، اسرائیل و اروپا برنامه‌هائی را اجرا کرده است. طبیعت به‌او شخصیت بارز و استعداد ونبوغ فراوان درخواندن، نقاشی، ونویسندگی بودیعه‌گذارده است. وی در اجرا،موزیك، لباس‌ها وطرز ارائه بسیار سخت‌گیر و دقیق میباشد وبهمین دلیل منتقدین معروفی چون «والترتری» که یك منتقد امریکائی است او را در یك طبقه خاص به‌تنهائی دانسته‌اند.

برنامه‌های شانتارائو در ششمین جشن هنر شیراز بدون شك جزو برنامه‌های پرطرفدار خواهد بود.



گفتگوی هفته :

جعفر والی

کارگردان، و هنرپیشه یکصدوپنجاه نمایشنامه تلویزیونی

● تحولات بیش از حدی‌که در امر تئاتر، در تلویزیون آغاز شده است، نمیتوان نادیده گرفت. اگر بخواهیم در مورد نحوه برنامه های تئاتری تلویزیون ملی ایران در گذشته مرور کنیم. باین‌نتیجه میرسیم که نمایشنامه‌ها اغلب در انحصار یك گروه بوده و کمتر هنرپیشگان واقعی تئاتر فعالیت داشته‌اند. در صورتیکه در وضع کنونی تلویزیون ملـی ایـران از همکاری هنرمندان و کارگردانان تئاتر استقبال کرده و حتی بـرای بهبود وضع تئاتر در تلویزیون همه نوع امکاناتی را در اختیار گروه های آماتور قرار داده است.

در میان این چهره های سرشناس که اخیرا همکاری بسیار نزدیکی را در تلویـزیون آغاز کرده‌اند، جعفر والی را میتوان نام برد که سالهاست در این رشته فعالیت داشته و کارش نیز قرین موفقیت بوده است. «جعفروالی» درمورد نحوه همکاریش باتلویزیون میگوید:

ـ سالهاست که در تلویزیون همکاری داشته‌ام ولی بیکباره‌برای مدتی این فعالیت را کنارگذاشتم. «درگوش سالمهم زمزمه کن» اولین کار من در همکاری جدید بـا تلویزیون میباشد.

● گویا این برنامه درهوای آزاد ضبط شده بود.

ـ بله، برای اولین بار ما تصمیم گرفتیم از بازی روی‌صحنه یادکور دوری کنیم و یك‌نمایشنامه خارجی را در فضای باز ضبـط کنیم. ابتداء فکر میکردیم که‌این کار مقدور نباشد ولی خوشبختانه کار ما خیلی خوب از آب درآمد من برای‌نخستین بار صمیمیت‌واقعی را در میان کادر فنی تلویزیون دیدیم. آنقدر این آدمها هنگـام کار صمیمیت نشان دادند که من حتی نمیتوانم برایش قائل شوم و همین صمیمیت و همکاری در کار باعث شد که این‌نمایشنامه جزو یکی از پیس های موفق تلویزیون درآید.

● نمایشنامه بعدی شماکدام است؟

ـ «دویا و یك لنگه کفش» که یك پیس «چینی» بود ولـی بجا است که قبل از پخش این‌نوع نمایشنامه‌ها تلویزیون در موردآنها توضیحی بدهد تا مـردم با آگاهی بیشتری برنامه را ببینند. دراین نوع تئاترها مسائلی وجـود دارد که اگر در مورد آن حرفی گفته نشود برای مردم کسل‌کننده خواهد بود. و بهمین دلیل آنطور که‌باید و شاید این نمایشنامه بمردم هنوز شناخته نشده است و باید این کار بشود.

● کار های تئاتری شما در گذشته چگونه بوده است؟

ـ من در گذشته بیش ازیکصد و پنجاه پیس‌تلویزیونی کارگردانی و بازی کرده‌ام. آثاری خوب از نویسندگان‌برجسته‌دنیا مانندتاگور، کوکتو و ... که اغلب آنهـا با موفقیت تمام در تلویزیون روبرو شد. علتش این بود که درگذشتـه قبل از شروع نمایشنامه توضیحاتی در مورد نویسنده و ایدئولوژی و خلاصه در مورد متن پیس دادهمیشد و مردم با رغبت بیشتری نمایشنامه ها را میدیدند.

● چه پروژه‌ای در همکاری جدیدتان با تلویزیون، بـرای‌خود دارید؟

ـ فعلا در گروه آزاد «شهر» در اداره تئاتر که مانند سایـر گروه های‌اداره تئاتر در تلویزیون فعالیت دارد، تعدادی ازنمایشنامه های خارجی را آماده کردیم کـه برای تلویزیون ضبط کنیم. من سعی کرده‌ام دردوره جدیدهمکاریم با تلویزیون از وجود هـنرمندان قدیمی تئاتر نیز استفاده کنم.

● چرا فقط نمایشنامه های خارجی؟

ـ بدون شك لازم است کـه نمایشنامه های خـارجی نیـز از تلویزیون پخش شود. ولی اگرمن واقعا نوشته‌ای خوب بدستم برسد. بلادرنك شروع بکار خواهم کرد. فعلا نمایشنامه «هدیه قابیل» را که بهبودی ترجمه کرده است در دست دارم. نویسنده ایـن نمایشنامه کوبائی‌است و «آبه‌لاردو استوریتو» نامدارد. این نمایشنامه همان قصه قدیمی قابیل و هابیـل میباشد که در فرم تازه‌ای شکـل گرفته است و یکی از بهترین کار های من خواهد بود. و بعد «شب» که یك نمایشنامه عبری است و کیانوش آنرا ترجمه کرده وبرای کار بعدیم آنرا آماده خواهـم کرد.

● هنرپیشگانی که با شمـا همکاری خواهند کرد چه کسانی هستند؟

ـ هنوز دقیقا معلوم نشده‌اند چون فعلا مشغول تنظیم داستان ها هستم که با حضور مترجم آنها را بیك نمایشنامه تلویزیونی تبدیـل میکنیم. کارگردانی آنها بعهده خود من خواهد بود و خود نیز در آنها بازیگر خواهم بود.

دو وارنته در فضای آزاد

● تا آماده‌شدن استودیوهای بزرك و مجهز سازمـان رادیـو تلویزیون ملی ایران فعلا وارنته های «نغمه‌ها» و «کوکو» درفضای آزاد ضبط میشود. با بهره‌برداری از این استودیو قرار است بـار دیگر این وارنته ها دردکورضبط شود. تهیه کننده (نغمه‌ها) هاملت میناسیان و (کوکو) عطاءاله خرم میباشد.

از صفر تا بینهایت

● عنوان برنامه جدیدی‌است که در آن ضمن مرور برزندگـی هنرمندان قسمت‌هائی از برنامه های اجرائی توسط آنها نیز نمایش‌داده خواهدشد. تهیه کننده وکارگردان (ازصفر تابینهایت) انوشه درخشانی میباشد.

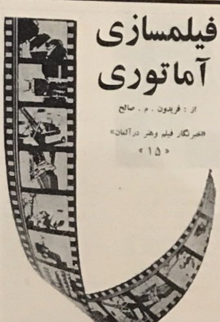
فیلم یك دقیقه‌ای

● بخاطر ورود «اشتکهاوزن» آهنگـاز مشهور آلمانی و بخاطر برنامه های جالبش که قرار است در جشن هنر امسال اجراء نماید. ازطرف مقامات تلویزیون ملی‌ایران به کلیه کارگردانهای تلویزیـون دستور داده شده است تا یك فیلـم یك دقیقه‌ای ازاو بسازند. بهمین مناسبت کلیه کارگردانهای فنـی تلویزیون نسبت به ذوق و سلیقه خود این فیلـم را ساخته و بـه شورای انتخاب فرستاده‌اند.

سمندریان در تلویزیون

● حمید سمندریان که‌مدتها بود از تلویزیون دور بود اینك همکاری خود را آغاز می‌کنـد سمندریان با همکاری هنرمـندان گروه اجرائی تلویزیـون ملـی نمایشنامه «نگاهی از پل» نوشتـه «آرتور میلر» را کـه خود آنرا بفارسی برگردانده است بـرای تلویزیون کارگردانی می‌کند. در هفته‌های بعد اطلاعاتی در مـورد هـنرپیشگـان آن در اختیـار خوانندگان خود قرار خواهیـم داد.

فیلمسازی آماتوری



از : فریدون . م . صالح

«خبرنگار فیلم وهنر درآلمان»

« ۱۵ »

معمولا بعد از فیلمبرداری و تمام شدن فیلم هر کاست برای‌اینکه با سایر کاست‌های نور ندیده‌اشتباه نشود یك تکه کاغذ که روی آن (نور دیده) نوشته شده است روی کاست فیلمبرداری شده می‌چسبانند.

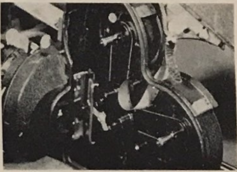
اغلب دوربین های ۱۶میلیمتری دارای موتور هستند که با باطری های بزرك و جدا از دوربین کار میکنند ــ این نوع باطری‌ها قابل شارژ کردن هستند که فیلمبـــردار بایستی بعد از هرروز فیلمبرداری، شبها باطری را برای شارژ شــدن بوسیله دستگاه مخصوص آن به‌برق وصل کند چون ضعیف شدن باطری در اثر کار ، باعث میشود که در سرعت دوربین اثرگذاشته وبجای ۲٤ عکس در ثانیه آهسته‌تر کــار کند که در نتیجه صــحنه هــای فیلمبرداری شده‌خراب‌شده ومطلوب نظر نخواهند بود .

بیشتر این نوع کاست هــای بزرك (مثل‌کاست آری فلکس)خود نیز بتنهائی دارای موتور کوچکی برای گردش فیلم در داخل کاست میباشند که با وصل کردن کــاست روی دوربین ، موتور آن به برق موتور اصلی دوربین وصل میشود. در اینجا بایستی دقت نمود که‌تکمه گردش فیلم روی کــاست طــرف (گردش بجلو) را نشان بدهد زیرا اگر دوربین فیلم را بطرف جلــو عبور دهد و کاست بطرف عقــب بچرخدباعث پاره شدن فیلم خواهد شد (در عکسهای شماره ۳٦ و ۳۷ نمونه‌ای ازکاست ۱۲۰ متری‌دوربین آری فلکس در حالت بسته و باز با محتوی فیلم بخوبی نشان داده میشود .)

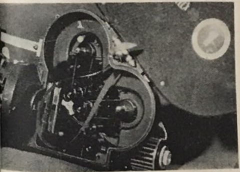
برای قرار دادن کاست‌روی دوربین بایستی مقدار ۲۰ تــا ۳۵ سانتیمتر فیلم را از داخل کاست بیرون کشید . دراینجا بــایستی دقت نمود که فیلم از طرف حلقه خالی خارج نشده بلکه از طــرف حلقه پرکشیده شود چون ممکــن است فیلم از دور حلقه خالی جدا شده و موقع فیلمبرداری فیلم در داخل کاست بجای اینکه دورحلقه بپیچد ، درون آن بطور آزادجمع شود که بعداز مدتی فیلمبرداری و جمع شدن فیلم در داخل کــاست ازکار دوربین جلوگیری میشود.

وقتیکه مقدار مورد نظرفیلم ازکاست بــیرون کشیده شد در دوربین وهمچنین دریچه‌ای که در بالای آن قرار گرفته است بــاز نموده و قطعه پوشش این دریچــه رابرمیدارند و فیلم را از آن‌عبور داده داخل اطاقك دوربین نموده وبعد کاست را روی این دریچــه بوسیله گیره مخصوصی سفت مــی‌ــ نمایند .

اکنون در اطاقك دوربیــن مقداری فیلم که ســروانتهــای آن بداخل کاست وصل است وجــود دارد که بایستی مثل موقعیکه از حلقه (نور روز) استفاده میشود . آنرا در دوربین کار گذاشت و این موضوع را هم بایستی مــورد توجه قرار داد که در بعضی از دوربین‌های ۱٦ میلیمتری‌بخصوص دوربین (آری‌فلکس ۱٦) بعد از بعقب کشیدن قطعه فشار دهند و عبور فیلم از (کانال فیلم)بایستی



عکس شماره ۳۸ : طــرز قرار دادن کاست ۱۲۰ متــری روی دوربیــن آری‌فــلکس ، بطوریکه درعکس دیده میشود، اول فیلمی که از کاست‌بیرون کشیده شده از دریچه دوربین داخل آن کرده و بعد کاست‌را روی دوربین بوسیله‌گیــره مخصوص آن محکم می‌کنند.



عکس شماره ۳۹ : دراین‌عکس کاست روی دوربین کار گذارده شده است و فیلمی که بایستی در دوربین کارگذارده شود ، مشاهده میگردد ــ حلقه خط خط داری کــه در پشت دوربین دیده میشود موتــور آنست که با چرخاندن قرقره سفید رنك جلوی آن میشود‌دوربین را بکار انداخت که در موقع قرار دادن فیلــم در دوربین با چرخاندن آن‌چنگك گیرنده را دریکی از سوراخــ های فیلم تا انتها فرو می‌کنند.

آنرا طوری قرارداد که چنگـك گیرنده داخل یکی از دندانه‌های فیلم شود و قبل از برگردانـدن قطعه فشاردهـنده بجای اول ـ تکه‌ای که در پشت موتور دوربین قرار دارد که با چرخاندن آن با دست دوربین بکار میافتد کمی‌از چپ براست چرخانده تا چنگـك گیرنده بخوبی و تانه داخل دندانه فیلم شود . آنوقت است‌که قطعـه فشار دهنده را بجای اول خـود برمیگرداند . دراینجا هم بایستی قبل از بستن در دوربین کمی‌آنرا بکار انداخت تا از عبور بـدون نقص فیلم مطمئن شد . (درعکسهای شماره ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ طرز قرار دادن کاست روی دوربین آری‌ـ فلکس نشان داده شده است)

برای دوربین‌های ۳۵ میلی متری که در بعضی از آنـها از کاست‌های جداگانه به اندازه‌های مختلف استفاده میشود تقریبا همین اعمال انجام میگیرند بااین تفاوت که اندازه فیلمی که برای کـار گـذاشتن در دوربیـن از کاست بیرون کشیده میشود بیك مقیاس معینی است که بایستی نـه یـك سانتیمتر بیشتر و نه کمترباشد.

برای اندازه‌گیری‌این مقیاس که در تاریکخانه صورت میگیرد، کنار کاست یك برآمدگی وجود دارد که اول فیلم را بعد ازاینکه ازشکاف اولی رد نمودند ، تا این برآمدگی کشیده و بدین وسیلـه اندازه مطلوب رابدست میآورند و بعد از شکاف دومی رد نموده فیلم راداخل کاست میکنند . چون در کاست‌های ۳۵ میلیمتری برخلاف کاست‌هـای ۱۶ میلیمتری داخـل شکاف‌ها چرخ‌های دندانه‌دار کار گذارده شده و فیلم از لای ایـن چرخها رد میشود بنابراین‌اندازه‌ای که برای کار گذاشتن در دوربین ازکاست بیرون میماند همیشه بیك مقیاس معین ویکسان باقی میماند.

چون بیشتر مواقع‌فیلمبرداری‌در خارج از استودیو و یا مکـان است که دسترسی به تاریکخانـه وجود ندارد ، فیلمبرداران برای کار گذاشتن فیلم در کاست ازیك نوع کیـه چهارگوش مربع شکل چرمی سیاه رنك که در داخل آن تاریکی مُطلق حکمفرما است (بنام کیـه تعویض) استفاده میکنند . بزرگی این کیـه تقریبا یك متـر مربع است .

در قسمت پائین کیـه تعویض زیپ طویلی کار گذاشته است که با بازکردن آن فیلمبردار بـداخل کیـه راه پیدا نموده و کـاست و فیلم بسته‌بندی شده را داخـل آن قرار میدهد . و بعد زیـپ را بسته و برای اینکه از کناره‌های زیپ نور داخل کیـه نشود. کمی از زیپ بالاتر ، ته کیـه را بطرف بدنه آن تا میزنند وبوسیله‌تکمه‌ـ های (قابلمه‌ای) که برروی کیـه دوخته شده ، سفت میکنند ـ در بالای کیـه گوشه چپ و راست آن دوبازوی پارچـه‌ای کش‌دار سیاه رنك وجود دارد کـه فیلمبردار دستهایش را داخل آن‌ها نموده و درون کیـه بسته شده ، فیـلم را داخل کاست کار میگذارد .

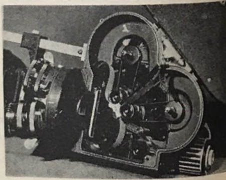
(در عکس شماره ۳۱ نمونه یك دوربین کامل ۱۶ میلیمتری باکاست ۱۲۰ متری و عدسی زوم وموتور دیده میشود . بطوریکـه روی کاست ملاحظه میشود ، روی آن یك موتور کوچك نصب شده که بوسیله سیم به موتور اصلـی دوربین وصل شده‌است).

قراردادن فیلم در کاست و کار گذاشتن آن در دوربین‌بایستی بادقت کامل انجام گیرد تادرموقع فیلمبرداری اشکالی در عبور فیلم ایجاد نشود . چـون برای یـك فیلمبردار خیلی باعث ناراحتـی خواهد شد که درست وسط کـار فیلمبـرداری دوربینش از کـار ایستاده یااینکه فیلم در داخـل‌آن پاره شود ـ ضمنا هرفیلمبرداری بایستی کم وبیش از عهده‌تعمیرات جزئی دوربین بربیاید البته هرگز نقاط حساس و ظـریف مکانیـك دوربین را نبایستی دستکاری‌کرد. ولی همراه داشتن چند عدد آچار ظریف و کوچك که جزء لازمـه وسائل کار فیلمبردار میباشندبدون استفاده نخواهد بود . چون بعضی اوقـات مخصوصا مواقعیکه کـه‌دسترسی به‌تعمیرگاه دوربین نباشد، همین وسائل جزئی و بی‌اهمیـت چنـان به‌کار وکمك فیلمـبردار میآیند که در وهله اول ، قابـل تصور نیست .

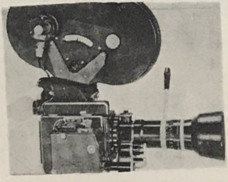
بعضی اوقات اشکالات بسیار ناچیز بوجود میآیندکه باعث می‌ـ شوند دوربین فیلم را عبور ندهد که باکمی توجه و دقت‌این‌اشکالات مرتفع خـواهند شد . البتـه درصـورتیکه فیلمبردار به دوربیـن خودش آشنائی کامل داشته باشدو آنرا خوب بشناسد .

بـرای شناسائی فیلمبـردار آماتور به بعضی از اشکالاتی کـه ممکن است در دوربین بوجـود آید به‌آنها اشاره میشود . البتـه بین این‌اشکالات و خرابی‌دستگاهـ های مکانیك‌دوربین تفاوت‌بسیاری وجود دارد که برای فیلمبـردار آماتور تشخیص آن زیاد مشکـل نیست . وقتی یکی از دستگاه‌های مکانیـك خراب بـود بایستی از دستکاری آن خودداری کـرد و دوربین را به تعمیرگاه مربـوطه فرستاد .

ادامه دارد



عکس شماره ۳۰ : دراین عکس دوربین‌آماده‌فیلمبرداری باکاست ۱۲۰ متری و طـرز صحیح گذاردن فیلم داخـل دوربین دیده میشود .



عکس شماره ۳۱ : نمونه کاملی از یك دوربیـن ۱۶ میلیمتری با کاست ۱۲۰متری، عدسی زوم و موتور برای‌عبور فیلم .

سینما و مطبوعات

شایعه‌ها

● کریستین پاترسون ستاره سکسی فیلم مهدی مشکی که اصلا آلمانی است ، این روزها بخاطر بازی در فیلمهای مختلف تصمیم به اقامت طولانی در ایران گرفته است .

کریستین بخاطر عشق و ازدواج با یك جوان ایرانی به تهران آمد ولی با مخالفت خانواده پسر روبرو شد و هنگامی که راهی فرنك بود ، فیلمسازان اورا بدام انداختند . **جوانان (شماره ۳۹۹)**

***

● شنیدیم نامه‌ای که ایرج رستمی برای یکی از مجلات هفتگی از آمریکا ارسال نموده و چندهفته پیش چاپ شد برعده‌ای از هنرپیشگان تراز اول گران آمده و از مسئولین سندیکا درخواست نموده‌اند تا از ادامه آن جلوگیری به عمل آورند . رستمی در نامه خود نوشته است ، هنرپیشگان ما عموما کم‌سواد وکم‌معلومات هستند و بخاطر همین است که فیلمهای ایرانی یکنواخت و خسته‌کننده شده و من اکنون‌مشغول تحصیل شده‌ام و اگر هنرپیشگان دیگری هم چنین‌کنند وضع سینمای ما بعدها بهتر خواهد شد . ولی عده‌ای از هنرپیشگان معتقدند چون رستمی خودش کم‌سواد بوده و نتوانسته در سینمای ایران چیزی بشود همه را مثل خودش حساب کرده . **ستاره سینما (شماره ۷۸۸)**

***

● داریوش ، خواننده جوان و محبوب نیز سرانجام به دام فیلمسازان افتاد و یکی از تهیه‌کنندگان فیلمهای فارسی «حسامیان» داریوش را با دستمزد هنگفتی راضی کرد تا در یکی از فیلمهای او که سرگذشت یك خواننده جوان و آماتور است ، شرکت و نقش آن خواننده را بازی کند .

نکته جالب توجه آنکه نقش اول ستاره این فیلم را فروزان بازیگر معروف سینمای فارسی برعهده دارد و جالبتر آنکه برخلاف سایر فیلمها ، فروزان در این فیلم نقش خواهر داریوش را ایفا می‌کند که عاشق معلم موسیقی داریوش «ناصر ملك مطیعی» شده است.

داریوش در این فیلم چندین ترانه جدید خواهد خواند که از هم‌اکنون یکی از آهنگسازان و ترانه‌سرایان معروف ، مامور ساختن این ترانه‌ها شده است. **اطلاعات بانوان (شماره ۷۸۵)**

***

● ساعت ۱۱٫۳۰ روز دوشنبه این هفته احمد رسولی کمدین معروف که در کاباره برنامه‌های کمدی اجرا می‌کند بدفتر مجله آمد و در حالیکه شکوائیه‌ای در دست داشت گفت .

«... آقاجان ... من دیشب مثل هرشب مشغول اجرای برنامه‌ام در «باکارا» بودم .. ومیدانید که همبازی من روی صحنه آقای محمد رسولی است که‌ما هردو.را مردم برادران رسولی می‌شناسند . بهرحال در قسمتی از این برنامه ضمن یك گفتگو من به او گفتم سکس تو به طریقه «زری خوشکام» است ... و البته میدانید که در همه‌جای دنیا کمدین‌ها باآدمهای معروف شوخی می‌کنند و من گناهی مرتکب نشده‌ام. برنامه من ادامه پیدا کرد اما بعد از برنامه ناگهان آقای علی حاتمی کارگردان معروف و شوهر زری خوشکام مرا پیدا کرد و سیلی محکمی به‌گوشم‌نواخت که هم گوشم صدمه دیده و هم مرا شدیدا متاثر کرده

من بهیچوجه تصور نمی‌کردم آقای علی‌حاتمی از چنین شوخی های ساده‌یی ناراحت شوند ، درحالیکه من غالبا با هنرمندان در سن شوخی می کنم . چندی قبل سربسر ناصر ملك‌مطیعی می‌گذاشتم . یك روزایشان در نهایت ادب به من گفتند : فلانکس ، خواهش می‌کنم دیگر سربسر من نگذار و من از آنروز دیگر اسمی از ناصر ملك‌مطیعی نبردم و آیا بهتر نبود آقای حاتمی نیز اینکار را می‌کرد ، نه اینکه به گوش من سیلی می‌زد !

احمد رسولی به دادستان نامه‌یی نوشته و علیه حاتمی شکایت کرده است و به سندیکای هنرمندان نامه‌یی نوشته و همچنین به اطلاعات هفتگی نامه نوشته و جریان را شرح داده است .

اطلاعات هفتگی (شماره ۱۰۹۵)

***

ـ ... حال با در نظر گرفتن این مسئله که مرجان پنجسال پیش محصل بوده و بعد با من ازدواج کرده و بیش از سه سال نیست در سینما گام برمیدارد و تجربه کافی و لازم در شناخت اشخاص ندارد و از آنجا که من روی اصول و ضوابط تئاتر به او تاکید کرده‌ام کارگردان هرچه دستور بدهدباید اجرا شود او هم در نهایت پاکی و بیگناهی و صرفا به خاطر اطاعت از دستورات کارگردان صحنه‌پرداز قسمتی شده است که در آینده بـه هیچوجه تکرار نخواهد شد . **جوانان**

***

● نویسنده شدن آقای نعلبندیان در حقیقت «ریشه‌ای در طنز دارد» بدین قرار که اعضاء هیئت ژوری جشن هنر که چند سال پیش‌نمایشنامه پژوهش ژرف ... آقای نعلبندیان را برنده کردند بین خودشان از سر مزاح و شوخی شرط بسته بودند که مزخرف‌ترین و مهمل‌ترین نمایشنامه رسیده رابرنده اعلام کنند تا این نکته را ثابت کنند که بمدد اثر معجزه آسای وسایل ارتباط جمعی . یك نمایشنامه بنجل را میتوان بصورت یـك شاهکار و نویسنده آنرا بعنوان‌یك نابغه بخورد جامعه بدبخت داد و اتفاقا اینکار هم شد و ملت ایران چشم از هم باز کرد و ناگهان دیدیك روزنامه‌فروش شیرازی یك‌شبه بصورت یك شبه نابغه در عرصه ادبیات ایران تولد یافت و حالا همان آقای نعلبندیان قشقرق‌تازه‌ای برسر کتابهای خود با املاء ابتکاریشان راه انداخته‌اند ... **تهران مصور**

مچ گیری

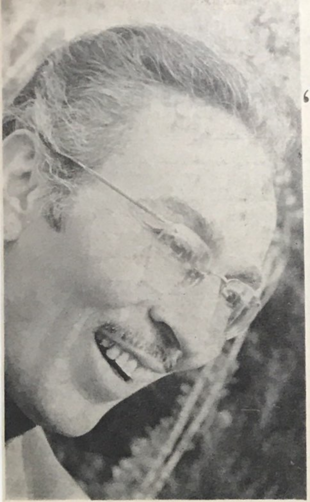
● در شماره ۱۳۸٤ روزنامه آیندگان (چهارشنبه گذشته) ترجمه‌ای از یك نوشته گزارشگونه منتقد معروف فرانسوی «ژان دوبارونسلی» چاپ شده است که چندجایش ، جای تذکر دارد .

نخست آنکه اکثر اسامی اشتباه نوشته شده است ، مثلا «فرانچسکو روزی» که شده «فرانسکو روزی» و یا «الیوپتری» که شده «الیوپرتی» ویا همینطور «دوزان ماکاویف» که شده «دوسان ماکاوجف» و چندتا اسم دیگر ...

یك جای مطلب هم ، اسم فیلم معروف «جان شلزینگر» «یکشنبه، یکشنبه لعنتی»ترجمه شده «دوشنبه ، دوشنبه لعنتی» ! یعنی در واقع مترجم گرامی این مطلب ، اندکی آینده‌نگری فرموده‌اند و «یکشنبه» را «دوشنبه» ترجمه کرده‌اند . بگذریم ازاینکه در اینجا Bloody هم به زعم مترجم گرامی معنی «خونین» نمی‌دهد و همان «لعنتی» (در فستیوال تهران ، این فیلم با عنوان «یکشنبه ، یکشنبه لعنتی» نشان دادهشد) بیشتر بهمعنی‌واقعی Bloody در این عنوان نزدیك است .

نوشته : م . صفار

ساموئل خاچیکیان، مرد جنجالی و کاشف چهره‌های جدید!



● مقدمتا عرض کنم کمن کار نویسندگی را بیش از هرکار دیگری دوست دارم . داستان می‌نویسم ، مصاحبه میکنم وریپورتاژ تهیه می‌نمایم . ترجیح میدهم یك ژورنالیست باشم و خودم را در چارچوب بخصوصی محدود نکنم . دوست عزیزم «امید» میگفت‌حالا که‌تو بجرگه فیلمسازان پیوسته‌ای، دیگر فرصت مطلب نوشتن نداری. منهم برای اینکه از «رو» نرفته باشم ، درآخرین لحظات این یادداشت‌های پراکنده را در باره ساموئل نوشتم ، و بازهم ترجیح میدهم که بقول معروف با همین قلم «صدتا یه غاز» سروته زندگی را بهم بیاورم ، نه‌از راه فیلم ــ سازی . چون اگر احیانا سرکی بکار فیلمسازان میکشم بخاطر علاقه‌ایست که دارم ، نه جیبی که ندارم ...

***

«ساموئل خاچیکیان» اصولا مرد جنجال آفرینی است . کاریر سینمائی او نشان میدهد که او هیچگاه مرد آرامی نبوده است . هرزمان که دست بساختن فیلم تازه‌ای زده است ، همیشه جنجال وهیاهوی عظیمی را پشت‌سرداشته است . ابتدا او را خالق فیلمهای وحشت‌انگیز ، ترس‌آور ، وجنائی می‌نامیدند ، اما او اخیرا سعی کرده است که درمایه‌های لطیف عشقی هم خودی نشان بدهدوموفق هم بوده است . فیلمهای «خدا ــ حافظ تهران» و قصه شب یلدانشان داد که اودر ساختن فیلمهای عشقی هم جنجال‌آفرین است .

درباره ساموئل حرفهای زیادی زده میشود ، اما حرفهای خود او جنجالی‌تر از همه حرف‌هائی است‌که درباره او میزنند . من بشخصه تابحال درحدودسیزده بار با اوگفتگو کرده‌ام ، و همیشه حرفهای تند و تیز وآتشین او باعث شده‌است تا خشم عده‌ای از فیلمسازان برانگیخته‌شود . ساموئل در مصاحبه‌هایش بهیچکس رحم نمیکند وبشدت از سینمای‌آبگوشتی ابراز تنفر میکند ، همچنین از سینمای جاهلیزم ...

مصاحبه های ساموئل در مطبوعات همیشه عده‌ای رابصرافت جواب دادن باو انداخته است. اما نکته‌ای را که من در این چند سال‌آشنائی بااو دریافته‌ام اینست‌که اوبرخلاف‌عده‌ای ازفیلمسازان ، از یك‌پشتوانه فرهنگی غنی برخوردار **است و صلاحیت اینرا دارد که حرف بزند .**

اولین‌بار که نام ساموئل در ذهن من نقش بست، زمانی بودکه فیلم «فریاد نیمه‌شب» را بنمایش گذاشتند . هرچند که قبلا از او فیلمهای دیگری از جمله چهارراه حوادث وتوفان درشهرما ... را نمایش داده بودند ، معهذا من‌رسما **بهیچوجه با اوآشنائی** نداشتم . دیدن فیلمهای فریاد نیمه شب ، و یك‌قدم تامرك مرا بصرافت این انداخت تا این فیلمساز پرتحرك را ازنزدیك ببینم ، و عاقبت هم تقریبا در حدود شش سال پیش اورا در دفتر پیام دیدم وهمانجا ترتیب اولین مصاحبه را برای روزنامه جوانان‌دادم . ساموئل در آنروز آنقدر خوش برخورد بود که باعث شد تادوستی عمیقی بین من و او بوجود بیاید . البته‌بعدها فهمیدم که او با اغلب روزنامه ــ نگاران دوستی صمیمانه و نزدیکی دارد و برخلاف عده‌ای سعی‌میکند تااین عده را ازخود نرنجاند ....

دوستی من و ساموئل باعث شد تامن بخصوصیات اخلاقی او بیشتر پی‌ببرم . ساموئل همیشه از کارش گله دارد ، هیچوقت‌کارش رابدون دردسر نیافته است‌وهمیشه توپ انتقادش آماده منفجر شدن است . مثلااگر تلفن را بردارید و بگوئید آقای ساموئل حالت‌چطور است ؟ میگوید : ای‌بابا ، گرفتارم، مگر اعصاب برای آدم باقی می‌ماند ... و از اینجور حرفها ...

اما یکی از خصوصیات دیگر ساموئل کشف چهره‌های جدید سینما می‌باشد . ساموئل در این مورد ید طولانی دارد و هیچیك ازسینماگران باندازه او کاشف چهره‌های ناشناخته نبوده‌اند . ساموئل درباره اغلب چهره‌هائی‌که کشف میکند بیش از حد تعریف مینماید . بطوریکه قبل از نمایش فیلم عموم دست‌اندر کاران با این چهره آشنا میشوند .

مثلا هنگامیکه «ژاله سام»را برای فیلم «دیوار شیشه‌ای»بسینما کشاند ، بخود من میگفت :، این دختر آنقدر قشنك و شیك است‌که **نظیر ندارد .**

اصولا ساموئل با هرکسی که کار میکند زیاده ازاو تعریف مینماید . اما اگر کار نکند خدا میداند که آیا بازهم تعریف‌خواهد کرد یا نه ؟

بقیه درصفحه ٤٤

سقوط فرصت‌ها

● دو هفته قبل صفحه‌ای تحت عنوان «تریبون آزاد» در مجله ایجاد کردیم هدف ما از بوجود آوردن این صفحه بدان‌علت بوده‌است که‌ما معتقدیم‌که خوانندگان مجله می‌بایست در هر موردی‌نظریات خود را ابراز دارند. بسیاری مسائل هست که مردم باید در مورد آن صحبت کنند و راه‌حل‌هائی ارائه دهند واین صفحه‌میتواند پایگاه خوبی برای حرف‌های همه باشد، برای ما نظر خود را در زمینه‌های مختلف بنویسید، سعی کنید مختصر و مفید باشد مادراینجا آنها را منعکس خواهیم‌کرد. البته توقع نداشته باشید هر **چه را که می‌نویسید ما دراینجامنعکس کنیم زیرا فیلم و هنر خودرا در قبول یا رد نظریات شما آزادمی‌بیند.**

● پیش کسوتان و نام‌آوران هنر سینمای ایران سپر بلای نامجویان و هنر پژوهان جوان قرار گرفته‌اند یك سئوال منطقی از این جوانان بویژه آن دونفر که بیشتر از دیگران حق بزرگان را نادیده انگاشته‌اند دارم و آن اینکه آیا شمااوضاع آن زمان را که در کشورما میگذشت بیاد دارید یا لااقل زحمت اینرا بخودداده‌اید که از دیگران بپرسید شرایط کار ـ تکنیك فیلم ـ ابزار استفاده از یك ایده تازمانیکه فیلم شود و بالاخره کارشکنی‌ها و جنك و ستیزهائی که با غولان و دیوان و نمایندگیهای فیلمهای خارجی که سینماها را دربست در تیول خود داشتند چگونه بود و با چه وضع اسفناکی روبرو بودند. آنانکه در آن زمان یعنی حدود ۱۸ سال قبل و سپس با آن موفقیتها بفاصله چهار تا پنج سال بعد مردانی با شور و هیجان صد برابر امروز شما پای بمیدان نهادند ابتدا با چه شکستها و ناکامیها روبرو شدند تاتوانستند خودی نشان دهند و لااقل چند اکران از سینماهای پایتخت را برای محصولات سینمای ایران دراختیار بگیرند وتازه این فردین‌ها و ملك‌مطیعی‌ها که باندازه دوسوم عمر شما را در این‌مبارزات و نشیب و فرازها مصروف نموده و نامی یافته‌اند و راه همواری در جلوی روی نسل ناشناسان قرار داده‌اند اکنون بازهم همه آنها که نیشتر زهرآلود حسادت جانشان را میخراشد و قدر ناشناسیها عده‌ای از آنان را کنار گود گذارده باور بفرمائید در سنگر شما قرار دارند و شما جوانان با آنان در تمام شئون زندگی‌هنری اشتراك مساعی دارید و همدیگر را لمس مینمائید میگوئید اینطور نیست ؟ پس چرا برای تهیه یك فیلم فکر جوان و فکر پیر شما همگی در سرما و گرما . شب بیداریها ـ گوشه و کنار شهرها . در دشت‌ها و کویرها ـ پرتاب بدره‌ها و ناکامیها در پشت صحنه‌ها و کلنجار با فیلمبردارها و کارگردانها شربت تلخ این حرفه را همه مینوشید و امید شهد موفقیت را در دل دارید و دراین گرفتاریها باهم شریك هستید راستی چرا برای رهائی از این‌رشته نامرئی که چون علفی هرز بدور دست و پای همگی شما پیچیده تفکر خود را بکار نمی‌اندازید اما بجان هم افتاده و فکر پیر و جوان را پیش کشیده و با تشتت و اختلاف وتخطئه کار فردین‌ها و ملك‌مطیعی ها عناصر اصلی این هنر اصیل را دلسرد وتخم تفرقه و نفاق میپاشید باور بفرمائید اگر این تعداد انگشت‌شمار را هم کنار بگذارید بازهم دردی ازهزاران درد سینما را درمان نکرده و باری از دوش خود برنداشته و جائی هم برای خودنگشوده‌اید.

من نمیدانم حمیت صنفی و احترام بهمکار که درسرشت هر ایرانی وطن‌پرستی وجود دارد کجا رفته ؟ اندکی بخود آئید شما خود را طوری باجتماع معرفی نکنید که تصور کنند ضمن اینکه از کار هنری کم تجربه هستید از افکار و تخیل هم خدای نخواسته کمیتی دارید. شما جوانان جویای نام باین نکته توجه داشته باشید که تارهای نامرئی تراستها و دلالان صنایع سینمای آنطرف مرزها در انتظار همین فرصتها هستند و بقولی حسودان در کمینند و مدعیان گوشه نشین تادوباره دوران راجها و هرکولها. وسترن‌ها وطلاق های سبك مختلف را درایران جانشین کار های سینمائی شما سازند.

خوشبختانه در زمان حاضر مردم سرزمین ما آنهائی را که بدنبال هوچی‌گری و جنجال ونفاق افکنی باشند نمی‌پسندند واز این ماجراها تجربیات‌تلخی آموخته ودارند و بانیان آنرا کنار می‌گذارند اگر عشق و علاقه و تلاش معاش ونه چیز دیگر شما رابااین حرفه کشانده است دست یگانگی واتحاد در دست پایه گذاران و پیش کسوتان این هنر بگذارید وبا در میان گذاردن ایده‌های مثبت و ادغام باافکار آنان بنیاد نفاق‌را براندازید و با طرحی نو فلك را سقف بشکافید و تماشاگر ایرانی را که اغلب ناله سر میدهد نجای دلزدگی از این بگو ومگوهای پوچ و بی‌ارزش شاهد و ناظر بهزیستی خودتان واعتلای نام سینمای کشورمان که از هنر اصیل و فرهنك غنی این ملت سرچشمه گرفته باشد نمائید.

شما چه بخواهید یا نخواهید معلمین این اجتماع در سطح بالا هستید که پیام هائی دارید و پیامهای خود را در لفافه کار سناریست و کارگردان و فیلمبرداربابن مردم عرضه مینمائید واین متعلمین شما که بیشتر نکاتی شادی آفرین را می‌ستایند ضمن کار شما خودتان را نیز دوست دارند امید است باعرایض بیطرفانه و وطن دوستانه‌ام که‌تجربیات بیست‌ساله نویسندگی وگویندگی و سایر امور هنری بصورت آماتور علاوه بر کار اصلی‌ام مرا وادار بنگارش این سطور نمود مورد توجه عموم هنرمندان عزیز بویژه چند نفری که فکر جوان و فکر پیر را بمیان‌کشیده‌اند قرار گرفته وحسادت‌ها راتبدیل برقابتی شایسته که در شان هنرمندان ارزنده یك کشور در حال توسعه باشد ـ بنمائید .

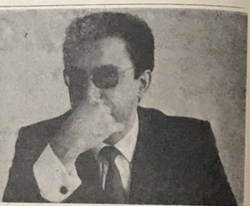
«زمان ملایری»



نقد و منتقد در ایران

از: ایرج صابری

۱۴



گفتگو با : بهرام ری‌پور

● «بهرام ری‌پور» با ترجمه ونوشتن خبرهای کوتاه و مصور ـ البته نه سینمائی ـ برای مجله هفتگی عدل(۱۳۳۰) کارمطبوعاتی خود را شروع می‌کند ـ کاری که برای او یك نوع عشق بود ونسبت بآن دلبستگی های زیادی داشت.

«ری‌پور» میگوید :

ـ من و «دوائی» بقدری بکار مطبوعاتی علاقه داشتیم که وقتی دستمان بجائی بند نمیشد تصمیم گرفتیم خودمان مجله‌ای درست کنیم . مجله‌ای که ما درست کرده بودیم «شهرزاد» نام داشت وتمام آنرا بادست می‌نوشتیم و عکسهایش را هم با چسب می ـ چباندیم بهرحال مجله بدی نبود چون خیلی پرمطلب و قشنك تنظیم شده بود و تاآنجا که یادم هست صفحه سینمائی اولین شماره آن معرفی فیلم «مکانی در آفتاب» بود که تازه برای اولین‌بار روی پرده می‌آمد . این مجله دست به دست میگشت ورفقاآنرا میخواندند. فکر می‌کنم دوره‌های این مجله حالا پیش «دوائی» باشد . علاقه‌ما تااین حد بود که ساعتها می‌نشستیم ووقت صرف می‌کردیم تا این کار را انجام دهیم .

● صفحه ۳۳

● «بهرام ری پور» کار سینمانویسی رابامجله «جهان‌سینما» شروع می‌کند وسپس به«روشنفکر» می‌پیوندد و تامدتی با همکاری «دوائی» صفحه سینمائی این‌مجله راکه «ناصر خدایار» سردبیر آن بود اداره می‌نماید و پس از آن‌با انتشار مجله «ستاره سینما»به‌گروه نویسندگان این مجله می‌پیوندد و تمام فعالیت خود را در این مجله متمرکز می‌نماید .

ـ ... درست نمیدانم که چطور شد به سینما علاقمند شدم و این علاقه محصول اتفاق وبالحظه خاصی نبود ـ بهرحال ما بتدریج حس کردیم که بطرف سینما کشانده میشویم و اینکه میگویم ما ـچون من تنها نبودم بلکه همیشه با «پرویز دوائی» بودم از خیلی قبل دائم باهم بودیم باهم سینما می‌ـ رفتیم ـ دراین دوران بیشترفیلمها را ازجهت سرگرمی و تفریحش میدیدیم ـ ولی خوب عشق ما به سینما عجیب وغیرقابل توصیف بود ـ بطوریکه بعدا کم‌کم شروع کردیم بشناختن آرتیست‌ها و من هیچوقت یادم نمیرود که روزی توی سینما البرز دوائی بمن‌گفت: ببین همه تیتراژ فیلمها بادوتا تیتر دوخطی تمام میشود ـ می‌بینید که ما چقدر از مرحله پرت بودیم یعنی تمام تیتراژ برای ما هیچ معنا و مفهومی نداشت و تنهاچیزی که بعد از آنهمه فیلم دیدن‌پرویز کشف کرده بود ـ این بود که نوشته‌های اول فیلم با دو تیتر تمام میشود ـ که البته بعدها فهمیدیم که این دو خط مربوطبه معرفی تهیه کننده و کارگردان است .

باین ترتیب ما بتدریج کشیده شدیم به سینمای باصطلاح جدی‌تر وعوامل سازنده فیلم ـ و تمام کنجکاویمان این بود که یك فیلم چطور ساخته میشود و چه کسانی آنرامیسازند تنهاوسیله‌ای که برای بیشتر دانستن در اختیار داشتیم مجله‌ای بود بنام «جهان سینما» که هردو هفته یکبارمنتشر میشد و دوهفته ما را این مجله واقعا پرمیکرد ـ البته به نسبت، مطالب این مجله زیاد هم جدی نبود حتی نقدهایش بیشتر شامل داستان فیلم بود و بایك اظهارنظر خیلی کلی هم خاتمه می‌یافت ـ با تمام این احوال ماباعشق زیادی آنرا دنبال میکردیم ـ و این مجله شوق‌سینمانویسی را در ما بیدار نمود تااینکه روزی تصمیم گرفتم که بدفتر این مجله بروم ، یادم هست دفترش طبقه آخر ساختمان سینما متروپل بود پله‌های زیادی داشت و من این پله‌ها را گرفتم ، رفتم بالا . سردبیرش «هوشنك قدیمی» بود وقتی پیشنهاد کردم که حاضرم مطالبی از سینمای فرانسه برای آنها ترجمه کنم . آنها استقبال کردند و باین‌ترتیب من کار سینما نویسی را شروع کردم ـ البته مطالبی که آن موقع می‌نوشتم خیلی ابتدائی بود وبیشتر شامل شرح حال هنرپیشگان میشد (۱۳۳۱) آنوقتها «گالوستیان» صاحب امتیاز مجله «ستاره سینما» روبروی سینما متروپل مطبوعات خارجی‌میفروخت و من چون دنبال مجلات سینمائی بودم طبعا بیشتر اوقات آنجا سرمی‌زدم ضمن همین رفت وآمدها متوجه شدم که اوبا کمك «کاظم اسماعیلی» مجله ستاره سینما را درآورده‌اند و باین ترتیب آشنائی من با گردانندگان این مجله‌فراهم شد و همکاریم از شماره سوم این مجله‌که آن موقع «کاظم‌اسماعیلی» سردبیرش بود شروع شد که تا چندین سال بطور مداوم ادامه داشت وهنوز هم گاهی برای این مجله چیز می‌نویسم .

البته در اوایل کار ما هیچ دستمزدی نمی‌گرفتیم با این وجود راضی بودیم چون به سینما و چیز نوشتن عشق می‌ورزیدیم و همین تشویقمان می‌نمود ـ تا مدتهامن دراین مجله مطالبی فقط دراطراف تهیه ومعرفی فیلمها و شرح حال ستارگان سینما می‌نوشتم . هرچند آن مطالب خیلی ابتدائی بودولی بهرحال همان نوشته‌ها زمینه وزیر بنائی شد که سینما را در کشور ما جدی‌تر بگیرند و به علاقمندان سینما افزوده شود .

یادم هست آن وقتها سینمای جدی در ایران فقط محدود و منحصر میشد بسینمای کریستال‌که فیلمهای خوب نشان میداد البته مردم آن موقع به نسبت استقبال میکردند وتنها چیزی که به این سینمای خوب درایران لطمه زد دوبله بود حالا دیگر سینما بآن شکل وجود ندارد .

همانطوریکه دوبله سینما را در ایران رونق داد از ارزش‌آنهم کاست . هنوز فیلمهائی را که با زبان اصلی دیده‌ام ـ حتی با آن ترجمه‌های ناراحت‌کننده که وسط فیلم می‌آمد ـ فراموش نکرده‌ام چون باصدای اصلی اثر زیادی روی آدم میگذاشت .

سینمای دوبله شده و تحت نظارت و سخت‌گیریهای سانسوردر بعضی موارد پنجاه درصد ازکیفیت اصلی خود را ازدست میدهد .

ادامه‌دارد

«صدفیلم برگزیدهٔ تاریخ سینما»

تهیه و تنظیم از : علی‌محتشمی

● سیل بیشمار فیلم‌های تاریخ سینما آنچنان است که برای آن نمی‌توان حدی قائل شد ، اما در میان اینهمه فیلم شاهکارهائی هستند که همیشه‌جاودان‌و پایدارخواهند ماند و مااز میان آنهمه‌شاهکار صد فیلم را بعنوان صد فیلم تاریخ سینما برگزیده و در اینجا معرفی کرده‌ایم .

شماره	نام فیلم	محصول	سال	کارگردان	باشرکت
۱	آخرین خنده	یو.اف.آ.	۱۹۳۳	اف.دبلیو . مورنائو	امیل یانینکس
۲	آزادی مال من است	فرانسه	۱۹۴۲	رنه‌کلر	
۳	آخرین مرد	آلمان	۱۹۳۴	فردریکو مورنائو	
٤	آگراندیسمان	انگلستان	۱۹۶۶	میکل‌آنجلو آنتونیونی	دیوید همینگر
۵	آله‌لویا	آمریکا	۱۹۲۹	کینگ‌ویدور	
٦	آوازبرنادوت	آمریکا	۱۹۲۹	هنری کینگ	
۷	ارکستر محفل الکساندر	فوکس قرن‌بیستم	۱۹۳٦	هنری‌کینگ	تایرون‌پاور
۸	از اینجا تاابدیت	کلمبیا	۱۹۵۳	فردزینه‌مان	برت‌لنگستر ــ مونتگمری‌کلیف
۹	ارتفاع دوازده ساعت	فوکس قرن‌بیستم	۱۹۵۰	هنری کینگ	گریگوری‌پك
۱۰	اپرای چهارشاهی	آلمان	۱۹۳۱	ژرژویلهلم پابست	
۱۱	ال‌سید	آلایدآرتیست	۱۹٦۱	آنتونی‌مان	چارلتون هستون ــسوفیالورن
۱۲	اسپارتاکوس	یونیورسال	۱۹٦۱	استانلی‌کوبریك	کرك‌داگلاس
۱۳	(سفید برفی وهفت کوتوله)	آر.ك.او.رادیو	۱۹۳۷	والت‌دیزنی	
۱٤	ارزش افتخار	فوکس قرن بیستم	۱۹۲٦	رائول‌والش	
۱۵	استلادالاس	یونایتدآرتیست	۱۹۲۵	هنری کینگ	رونالدکلمن
۱٦	(بهترین سالهای زندگی‌ما)	آر.ك.او.رادیو	۱۹٤٦	ویلیام‌وایلر	فردریك مارچ
۱۷	برباد رفته	متروگلدوین مایر	۱۹۳۹	سام‌وود	کلارك‌گیبل ــ ویویان‌لی
۱۸	براه خودم میروم	پارامونت	۱۹٤٤	لئومك‌کری	بنیك‌کرازبی
۱۹	برخورد کوتاه	انگلستان	۱۹٤۵	دیویدلین	
۲۰	برفراز تپه بسوی کلبه حقیر	فوکس‌قرن‌بیستم	۱۹۲۰	هری‌میلارد	
۲۱	بن‌هور	متروگلدوین مایر	۱۹۵۹	ویلیام‌وایلر	چارلتون هستون ــ استفین‌بوید

ادامه دارد

جهان سینما

راهبه

● تصویر این صفحه صحنه‌ایست از فیلم جدید «ناتالی دلون» تحت عنوان «راهبه» که ناتالی‌دلون به نقش یك عاشق مبارز ظاهرمیشود او بخاطر رسیدن به معشوق حتی روح خود را در اختیار شیطان قرار میدهد. در این فیلم «فرانکو نرو» به نقش معشوق ناتالی دلون ظاهر میشود .

مردی با مغز پیوندی

● امور فیلمبرداری «مردی با مغز پیوندی» که توسط «اتین پیکر» باتمام رسیده بود آماده نمایش گردید . این فیلم را «ژاك دونیول» کارگردانی کرده و درآن ماتیو کاریر- نیکولتا ماکیاولی- ژان پیرآمونت - مارتین سارسی- کریستین دورس‌و پیرسانتین‌شرکت دارند .

● ناتالی دلون در صحنه‌ای از فیلم «راهبه»



سالهای روشن

● «ژان شاپو» در فرانسه فیلمی را کارگردانی میکند تحت عنوان «سالهای روشن» «ژان‌شاپو» ازجمله کارگردانان فرانسوی است که سالهابعنوان آسیستان‌کارگردان و فیلمبرداری در زمینه فیلمسازی تجربه اندوخته است و این فیلم اولین‌تجربه‌وی درزمینه‌کارگردانی فیلم میباشد .

دره

● بول اوجیر، والریه‌لاگرانج هنرپیشگان اصلی فیلم «دره» می‌باشند که تهیه کننده و کارگردان آن «موره» است . کلیه صحنه‌های این فیلم در اطراف پاریس فیلم‌برداری شده است .

فیلم جدید نیومن

● «زندگی قاضی روی بن» عنوان ساخته جدید «جان هاستن» میباشد . که در آن آواگاردنر به نقش «لی‌لی‌لانك‌تر» و پل‌نیومن به نقش «قاضی روی بن» ظاهر میشوند . این فیلم در «اریزونا» فیلمبرداری شده و کلینت ایستوود نیز در آن بازیگری دارد .

راکوئل‌ولش تهیه‌کننده

● راکوئل ولش نیز ضمن ایفای نقش جهت فیلم جدیدش در ساختن آن نیز سرمایه‌گذاری‌خواهد کرد . تهیه‌کننده دیگر این فیلم «تونی کورتیس» میباشد هنوزنام فیلم و کارگردان آن معلوم نشده است ولی «ارنست‌بورگناین» به احتمال قوی در آن بازی خواهد داشت . این فیلم یك اثر «وسترن» میباشد .

آلبرتو سوردی باز هم کارگردان

● فیلم جدید «آلبرتوسوردی» کمدین معروف ایتالیائی که خود ضمن بازیگری کارگردانی آن را نیز بعهده داشت با موفقیت تمام روبرو گردید . این فیلم «دود در لندن» نام دارد . سوردی تصمیم دارد بزودی **فیلم جدید دیگری را جلوی دوربین ببرد .**

ریزه خبر

● «وینتوریو دیسیکا» در امریکا مشغول کارگردانی فیلمی است بنام «وقتی عبادت میکند، مرد است» که گابریلابوکاردو در آن بازی دارد .

● «کلانتر» عنوان فیلمی است بکارگردانی «جورج لانتر» که در آن میشل کستانتین - میریل دارك شرکت دارند . این فیلم بطریقه رنگی‌فیلمبرداری شده است.

● جوبیتر- فرانچسکورابال هنرپیشگان‌اصلی فیلمی‌بکارگردانی «آرنه‌ماتسون» میباشد . فیلم - برداری این فیلم که «آن‌وایو» نام دارد بپایان رسید .

● «وینتوریو گاسمن» بالاخره آخرین فیلمش را که «بدون فامیل ...» نام دارد بپایان‌رساند. در این فیلم «پائولوویلاجو» نقش مقابل وی را بعهده دارد .

● در تابستان امسال «ژاك دری» با همکاری «ژان‌پل کاریر» در لوس‌آنجلس فیلمی را جلو دوربین میبرد که «ژان‌لوئی ترنتینیان» در آن بازی دارد .

● «تینتوبراس» مقدمات تهیه فیلمی را فراهم میسازد با نام «مقررات‌عادی» که‌در‌آن ماشامیریل شرکت دارد .

● «نلوریزی» کارگردان ایتالیائی در سپتامبر امسال فیلمی را با نام «آبلارد ، و ، لوئیس» جلو دوربین خواهد برد که ترنس استامپ و «دومنیکوساندا» در آن بازی دارند .

● «دیانادورس» و «پیتر کاشینك» هنرپیشگان اصلی فیلم «هیچ چیز مگر شب» میباشند که «آنتونی نلسون» تهیه‌کننده آن است .

● «مل شاولسون» کارگردان فیلم جدید «جك‌لمون» میباشد . در این فیلم که «جنك زنان ومردان» نام دارد «بارباراهاریس» نقش مقابل وی را بعهده دارد .

● در فیلم «کاباره» که توسط «بوب فوس» کارگردانی‌شده است این عده شرکت دارند : میشل یورك ، هلموت گریم ، جول‌گری، فرتیزوپر، رالف ولتر.

گزارشات هفته

● از شانزدهم تیر ماه فرستنده جدیدی باعنوان رادیودریا برای مسافران کنار دریا شروع بکار نموده که در حال حاضر روزانه ۱۸ ساعت برنامه دارد و صدای آن فقط در سواحل دریای شمال قابل استفاده است . مرکزاین فرستنده جدید و سیار در چالوس قرار دارد و «تورج فرازمند» سرپرست و مسئول برنامه های این رادیو است . هنوز معلوم نیست‌که پس از فصل دریا آیا این فرستنده بکار خود ادامه خواهد داد یانه؟

● هفته گذشته آخرین قسمت «داش‌آکل» نیز از تلویزیون اجرا شد و باین ترتیب «پهلوان» بازی های تلویزیونی خاتمه یافت و این خود جای خوشوقتی است.

● هنوز فیلمهای سینمائی تلویزیون کیفیت غم‌انگیزی دارد و هیچگونه ذوقی در انتخاب آنها بکار نمیرود و هرفیلمی که بدست بیاورند نمایش میدهند .

● یکشنبه هفته قبل‌روزنامه های اطلاعات و کیهان در همان لحظات اول انتشار نایاب شدند چون حاوی اسامی قبول شدگان کنکور بودند .

● برنامه هفته قبل «سینه کلوب» فیلم «پیشخدمت» جوزف لوزی بود که همراه بافیلم کوتاهی از «چارلی چاپلین» بـه نمایش درآمد .

● کانون فیلم طبق سنت‌همه ساله‌اش فعلا در تعطیلی تابستانی خودبسر میبرد و ما هنوز برای این تعطیلات دلیل قانع کننده‌ای نیافته‌ایم .

● هفته گذشته‌مجله «فردوسی» به دفاع از « اردشیر محصص » برخاسته و در جواب مجله «تهران مصور» نوشته است : اینگونــه هتاکی‌ها و تخطئه‌ها در هر حال نشان دهنده کوشش مشکوك وبی‌ـ شرمانه‌ای است که ما بشدت بآن معترضیم و از دوستان بی‌ریا و صادق خود در آن مجله میخواهیم که ملعبه و آلت دست عناصــر مشکوك و وابسته و حسود نشوند.

● روزنامه « ایران نوین » ارگان حزب ایران نوین وارد نهمین سال‌وروزنامه «جوانمردان» وارد بیست و هشتمین سال فعالیت مطبوعاتی خود شدند .

● چند هفته‌ای است کــه مجله «تهران مصور» خوانندگان کاباره‌ها یا بقولی خوانندگــان کوچه و بازار را برعلیه شــوزای موسیقی رادیو بسیج نمــوده و صفحاتی را برای اظهار نظر آنها اختصاص داده است .

ترین‌های هفته

● ضد عشقی‌ترین فیلم‌هفته: ازدواج سیسیلی

● عشقی‌ترین فیلم هفته : از عشق مردن

● نوجوان‌ترین فیلم هفته: دوستان

● بی‌خیال‌ترین فیلم هفته: فقط برای دیگران اتفاق میافتد

● بازهم ادامه‌دارترین فیلم هفته : خاطرخواه

● مجازات شده‌ترین فیلــم هفته : عروسکی بالای دار

● خانوادگی‌ترین فیلم‌هفته: دوخواهر

● مذهبی ترین فیلم هفته: کشیش کم‌رو زن پررو (و یــا بالعکس)

● منتقد پسندترین فیلــم هفته : ریولوبو

● تماشاچی پسندترین فیلم هفته : ایضا خاطرخواه

حقه‌های سینمائی‌را بیاموزیم

نکته تکنیکی

● لابد بارها دیده‌اید کــه در روی پرده شیئی که ذاتا دارای حرکت نیست مانند میز ، قوطی ، چراغ رومیزی و ... بحرکت در می‌آید . این عمل را باگرفتن‌فیلم بطریقه یك کادری انجام میدهند یعنی ابتدا یك کادر فیلم از سوژه

روی پرده

● **دو خواهر** (ایتالیائی)

دلبستگی عاطفی بین دو خواهر «دیانا» (ناتالی دلون) و «ماریا» (سوزان استرسبرك) با همه غیــر عادی بودن ـ زندگی آندو را متعادل میساخت تااینکه ورود چند مرد و پس از آن ازدواج «ماریا» با «الکساندر» (ماسیموجیروتی) موجب میشود که توازن آرامش زندگی خاص این دو خواهر بهــم ریخته گردد و مسایلی چون‌رقابت های عشقی پیش آید که سرانجام به اتفاقاتی غیر منتظرمی‌انجامد.

«روبرتو مالنوتی» بــراساس داستانی که با کمك «برونلو ـ روندی» نوشته این‌فیلم‌راکارگردانی نموده است .

● **هومر** (آمریکائی)

«جان ترنت» این فیلمسـاز جوان و تازه کار یکبار دیــگــر مسئله جوانی را با تمام عشقها و آرزوها و امیال و هوسهایش پیش میکشد و در پی جستن علل عصیان های جوانان و بریدنشان از آدم‌ـ ها جدی و بزرگتر برمی‌آید و برای هرچه بیشتر واقعیتهاوتطبیق آن بافضا و آتمسفر فیلم بازیگران گمنام و جوان را برمی‌گزینــد چون : «دون اسکاردینو» و«تیزا فارد» و «آلکس نیکـول» و دیگران ...

● **فدائی** (ایرانی)

دومین فیلم بلند « رضا علامه‌زاده» از دوستی مستحکم دو مرد که هریك نماینده نسلی‌متفاوت هستند ، حکایت میکند که در گیرو دار شقاوتهای زندگــی در لحظه‌ای خاص رو در روی‌هم‌قرار میگیرند و بدین‌سان فاجعه آغاز میشود ــ و این لحظه‌ای است که هر دو برای رسیدن بآن در دلهره و اضطراب بسر می‌برند .

مختار در نقش «مسلم»وداود رشیدی در رل «کریم» در این‌فیلم بازی های استثنائی خود راارائه داده‌اند .

● **عشق و جنون** (فرانســه ـ ایتالیا)

مرد (ژان‌لوئی ترن‌تینیــان) در مقابل وسوسه های اغوا کننده دختر عموی (اواولین) همــرش (جینالولو بریجیدا) از پای در می‌آید و رابطه عاطفی وی با همـ سرش دستخوش نابسامانی میگردد و او در تحمل امیال خود بمرحله خاصی از جنون میرسد و توازن روحی خود را از دست میدهد و در این حالت تصمیم‌به‌قتل‌همسرش میگیرد و برای جنایت خود نقشه خارق‌العاده‌ای را طرح‌میکنــد . «جولوگستی» برای بیان ایــن رابطه مثلثی بین این یك مرد ودو زن با بازی‌باامکانات کاردوربین، فرم نوئی را ارائه داده است .

● نمایش فیلمهای ازدواج سیسیلی (کمدی سکسی) دوستان (عشقی) شاهد (جنائی) عروسکی بالای دار (ماجرائی) فقط‌برای دیگران اتفاق می‌افتد (عشقی) کشیش کم رو زن پررو (کمدی سکسی) تابستان ۴۲ (اجتماعی) که شرح آنها در شماره های گذشته آمده است همچنان ادامه دارد .

درحال ثابت بخصوصی گرفته می‌شود بعد سوژه را در جهتی که میخواهند حرکت کند تغییر مکان داده (مثلا یك سانتی متر تغییر محل میدهند) و باز یك کادر فیلم از آن میگیرند بهمین ترتیب تعداد زیادی تك‌فیلم تامحل انتهای حرکت سوژه گرفته میشود و در هنگام نمایش اینطور بنظر میرسد که مثلا میز یاقوطی حرکت نموده و یا بدور خود میگردند.

همین روش برای تهیه فیلم های «کارتون» بکار میرود یعنی از حالات مختلفه یك سوژه که با برداشتن تك فیلم های متوالی قبلا تهیه شده حرکت آنرا نشان میدهند و نیز در فیلم هائی که از عروسك های خیمه شب بازی برداشته میشوند ازاین طریق‌استفاده میشود .

از این روش برای تهیه‌فیلم های آموزشی استفاده زیادی میشود مثلا برای نشان دادن جوانه زدن گیاهی کافی است که در هرساعت یك کادر فیلم از گیاه تهیه شود تا در موقع پروژکسیون تمام عمل جوانه زدن در ظرف چند ثانیه‌نشان داده شود ولی این عمل مستلزم روزها و هفته‌ها وقت صرف کردن و صبر و حوصله بخرج دادن می‌باشد .

برای سریع نشان دادن عمل خوف و کسوف نیز از این طریق استفاده میشود باید متوجه بود که تمام این سری عملیات در عین سهولت باید با دقت و مراقبت فوق‌العاده‌ای انجام گیرد و تمام پیش‌بینی های لازمه از قبیل تهیه کلیه وسایل لازم و غیره بعمل آمده باشد زیرا ناقص وخراب‌شدن یکی دو کادر کافی است که نتیجه کار را کاملا خراب‌کند وحرکت، حالت طبیعی و اصلی خود را از دست بدهد .

از : فیلم و زندگی

شوخی با فیلمهای هفته

● از عشق مردن : باشرکت ثریا بهشتی .

● عروسکی بالای دار: با شرکت ایران شریفی و رضا صفائی

● دوستان: باشرکت‌فریدون فرخزاد و رفقایش

● مرد اجاره‌ای : باشرکت مهدی علی‌محمدی و مرجان

● جدال در نیمه شب : با شرکت دینامیك و عباس تبریزی

● تابستان ۴۲ : با شرکت تمام برو بچه‌ها پس از کنکور

● خاطرخواه : با شرکت کیوان و نادیا

● وقتیکه زنها دم داشتند: باشرکت ایرن

● مردی که از باران آمد: باشرکت میری و روشنیان

اعترافات

● بازهم ادعادارم‌که بگویم که من تنها کارگردان واقعی هستم .

ساموئل خاچیکیان

● قبل از اینکه هنرپیشه باشم یك زن شوهردار هستم .

زری‌خوشکام

● از این برهنگی سینمائی شرمسار نیستم

ایرن

● اگر تااین دو ماه‌ازدواج نکردم دیگر عشق را باور نخواهم کرد و قبول می‌کنم که زندگی هیچ و پوچ و پر از تزویر و ریاست .

ثریا بهشتی

● من شخصا معتقدم که زیبا نیستم .

پوری‌بنائی

هنرمندان اظهار نظر میکنند :

● کتایون

— ... در سینمای ما به زن به چشم یك عروسك و یك مانکن نگاه می‌کنند و از او هیچکاری نمیخواهند بجز اینکه راحت لخت شود و ادا و اطوار بریزد وبرقصد. اگر کارگردان با هنرپیشه حساب خرده‌ای داشته باشد تلافی آنرا در فیلم سرش در می‌آورد .

زن‌روز

● امیر شروان :

— ... برای من فیلم تجارتی هم میتواند فیلم هنری باشد .

ستاره‌سینما

● ژاله سام :

— ... من بعنوان یك‌هنرپیشه زن که مدت کوتاهی است بسینما آمده‌ام ، هنوز نمیدانم چه «پرسوناژی» هستم «!!»

تهران‌مصور

● ثریا بهشتی :

— ... میدانید در ایران کارگردان و سناریست باهم قاطی شده ... تا اینجا فهمیده‌ام که گردانندگان سینمای ایران بصورت وحشتناکی بپول فکر می‌کنند و بهمین خاطر است که من دیگر معتقد شده‌ام شاید سالهای سال بگذرد و سینمای فارسی نتواند بمرز دلخواه برسد .

تهران‌مصور

● رضا صفائی :

— ... صحبت مهرجوئی را که اصلا نکنید او دو سال است روی فیلم پستچی کار میکند من نمی‌فهمم یك فیلم چرا باید دوسال وقت بگیرد ؟ مگر دارد چه‌میکند؟ کیمیائی هم که کارگردان نیست اگر کارگردان بود سالی چندفیلم باو پیشنهاد میکردندبسازد نه‌اینکه سالی یك فیلم آنهم باپارتی بازی بهروز وثوقی .

ستاره‌سینما

از لابلای مطبوعات

● گوگوش در تهران

اگر اتفاقی نیافتد و یاآ نکه گفته «آرشیك» مدیر ایرانی برنامه های گوگوش صددرصد مقرون به صحت باشد، در همین هفته گوگوش خواننده محبوب‌نسل جوان در تهران خواهد بود وبه این ترتیب سرانجام این خواننده جوان که به راستی بیش از هر هنرمندی رنج‌ومرارت کشیده‌است، پس از ماهها دوری از وطن در خانه خود و دربین طرفدارانش خواهد بود وبه‌احتمال قریب به یقین دو روز پس از ورود به‌ایران برطبق یك قرارداد طویل‌المدت ، دریکی از کاباره‌های ارباب به اجرای برنامه خواهد پرداخت . راوی اضافه می‌کند .

ـ با وجود آنکه بازگشت گوگوش به‌ایران ، طرفداران این خواننده جوان را سخت خوشحال کرده است ، ولی درعین حال چند خواننده دیگر را نیز به‌سختی ناراحت کرده است . چه این خوانندگان در غیاب گوگوش ، موقع مستحکمی را برای خود به وجود آورده‌اند و به‌همین جهت ترس ازآن دارند که مبادابازگشت گوگوش به وضع کنونی آنهالطمه وارد کند .

اطلاعات‌بانوان (شماره ۷۸۴)

● تقی مختار درنقش‌همایون بهزادی

حسن رفیعی که سالها درعالم تئاتر فعالیت داشته و با نوشتن سناریوی فیلم «غریبه» به جرگه سناریستهای سینمای ایران پیوست به تازگی سناریوی جدیدی را به رشته تحریردرآورده که«سرطلائی» نام دارد و این سناریو براساس زندگی همایون بهزادی چهره سرشناس فوتبال تنظیم گردیده و قرار است تقی مختار به نقش همایون بهزادی ظاهر گردد .

سپید وسیاه (شماره۹۷۷)

***

● پرویز صیاد و علی‌حاتمی متارکه کردند !

شنیدیم بعد از شکست مالی فیلم «خواستگار» پرویز صیاد در نظر دارد همکاریش را در راه‌تهیه فیلم با «علی حاتمی» قطع نمایدو بهمین جهت در فیلم «ستارخان» که قبل از نمایش خواستگار قرار بود شریك باشد ، سهمی نداشته باشد . اگر این شایعه صحت داشته باشد ، باید صیاد را رفیق نیمه‌راه دانست هرچند که آن زیان مالی مشکل است ولی بهرحال می‌شود باهمفکری وجویا شدن علت‌ازادامه آن جلوگیری نمود نه آنکه‌رفاقت وهمکاری را بخاطر یکبار متضرر شدن بهم زد !!

ستاره سینما (شماره ۷۸۷)

***

● ... بدنبال دیدار های فراوان ، قرار ازدواج فروزان بازیگر سرشناس‌سینما با«دولتشاهی» گذاشته شد . اطرافیان فروزان در انتظار خوردن شیرینی عروسی بودند و بستگان دولتشاهی چنك و دندان نشان میدادند که خبرنگار کنجکاو ما اطلاع یافت جوانی‌بنام «پولاد» جای دولتشاهی را در دل فروزان گرفته است . هفته گذشته فروزان و پولاد در اصفهان بودند و به موازات فیلمبرداری آغاز دوستی خود را جشن گرفتند . این روزها «ب. ام. و» فروزان زیر پای پولاد است و او این مرکب آهنین را می‌کشد هرجا که خاطرخواه اوست . بدین ترتیب ازدواج فروزان و دولتشاهی تا اطلاع ثانوی منتفی است .

اطلاعات‌بانوان

مصاحبه خواندنی و جالب « ژاله سام »

به سینما روی آورده‌اید و اساسا انگیزه‌تان از این کار چه بوده ؟

ژاله سام : من یکسال است که وارد سینما شده‌ام و انگیزه‌ام برای وارد شدن به عالم سینما علاقه شخصیم بوده ، و باوجودیکه کار و تحصیلات من در رشته سینما نبوده ولی بی‌ارتباط باکار سینما نیست . چون من مدتها آرتیست و مانکن بوده‌ام .

کاشانی : شما چهره‌ای هستید که کم و بیش توانسته‌اید نامی کسب کنید ، عقیده‌تان در مورد زنهای دیگر سینمای ایران چیست ؟

ژاله سام : بعقیده‌من هنرپیشه زن در سینمای ایران بسیار کم است و خیلی از خانمها که هنری دارند به سینما روی نمی‌آورند در صورتیکه محیط سینمای ایران در این سالها بسیار تغییر کرده و مورد اطمینان‌تر می‌باشد.

کاشانی : پس بااین طرز فکر بفرمائید ، چه هنرپیشه زنی بعقیده شما بهترین است ؟

ژاله سام : تعداد هنرپیشه‌های خوب ما شاید از انگشتان دست تجاوز نکند و من در بین اینها «پوری بنائی» را بعنوان یك هنرپیشه خوب میدانم .

کاشانی : اولین فیلمی که از شما نمایش دادند گویا «دیوار شیشه‌ای» بود، در مورد کارگردان این فیلم چه نظری دارید ؟

ژاله سام : من « ساموئل خاچیکیان » را کارگردان خوبی میدانم . کار این کارگردان بی‌نظیر است و باتجربه‌ای که در زمان خودش داشته موفق شد فیلم‌های خوبی را هم بروی اکران بیاورد. او تکنیك را خوب میداند و تجربه زیاد اندوخته و بهترین شیوه‌اش ریسك در مورد چهره‌های تازه و جوان است که هیچ کارگردانی این کار را نمی‌کند .

کاشانی : شما گفتید تماشاگر فوتبال هستید ، حب نظرتان در مورد فوتبال چیست ؟

ژاله سام : من شخصا ، مخصوصا شوهرم به فوتبال علاقمندیم چون بارها ناظر بوده‌ایم که شما و دوستانتان در میدانهای ورزشی چه افتخاراتی را برای ما کسب کرده‌اید و چطور باعث شناسائی کشورمان شده‌اید ، منهم مثل تمام مردم از این ورزش لذت میبرم و برایتان ترقی آرزومندم .

کاشانی : گفتم که ملك‌مطیعی و کریمی را در سینما می‌پسندم ، شما که خود هنرپیشه هستید ، بهترین هنرپیشه مرد را کی می‌دانید ؟

ژاله سام : علی نصیریان به عقیده من بهترین بازیگر تئاتر و سینمای ایران است، او بازیگر پرتجربه و با معلوماتی است و هیچگاه در فیلم تجارتی بازی

فروزان یا ایرن؟

● از خانه بیزار هستید . ولی بخاطر کاراکتر مبهمی که دارید خود نمیتوانید علت آنرا بیابید . دوستان زیادی دارید که براحتی میتوانند بشما کمك کنند ولی هرگز قادر نیستید و یا نمی‌خواهید این امر را با آنها درمیان بگذارید .

دلتان میخواهد زندگی جدیدی را برای خود شروع کنید ولی هرآن که تصمیم میگیرید دچار شك و تردید میشوید و از آن کار صرفنظر میکنید . بزرگترین آرزویتان ثبات شهرت ومحبوبیت است و بیشتر افکار سایرین است که در شما تاثیر می‌کند و نمیگذارد به هدفی که دارید نزدیك شوید . در عشق شانس خوبی دارید اگر عاقلانه‌تر فکر کنید .

وکاشانی

نمی‌کند و بهیچوجه حاضر نیست روی خودش تبلیغی کند حتی او تابحال مصاحبه‌هم نکرده است.

کاشانی : بنظر شما جوایز سپاس بحق داده شده است ؟

ژاله سام : حتما هیئت ژوری دلائلی داشتند که جوایزشان را به اینصورت توزیع کردند بعقیده من اگر در این کار پارتی‌بازی نشود این بهترین کار برای‌پیشرفت‌سینما در ایران است .

کاشانی : حالا مدتی است‌باهم صحبت می‌کنیم قضاوتتان در مورد من چگونه است ؟

ژاله سام : شما انسانی دور از تظاهر هستید حرفهایتان رازرك و از ته قلب میزنید واحساس می‌کنم مثل همه مردم هستید .

کاشانی : میتوانید بگوئید چند سال دارید و همسرتان چه نقشی را در زندگی هنری شما دارد ؟

ژاله سام : من در ١٤ بهمن ماه بیست و چهارمین سال زندگی را میگذرانم و حاصل ازدواجم یك فرزند بنام ساشا است بزندگیم بی‌اندازه علاقمندم و شوهرم چون روشنفکر است تاحدی که فعالیت هنری من به زندگی خانوادهگیمان لطمه نزند همیشه مشوق و یار من بوده است .

تماس شیطانی

ـ قرار بود در فیلمی بنام «جادوگران جنگل» در اسپانیابازی کنم ، اطلاع دارید که کارگردان این فیلم « رائول آرتیو گوت» و بازیگران نقش مقابل من «پنی شیپارد ، ماری سول و دیانیك کوسکا» هستند ... ولی ظاهرا در اسپانیا هم دارد همان اتفاق‌ترکیه میافتد چرا که تهیه کننده دیگری قبل ازنمایش فیلم ، با دیدن‌تصاویر فیلم «جادوگران جنگل» مرابرای بازی در فیلم «لولی‌چهاردهم» انتخاب کرد و حالا مشغول باتمام رساندن آخرین صحنه های فیلم «لولی چهاردهم» هستم .

ـ تهیه کننده «جادوگران جنگل» فیلمی میسازد مشترك با ایتالیا و مراهم برای بازی؛ درنقش مقابل «کارول بیکر» انتخاب کرده و گویا کارگردان ایتالیائی نیز که قسمتی از فیلم «جادوگران جنگل» را دیده ، با این امر موافقت کرده است ، در این فیلم که «تماس شیطانی» نام دارد ممکن است «فلوریندا بالکان» نیزبازی کند ، بهر حال اگربحساب‌ناسپاسی نمیگذارید ، دوست دارم بجای اینکه در اسپانیا مثل ترکیه سی فیلم بازی کنم ، در ایتالیا فقط سه فیلم بازی کنم ، چون مطمئنم بعد از آن ، خیلی زود کارم‌توسعه پیدا خواهد کرد

گزارش فیلم

به‌عنوان یاغی‌های بیدلیل یاد می‌شود ــ کاراکتری تقریبا نظیر آنکه تارگیها از «جك نیکولسون» در «پنج قطعه آسان» دیدیم. اماتفاوتی که «هومر» باکاراکتر نیکولسون وباکتر کاراکترهای مشابه دارد، درآنست‌که هنوز تحت اداره یك سیستم پدرسالاری خانوادگی است واراستقلال کمتری برخوردار است. در ابتدای فیلم او یکبار سعی می‌کند شهرش‌را ترك گوید وبه «سانفرانسیسکو» و یا«نیویورك» برود. اما تنها بایك گیتار ویك چمدان، وجیبهای خالی، از عهده اینکار برنمی‌آید. در بازگشت وی به‌خانه، تماشاگر شاهد یك رشته مسائل کاملا تکراری مثل اختلاف عقیده بین نسلها، کش وقوسهای یك عشق جوانانه، اعتیاد جوانان به‌مواد مخدر، حمله به‌جنك ویتنام وتاثیر این جنك درافزایش قیمتها می‌شود.

نه‌تنها این مسائل فی‌النفسه تکراری و«قبلا تحلیل شده» هستند، بلکه شکل پرداخت‌آنها هم تکراری‌است. درمقابل‌این‌صحنه‌های‌تکراری چند صحنه فیلم بطورانتزاعی جلب‌توجه می‌کنند: نظیرصحنه اعتراض یکتنه هومر علیه جنك‌ویتنام‌و نیز سکانس اختتامیه فیلم

پاسخ سردبیر

آقای رضا نقدی

«سزون» در انگلیسی بمعنی فصل است و در سینما نیز بفصل سینمائی که معمولا از ۱۵ شهریور آغاز میگردد اطلاق می‌شود.

تهران ـ آقای علی محتشمی

از اینهمه محبت و توجهی که بفیلم‌و هنر دارید سپاسگزاری می‌کنیم. دوستان و خوانندگانی چون شما هستند که باارسال مطلب، انتقاد و راهنمائی سبب می‌شوندکه فیلم‌و هنر بتوفیق‌های تازه‌تری دست‌پیدا کند. از مطلب خوب صد فیلم شما از هفته آینده استفاده می‌کنیم. منتظریم که مطلب اصطلاحات هنر هفتم شما را دریافت کنیم تاپس از اتمام سلسله مطالب‌صد فیلم‌برگزیده آنها را آغاز کنیم بدون تردید این توجه شما سبب خواهد شد که خوانندگان فیلم و هنر بیش از پیش با اصطلاحات سینمائی وهنری آشنائی حاصل کنند.

تهران ـ آقای میشا ایمانی

حسادت در هر موردی وجود دارد، زیادناراحت‌نباشید وبصحبت های کسانیکه‌باشمامخالفت می‌کنند زیاد توجه نکنید. در هر کجائی «خوب» و «بد» وجود دارد.

آقایان علی اسماعیل ـ حسن پرنودار

۱ـ در جشن اهدای جوایز سپاس شرکت داشتم، منتهی بسیاری از کارها وجود داشت که فرصت ظاهر شدن جلوی دوربین‌تلویزیون را بمن نمیداد. ۲ـ اولین فیلم طویلی که بطور مستقل جلال مقدم کارگردانی کرد ، سه دیوانه بود ۳ـ فیلم لیلی و مجنون در قصر شیرین تهیه شده بود.

آمل ـ آقای حسن جغتائی

۱ـ هرهفته جدول صفحه مسابقات ده برنده دارد ومسابقه سیزده نیز هر هفته ۱۷ برنده آیا لازم است که بیشتر از این مجله برنده داشته باشد ۲ـ در مورد مصاحبه باهنرمندان هرهفته‌صفحاتی بدین منظور اختصاص داده شده‌است ۳ـ شوخی‌های خود را ارسال دارید تا از آن استفاده کنیم.

آقای احمد کسائی

برای یك سناریو مبلغی مابین بیست تادویست هزار ریال پرداخت می‌شود که پرداخت این وجه‌بعهده تهیه کننده است . برای یك داستان خوب که بتوان از آن‌یك سناریوی کامل بوجود آورد بیش از بیست هزار ریال پرداخت میگردد.

آقای ناصر صالحپور

در شماره مخصوص نوروز عکسی از ایرج مهدیان نداشتیم ، عکسی که مورد نظر شما است‌عکس حسن شجاعی می‌باشد.

آمل ، آقای جعفر خوش‌سیما

برای فرار از تله ـ یك مرد و یك شهر و رضا موتوری و طوقی شماره مخصوصی منتشر نکردیم. شماره مخصوص قیصروجود ندارد و برای دریافت شماره مخصوص دلیل و مجنون وداش آکل نیز میتوانید مبلغ ۳۰ ریال تمبر باطل نشده ارسال دارید.

تهران ـ آقای نورالدین پزشکی

مسئله سپاس هرچند بهتراست دیگر مطرح نشود، اما بگذارید مسئله‌ای را برای شما عنوان کنیم. هدف از درج آن نامه آن بود که خانم ایرن در تمام مصاحبه های خود گفته بودند مردم را تائید کرده‌اند و علاوه برآن نمیدانیم برچه اصلی یك‌باره همه مسائل را نفی کرده واز دم تیغ بیدریغ‌خود گذرانده بودند. سپاس برای ما از هر چیزی مهمتر و مقدس‌تراست زیرا آنرا یك نیروی خلاق برای سینمای مملکت خود میدانیم حالا بزعم اینکه خانم ایرن جایزه نگرفته‌اند ، یك‌باره همه چیز را بخواهند از بین ببرند حق آن است که بایشان گفته شود که مردمی‌که مورد نظر ایشان هستند چگونه در باره او قضاوت می‌کنند.

نظرها

رگبار

تولدی دیگر

● بهرام بیضائی با ساختن رگبار تولد یك کارگردان با شعور را در سینمای ایران نوید میدهد . چه ، وی در این فیلم گرایشی عجیب دلپذیر و صمیمی‌به واقع‌گرائی دارد . فیلمش دلچسب و شیرین است‌بدان‌معنی که‌تماشاچی متفن را راضی نگه میدارد و به تماشاچی جستجوگر به سختی‌میدان خرده گیری میدهد و همچنین با توجه به اینکه بیضائی بقول خودش نخواسته است دروغ‌بگوید رگبار را میتوان رگباری پنداشت . فیلم ، تمالی است‌واقع‌بیانه از یك گوشه از زندگانی طبقه خاصی از مردم اجتماع ما‌با تصویری از خصوصیات ظاهری و احیانا باطنی آنان و انعکاس روحیه همان مردمان در مقابل آنچه می‌پسندند . داستان فیلم محکم و اصیل است و جریان یك دبستان را در جنوب شهر باماجرا هایی که برای معلم تازه‌اش اتفاق می‌افتد بازگو میکند . پرداخت‌آن نیز جز درمواردی‌کوتاه‌یك دست و لطیف‌است. اما بیضائی پرسوناژ های داستان خود را در یك جهت ثابت و معیین پرورش نمیدهد . مباب نمونه اشاره می‌کنیم به شخصیت زن فیلم ، ما نمی‌توانیم قبول کنیم که یك دختر خانم جنوب شهری آنهم دختری که در امتداد فیلم او را یك دختر منزوی و محجوب می‌بینیم در صحنه دفتر مدرسه که فقط یك معلم تنها در آنجاست آنچنان سر و صدایی راه بیاندازد و احیانا به هر بهانه‌ای سعی کند چادر خود را پائین‌بکشد تا اینکه موقعیتی پیش آید وپای آقا معلم بر روی چادر قرارگیرد! در رفتار دانش آموزان با معلم‌نیز کمی اغراق شده بود و تاحدی به شلوغ کاری نزدیك است

کارگردان در پرداخت شخصیت آقای حکمتی بیش از سایرین‌موفق است ، شخصیت لوس فیلم آن خانم معلمی است که خودش را روانشناس و جامعه شناس میداند. در فیلم صحنه‌ای وجود دارد بدین قرار که مدیر دبستان آقای‌حکمتی را به منزلش دعوت میکندتارضایت وی را برای آشنائی و احتمال ازدواج با دخترش جلب کند ودر این صحنه در قسمتی می‌بینیم‌آقای مدیر دیالوك عامیانه‌ای را ادامی‌کند و این قسمت بعلاوه قسمتهای دیگری از این بخش فیلم گذشته از آنکه پیروی از فیلم کریمی است ، نمی‌تواند برای این فیلم مفید باشد ولی ما در همین بخش از فیلم می‌بینیم در جریانی که مدیر و خانمش سعی در جلب توجه آقای حکمتی دارند در لحظه‌ای می‌بینیم آقای حکمتی حواسش متوجه فضای بیرون و ریزش‌باران است و این موضوع میتواندمبین این مسئله باشد که آقا معلم در عالم خودش است یا بعبارت دیگر اگر باران را سمبل پاکیزگی بگماریم ، در عالم پاکی‌ها غوطه‌ور است و این صحنه خیلی‌قشنك‌است. بی‌گمان زیباترین بخش‌فیلم‌لحظات اختتامیه فیلم است که محال است و در خود فرو نبرد . در اینجاست بیننده‌ای را مجذوب خودمیکند که شخصیت ذاتی قهرمان فیلم هویدا میگردد و او را با همان حالتی که وارد محله میشودبلکه‌هم سربلندتر و مغرورتر پس از پایان یك دوره آزمایشات و تجربیات‌آن مکان را ترك میگوید ، او قبل از ورود به آن مکان مسلما با اتفاقاتی از آن قبیل‌مواجه‌نگردیده بود و بنا براین در آن موارد تجربه‌ای نداشت ولی اکنون پس از فرا گرفتن راه مبارزه با آن گونه‌حوادث آنجا را وداع می‌گوید . قهرمان فیلم به دلخواه خودش از آنجا نرفت که ما وی را موجودی ضعیف بشماریم او را جبر زمان و اقتضای زندگی از آنجا راند . در این لحظات‌موزیك هم خیلی خوب تصویر را یاری میکرد . به هر حال با اینکه در این مختصر تحیل فیلمی چون رگبار نمی‌تواند اقناع کننده باشد ما به همین حد اکتفا می‌کنیم و چشم براه فیلم دوم او هستیم .

علی اکبر کرمی

کافر

ضعف اساسی فیلم ناشناخته ماندن اکثر شخصیت های فیلم است و سردر گمی کارگردان در راهنمائی فیل هنرپیگان که بآسانی میتوان عده‌ای از آنان را کنار گذاشت بدون‌اینکه‌لطمه‌ای بفیلم بخورد.توجه کنیم به‌برخورد دار و دسته حسن طلا و کافر که خیلی آرتیستی شکل گرفته و با واقعیت و زمان بهیچ وجه‌موافق نیست .

سناریوی فیلم باز ازضعف‌هائی برخوردار است و پرسوناژها خیلی قراردادی بهم پیوند می‌شوند که میتوان از سوری که یك کلفت خاطره نویس است و وارد زندگی کافر میشودیادکرد و بطور حتم داستان شلوغ به کارگردان مجال خودنمائی‌نمی‌دهد دهد .

شروع فیلم از دید خوبی برخوردار است ابتدا منفی نشان داده میشود که بعد بصورت‌مثبت در می‌آید : کافر از زندان آزاد میشود با پیدا شدن رد پای سوری در زندگی کافر می‌بینیم که کافر بیشتر تنهائی را انتخاب می‌کند و این یك بازشناسی مجدد ازخود میباشد ولی گذشته های تاریك‌تر از حال و با کم و زیاد کردن وضعیت فعلی ــ خیلی زود در می‌یابد که آب از سرش گذشته و راهی برای برگشت نیست هنگامیکه وسیله پلیس هدف‌گلوله قرار زندگی یك‌نواخت را پیدا کرده است موزیك متن با تصاویر همراه نیست و واقعی هنوزتحت تاثیر قیصر و کوچه مردهاموزیك متن میسازد . فریدون گله بطور یقین حرفهائی برای آینده دارد

اصفهان ــ مصطفی محمدی

درباره چند انتقاد ...

آقای احمد کسائیان :

نظر شما در باره فیلمهای «پل» و محلل» فاقد خصوصیات «نقد فیلم» بود و بیشتر بیاك‌اظهار نظر خیلی خصوصی شباهت داشت که امیدواریم نوشته های بعدی شما جمع تر و دقیق‌تر باشد

آقای سعید رستمی

ستایش شما از فیلمهای «کابوی نیمه شب» و «حادثه اندرسون» خیلی خشك و جامد بود و درنقد نویسی اگر فیلمی را پسندیدیدباید علل پسند خود را هم جستجو و بازگو نمائید .

آقای ا ــ یاوری :

نقد شما بر فیلم «تپلی»بی‌اندازه کوتاه و مختصر بود و در واقع فقط حاوی مشخصات فیلم بود ــ نه خصوصیات آن .

آقای سعید فرهمند ــمشهد:

تمام نقد هائی که از شما دریافت کرده بودیم در مجله‌چاپ شده است و از طرف دیگر ما هم مثل شما از پیروزی بهرام‌بیضائی در نخستین جشنواره فیلم تهران و ناصر تقوائی در فستیوال فیلم و نیز خوشحالیم و این پیروزیها را نشانه حقانیت سینمای ایران میدانیم .

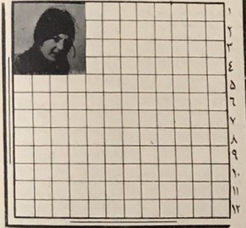
آقای بهروز نیکان‌پور

نظر شمادر موردفیلم«رشید» خیلی تند و اهانت آمیز بود روی این نظر توصیه می‌کنیم سعی‌نمائید مستدل‌تر و متین منظورتان رابازگو نمائید .



مسابقات

جدول این هفته



راهنمائی : پس از حل جدول در ستون مورب عنوان فیلمی از «زرین‌دست» را خواهید یافت.

۱ ـ سناریست فیلم محبوب بچه‌ها و مرد اجاره‌ای ۲ـ فیلمی از امیر شروان باشرکت منوچهر وثوق ـ فروزان ۳ ـ فیلمی از ناصر تقوائی باشرکت سعیدراد ٤ ـ گلی خانم مشهور تلویزیون ٥ ـ آکتور فیلم‌های خواستگار ـ لوطی ٦ ـ فیلمی از مجتهدی باشرکت گوگوش ـ سپهرنیا ومنوچهر وثوق ۷ ـ هنرمند رادیو و تئاتر و سینما و بازیگر فیلم‌های وریریده ـ آقامحمدخان ۸ ـ هنرمند فیلم های حکیم‌باشی ومحلل ۹ـ بازیگر فیلم‌های زیربازارچه و اعجوبه‌ها ۱۰ ـ آکتور موفق فیلم‌های حیدر ومرد اجاره‌ای ۱۱ـ فیلمی به کارگردانی امین امینی باشرکت امین امینی ـ فروزان ۱۲ـ اولین ساخته شاپور قریب باشرکت فروزان ـ منوچهر وثوق.

طراح: مصطفی محمدی (اصفهان)

«۱۳»

مسابقه‌ای که ادامه می‌یابد

توضیحی در مورد دوره جدید مسابقه «سیزده» !

● در طی هفته گذشته تعداد بسیاری نامه و تلفن از دوستان علاقمند بصفحه مسابقات دریافت داشتیم که از ما خواسته بودند که مسابقه جالب سیزده‌را در دوره دوم بصورت هفتگی ادامه دهیم. یعنی درهرهفته یکی از سئوالات را مطرح کرده و جوایزی بطور هفتگی بدانها اهدا نمائیم، بهمین علت این مسئله‌را در شورای نویسندگان مطرح ومصمم شدیم‌که نظر خوانندگانمان را تامین نموده واین کاررا از این هفته آغاز نمائیم . بهمین جهت باطلاع خوانندگان خود میرسانیم که ازاین هفته مسابقه سیزده با۱۳ جایزه اختصاصی هفتگی، از این شماره، آغاز میگردد و تا چندین هفته ادامه خواهد داشت .

جوایز هفتگی ما عبارتست از یك عدد ساعت مچی — ۲ عدد خودنویس که بحکم قرعه ببرندگان تهران یا شهرستانها اختصاص خواهد یافت وعلاوه براینها ۵جلد کتاب برای ۵نفر از شهرستانها و ۵ بلیط لژ سینما برای ۵ نفر از تهران اختصاص داده خواهد شد .

کلیه پاسخ‌هائی‌که برای صفحه مسابقات میرسد حتما بایست بایك ریال تمبر باطل نشده همراه باشد. کسانیکه قبلا آدرس خود را برای ما ارسال داشته‌اند می‌توانند نامه‌های خودرا بدون آدرس ارسال دارند .

اینك مسابقه این هفته ما :

سیزده فیلم ایرانی را نام‌ببرید‌که بطریقه سینماسکوپ و رنگی ساخته شده باشد نظیر یوسف وزلیخا ...

در هفته قبل برندگان هفته نهم و دهم را معرفی نمودیم واینك کسانیکه بعنوان برنده هفته یازدهم انتخاب گردیده‌اند معرفی می‌شوند .

سیدرسول بنی‌هاشمی «اصفهان برنده یك ساعت مچی — صادق شهاب «قزوین» محسن بهرامی «کرج» برنده یك عدد خودنویس — ابراهیم ملتفت — باقر محسنی — صدیقه گلرخ — رضا فولادی — عباس محتشمی — حسین حمیدی — باقر صدقیانی — رضا لطفی — بهرام باقرآبادی — محمدحسن شب‌پره «از تهران» برنده یك بلیط لژ سینما — حمید صمدی «تبریز» — طاهر باقری «اهواز» — جمال صداقت‌پیشه «رشت» محمود کریمی «گرگان» — ابراهیم مصلائی برنده یك جلد کتاب.

جوایز برندگان توسط پست سفارشی ارسال شد.

در ضمن بی‌مناسبت نیست در اینجا نیز برندگان جدول ۳۸۵ و ۳۸۶ را معرفی نمائیم .

برندگان جدول شماره ۳۸۵

محسن بهرامی — باقر کرامتی — رسول فلاحتی — بهرام بوشهری — مجید محتشمی از تهران رضا توسلی (نیشابور) اسماعیل مصلائی (دماوند) احمد عالیخانی (اصفهان) شهره فروزنده (آبادان) بیژن نویدی (شیراز) .

برندگان جدول شماره ۳۸۶

علی فروزش— هوشنك‌صادقی—باقر شیرازی — حمید رفعتی — حسین آذرگون (از تهران) لادن میرهادی (شیراز) جمیله بدخشان (تبریز) سهیلا توکلی (مشهد) رضا میرمطهری (نیشابور) هرمز قریب (کرج).

برنامه‌امشب سینماهای:

متروپل - رویال - سانترال-گلدن‌سیتی

تازه‌ترین فیلم ستاره‌محبوب ایتالیائی «کلادیاکاردیناله» در اثری گرم و پرحادثه تاریخی از ماجراهای گذشته تاریخ فرانسه



ساموئل خاچیکیان

از ماجراهائی که باعث شد تا ساموئل دوسره مشهور بشود اختلاف شدید مجله «فیلم وهنر» با مجله «ماهنو فیلم» بود.

در حدود سه چهار سال‌پیش که تازه مجله «ماهنو فیلم» منتشر میشد، مجله فیلم‌وهنر اقدام بچاپ یك پاورقی نمود، بنام «سامی». این پاورقی در حقیقت، سرگذشت واقعی ساموئل خاچیکیان بود. در همانزمان مجله ماهنو روی رقابتی که بامجله فیلم وهنرداشت. مرا مامور کرد تا با امضای خود ساموئل خاچیکیان خاطرات او را تحت‌عنوان «مردی بنام سامی» شروع نمایم.

حالا خودتان حساب کنید که هرصبح سشنبه که این دومجله سینمائی منتشر میشد چه وضعی‌پیش میآمد. این مجله مینوشت که ساموئل سرگذشت خود را اختصاصا برای ماه‌نو فیلم مینویسد و فیلم وهنر هم مینوشت که «سامی» سرگذشت «واقعی» ساموئل می ــ باشد. واین وسط حضرت ساموئل مانده بود با اختلافی که بین این دونشریه پیش آمده بود و روی رقابت چپ وراست عکسهای او را چاپ میکردند. از خاطرات‌جالب ساموئل که من هنگام نوشتن بآن برخوردم، یکی اینست که‌اوبرای اولین‌بار عاشق یك دختر چشم‌آبی شد که شعله این عشق برای همیشه در آغاز خاموش شد. زیرا دختر چشم آبی بمرك سلام گفت‌وساموئل را با خاطره‌ای غم‌انگیز تنها گذاشت.

صباح و آخرین فیلمش...



● سینمای مصر که درسالهای اخیر بکوشش‌های خیره‌کننده‌ای دست زده است وتوانسته بصورت یك سینمای مترقی وپیشرفته درآید در سال ۱۹۷۱ اقدام بتهیه فیلمی نمودکه درآن‌یك‌دنیازیبائی وخیره‌گی موج میزند. این‌فیلم باعنوان «آتش عشق» توفیق بسیاری در کشور های خاورمیانه بدست آورده است.

صباح ستاره معروف وزیبای سینمای مصر که اورا چندسال قبل در کنار فردین درفیلم مردی ازتهران مشاهده کردیم، بازیگر نقش نخست فیلم است وسایر بازیگران فیلم عبارتند از: رشدی اباظه ــ سودیع صافی ــ عبدالمنعم ابراهیم.

در این فیلم ناهید صبری ــ بهیرزکی ولیاشوقی رقص‌های جالبی نموده‌اند. فیلمبرداری صحنه‌های خارجی‌این فیلم‌درقاهره،بیروت و پاریس فیلمبرداری گردیده است.

نظرها

تپلی

ساریست یا کارگردان

● با دیدن فیلم «تپلی»این فکر پیش می‌آید که کدامیك‌موفق بوده است؟ میرلوحی ساریست یا میرلوحی کارگردان؟

تپلی فیلمی است که رضا میرلوحی از کتاب موشهاوآدمهای اشتاین بك اقتباس کرده است واز طبقه پائین اجتماع و آمال و آرزو های آنها سخن می‌گویدولی زمانیکه تماشاگر با روحیه تپلی آشنا میشود دیگر برآورده شدن آرزو های آنها را محال می ــ پندارد کار میرلوحی درهدایت آدمهای فیلم بالای متوسط است و این فیلمساز جوان را یك سینماگر روشنگر معرفی می‌کند ولی در بعضی ازلحظات عجله‌زیادمیرلوحی موجب بهم خوردن تعادل فیلممی‌ــ شود و این نظریه در باره شناساندن پرسوناژها خیلی واضح بچشم میخورد.

فیلم تا نیمه متعادل میرود مخصوصا دوربین سحرآمیزصادق‌ــ پور و بازیهای خوب همایون و عقیلی در این پیشبرد نقش‌سزائی دارند. ولی‌از صحنه‌جنگل وورود آنها به محیط کارخانه فیلم یك حالت نزولی را می‌پیماید و این بیشتر از آن جهت است که دیگر زندگی تپلی مطرح نیست بلکه زندگی زن، امیر صاحب بمیان می‌آید و تا آخر فیلم در همان روال باقی میماند ــ در نیمه دوم میرلوحی در نمایاندن عطش مرد و زن نسبت به کامیابی از وجود یکدیگر موفقیت زیادی دارد. و این مسئله‌ازفته صحبت می‌کند ــ وقتی که او از شوهرش سیراب نمیشود دنبال مرد دیگری میرود و آشنائی او با تپلی وکشته شدن او بدست تپلی فیلم را از حالت نزولی نجات میدهد و در سکانس بعدی بازی‌خوب‌وچشمگیر ذکریا هاشمی است که امتیازی‌است برای فیلم.

رویهمرفته تپلی فیلمی است موفق از کارگردان جوان که‌امید فردای سینمای ماست.

بیت‌الله بختی

سرافینو

با همه عشقش

فیلم با نمائی ازترافیك‌شلوغ و ازدحام جمعیت و آلودگی هوا آغاز میشود بعد فضای ساز کوهستانی را مشاهده می‌کنیم که این خود مقایسه‌ای است بین این دو محیط با یکدیگر سرافینو یك سینمای رئالیستی است که در آن پیتروجرمی شخصیتهای گوناگون و با عقاید مختلف را برابر یك دیگر قرار میدهد و کاملا در کار خود موفق است.

سرافینو جوانی است آزادو دوست ندارد که خود را پایبند زن و فرزندکند اوفضای‌کوهستان را دوست دارد و پیمانی ناگسستنی میان سرافینو و کوهستان برقرار است و این علاقه او را درسرباز ــ خانه بخوبی می‌توانیم ببینیم ــ در صحنه‌ای که شب همه سربازان در زیر سقف سالن خوابیده‌اندسرافینو جدا از دیگران در زیر آسمان میخوابد. چون او مردکوهستان است و این محیط جدید برای وی غیر قابل تامل است. چیزی که بیشتر در فیلم سرافینو اهمیت‌دارد واقعیت است چون افرادی را که مادر زندگی و جامعه خودمی‌بینیم در سرافینو زندگی می‌کنند وشاید هر یك از ما یکی از قهرمانان فیلم باشیم.

پس از بیرون آمدن سرافینو از سربازخانه با ماجرائی که بین او و آن زن فاحشه و همچنین دختر عمویش پیش می‌آید صحنه ــ های دلپذیری را بوجود می‌اورد و زمانی که عمه پیرش میمیرد ثروت وی به سرافینو میرسد در اینموقع است که عموی وی در فکر تصرف ثروت سرافینو می ــ افتد و در این راه از هیچکاری فروگذار نمی‌کند و حتی می ــ خواهد دخترش را بزوربه‌سرافینو بدهد که سرانجام با شکست روبرو میشود و سرافینو هر چیزی راکه دارد متعلق بدوستانش میداند.

در صحنه های آخر فیلم می‌بینیم که او سرانجام با آن زن فاحشه ازدواج می‌کند زنی که چندین کودك دارد و هریك از بچه‌ها بقول سرافینو مال یکی از مردان این دهکده‌است.

عبدالمجید زرین مهر ــ

آبادان

هواردهاکز...

در «ریوبراوو» (۱۹۵۹) او قاطع‌تر به تشریح این حماسه می‌پردازد و ترکیب مناسب و درعین حال غیرعادی از آدمهای مختلف با روحیه های متفاوت را در کنار هم قرار میدهد که فقط درمواجهه با خطری که آنها را تهدید می‌کند وجه اشتراك دارند.

فیلم «الدورادو» (۱۹۶۶) مرور دیگری است در مواجهه آدم های «ریوبراوو» در مقابل نیرو های شر و بدی و آنها میتوانند نماینده افراد یك جامعه کوچك باشند با همه ضعف و دلیریهای اخلاقی خود و پیروزی آنها در پایان ماجرا نه فقط از نظرپیروزی خیر برشر مورد توجه است بلکه در واقع نشانه حرکت مجددزندگی است و ادامه یافتن آن ــ حال با فیلم «دیولوبو»ی او مواجه هستیم که ادامه خط «ریوبراوو» و «الدورادو» است و نشان‌دیگری است از حماسه سینمای وسترن با تمام اصالت های بکر و رایندهاش.

مختار

● صحنه های مربوط به مسابقات فوتبال این فیلم راچگونه خواهید گرفت و آیا شما آشنائی دقیقی به فوتبال دارید؟

مختار ــ می‌دانید که من در دوره تحصیل در دبیرستان در رشته های دو و میدانی و سپس فوتبال توفیق احراز مقامهای شایسته‌ای را داشته‌ام. علاوه براین من یکی از علاقمندان پروپا قرص فوتبال هستم وبطوریکه مقدمات‌تهیه فیلم گواهی میدهد قرار است‌جمعی از فوتبالیست های سرشناس کشور از یکی دو روز دیگر تمرین سخت و دشواری را با من آغاز کنند. نکته مسلم اینکه من برای هرچه نزدیکتر شدن‌به‌دنیای یك‌فوتبالیست تمام انرژی و قدرتم را بکارخواهم گرفت و این بهترین فرصت است که از همین الان بابت همه کوششها و رفاقتهای دوستان خوب فوتبالیست از یکایك ایشان تشکر و قدردانی نمایم.

● بجز این پروژه‌ها وبرنامه های بعدی شما چیست؟

مختار ــ علاوه بر «سرطلائی» در حال حاضر من مشغول مطالعه در اطراف سناریوئی هستم کەظرف چند روز آینده قرار است در «استودیو آر . بی» و بوسیله رضا صفائی ساخته شود همچنین یکی دو پیشنهاد دیگر دارم که هنوز قطعی نشده است زیرا وسواس و توجه فوق‌العاده من در مورد سناریوها و گروه سازنده و بوجود آورنده فیلم‌هایم باعث میشود کەتصمیمانم را با تعمق هرچه بیشتر بگیرم.

گزارش فیلم

جمشید اکرمی

پرداخت شوخ یك سوژه تلخ

کشیش کم‌رو ، زن پررو The Married Priest

«مارکوویکاریو» کارگردان تجارتی ساز ایتالیائی که تابحال تقریبا ساختن هرتیپ فیلمی را تجربه کرده است، در تازه‌ترین فیلمش «کشیش متاهل» (ویا بااسم اینجائیش: کشیش کم‌رو ، زن پررو !) به‌تبعیت از سوژه‌های مدروز وباب‌طبع مــردم، به‌طرح مسائل و دشواریهای جنسی یك کشیش جوان می‌پردازد ، یابهتر آنکه بگوئیم قصد طرح چنین مسائلی‌را داشته ، چراکه درعمل تنها نمای کمرنگی از تصویر کامل ودقیق وبی‌نقصی که باید ترسیم می‌کرده ، نشان می‌دهد .

داستان فیلم ، ماجرای یك کشیش جوان وناآشنا باتجربه‌های جنسی است‌که ازیك شهر کوچك وسنتی وعقب مانده (سیسیل) وارد شهر بزرك وپرهیاهوی «رم» می‌شود ودراینجا مردم‌را به‌نحوگسترده‌ای گرفتار انحرافات جنسی می‌بیند. او در آغاز مجبور می‌شود بــه اعترافات دختران جوان درباره لغزشهای گناه آلودشان گوش‌کند و زمانیکه ازاین وضع به‌تنك آمده وبه‌ملاقات اولیای آنها می‌رود، آنان را بمراتب منحرفتر ازفرزندانشان می‌یابد.

یکچنین خط داستانی باتم آشنای «ورود یك فرد چشم و گوش بسته از یك محیط کوچك ومحدود به‌یك محیط بزرك وپرهیاهو» بالقوه می‌توانست دستمایه‌ای مناسب برای ساختن یك فیلم جدی باشد، فیلمی کوبنده ورسوا کننده نظیر «کابوی نیمه‌شب»که درآن فیلم‌هم تم ورود یك کابوی جوان به‌محیط یك شهر بزرك (نیویورك) مطرح بود.

اما «کشیش متاهل» لااقل به‌اعتبار رویه ظاهریش، یك کمدی آسانگیر است. مسائل جدی درفیلم بسیار سهل وساده گرفته می‌شوند وبه‌تمامی زیر قشر نسبتا ضخیمی از مضامین ساده کمیك پنهان می‌شوند، ودرهمه حال، بهجبر کیفیت سوژه، فیلم بین دوسرحد «جدی بودن» و «شوخ بودن» سرگردان می‌ماند. درمقایسه، نگاه کنیم بــه فیلمی مثل «ازدواج سیسیلی» که سوژه طنزآلود نه‌چندان جدی دارد وخط داستانش به‌گونه‌ایست که اصولا فیلم نمی‌تواند در هیچ‌لحظه‌ای رنك جدی بودن به‌خود بگیرد، واتفاقا پرداخت آسانگیرانه وسطحی «جیانی‌گرینالدی» نیز درآن فیلم باکیفیت سوژه سازگار بوده و بالنتیجه حاصل کار، همانطورکه قصد سازندگانش بوده یك کمدی سرگرم کننده با مضامین سکسی ازکار درآمده است .

اما در «کشیش متاهل» پرداخت شوخ «ونکاریو» تناسبی باتلخی مستور سوژه ندارد وبهمین لحاظ در اکثر لحظات فیلم شاهد یکجور عدم وحدت و تشتت بیانی هستیم وعلاوه براین فیلم درهمین سطح منشت ازلحاظ ناسازگاری محتوی و پرداخت ، در معرفی کاراکترها هم دچار تناقض گوئی‌های بسیار می‌شود. فی‌المثل ، در اوائل فیلم «دون سالواتوره» را از طریق نگاههایش بهسینه مادری که فرزندش را شیر میدهد وباهمینطور نگاههایش بهاسافل اعضای دخترکانی‌که در پیاده‌روهای رم هستند، آدمی گرفتار کششها و تمایلات جنسی می‌بینیم، اما او درجریان فیلم باتکیه برپرهیزکاری وتقوای غیرقابل قبولی، تمام فرصتهای ارضا را از دست می‌دهد واین در شرایطی است که پی‌برده است حتی «مونسینیور» مافوق خود اوهم بازنانی رابطه جنسی دارد و نیز دکترهم آمیزشهای جنسی را برای او لازم دانسته است .

بخصوص در شرایطی که «ویکاریو» فیلم را در یك سطح کمدی پیش آورده است ، آن پایان نسبتا تلخ و ناخوشایند نیز به‌نوبه خود یك تناقض بهچشم می‌رسد.

برخوردهای «دون‌سالواتور» باآن زن بدکاره (روسانا پودستا) هم به‌خوبی توجیه نمی‌شود ومنطقی پشتش نیست. معلوم نیست او براساس چه الزامی پیش کشیش بدروغ عنوان می‌کند که از کارش دست کشیده است روسانا پودستا که در فیلم از نظر اهمیت کاراکتر، آشکارا کاراکتری همطراز بقیه زنان ودخترانی‌که «دون‌سالواتوره» باآنها برخورد می‌کنددارد، دراینجا ازلطف شوهرش «مارکوونکاریو» که تهیه کننده فیلم نیز بوده، بهره‌برده ولحظات بیشتری فــرصت خودنمائی پیدا می‌کند. مثلا اتخاذ آن فرم بیان در صحنه‌ایکه قرار است «دون سالواتوره» نامه زن بدکاره را بخواند، هیچ لزومی‌نداشته، جز آنکه بهانه‌ای برای ظاهر شدن خانم روسانا پودستا روی پــرده باشد .

● کارگردان و تهیه کننده : مارکو ویکاریو ● فیلمبردار: ساندرودی‌اوا ● موزیك : آماندوتروایولی ● محصول سال ۱۹۷۰ ایتالیائی ● بازیگران : لاندوبوزانکا ــ روسانا پودستا ــ ماگالی نوئل ــ باربارا بوشه ــ لوچانو سالچه ــ سیلویو دینوزیو واریکو ماریاسالرنو .

***

لاشه یك فیلم !

دو خواهر The Sisters

یکبار دیگر هنگامی اداره سانسور و دستگاه دوبلاژ فیلمها دراین ملك ازطریق مثله مثله کردن صحنه‌ها وتحریف دیالوگها چنان کرده است‌که از یك فیلم فرنگی، تنها لاشه‌ای ازآن بهچشم ما می‌رسد.

بلا، خوشبختانه این‌بار نه‌برسر یك شاهکار (آنچنانکه در مورد فیلمهائی مثل «بل‌دوژور» و «شکار انسان» و «کابوی نیمه شب» و چند فیلم بزرك دیگر اتفاق افتاد) بلکه برفیلمی معمولی (وشاید «بد»، چرا که خواهیم گفت در مورد این نسخه ازفیلم‌که ما می‌بینیم و در واقع لاشه‌ای ازفیلم اصلی است، طبیعتا نمی‌توان قضاوتی درست داشت) نازل آمده است.

دستگاه سانسور ما بدون آنکه واقعا مخالفتی بانمایش خشونت فوق‌العاده و یا نمایش افراط‌آمیز اندامهای برهنه داشته باشد، قبل از هرچیز ، باطرح مسائل «اندکی نامتعارف!» در فیلمها مخالفت نشان می‌دهد. از اینجهت مثله مثله کردن فیلمی مثل «خواهرها» را ازسوی اداره سانسور (و شاید هم وارد کننده فیلم که ترس ازسانسور این وضع را سبب شده) باتوجه به‌آنکه این فیلم به‌عنوان تم مرکزی خود، بهمساله همجنس بازی بین دوخواهر اشاره می‌کند، امری دور از انتظار نمی‌دانیم . اما تنها یك سئوال نوك زبانمان سبز می‌شود وآن اینکه وقتی از فیلمی کامل، لاشه‌ای اینچنین می‌سازند، دیگرواقعا چه‌لزومی به‌نمایش آن لاشه هست؟ چرا نمایش فیلمرا یکلی منع نمی‌کنند تادست‌کم تماشاگر را ازرنج تماشای یك فیلم معیوب شده و ناقص وبی‌ربط و گیج کننده رهانیده باشند؟ حذف صحنه‌های زیادی از یك فیلم تااین حدکه در «خواهرها» می‌بینیم، یعنی به‌صورت تغییر دادن ماهیت موضوع فیلم وتم اساسی آن، نه‌کاری در حوزه وظایف اداره سانسور وباحیانا وارد کننده فیلم، که اصلا توهینی است نسبت به سازندگان فیلم ــ گرچه حتی این بلابرسر یك کار واقعا آرتیستیك و باارزش





● این تصاویری‌است ازصحنه هائی از فیلم «دو خواهر» که در نمایش عمومی آن در تهران حذف شده است .





هم نیامده باشد .

گفتیم که تم مرکزی فیلم بروجود یك رابطه همجنس بازانه بین دو خواهر تکیه دارد. البته این رابطه‌ایست‌که درگذشته وجود داشته وفیلم ازیك مقطع زمانی درزمان حاضر آغاز می‌گردد. «دایانا» (ناتالی دلون) بویلای‌خواهر کوچکترش«مارتا» (سوزان‌استراسبرگ» که دوسال قبل ازدواج کرده وازپیش اورفته، می‌رود. او امیدوار است‌که بتواند آن روابط خاص و محرمیتهای گذشته‌را باخــواهرش برقرار سازد وزمانیکه درمی‌یابد شوهر خواهرش (ماسیمو جیروتی) ناتوان است، امیدش به‌تجدید آن روابط فزونی می‌گیرد ولی خواهر کوچکتر که برای ارضای هوای نفس بامرد دیگری رابطه نامشروع دارد (علیرغم آگاهی کمایش شوهرش)، بهیچوجه حاضر به تجدید روابط گذشته نیست. چراکه او اساسا برای خراب کردن آن رابطه‌ها، ازدواج کرده است. در روابط قبلی، نفر حاکم، همیشه خواهر بزرگتر بوده واین «مارتا» را رنج می‌داده است.

در دوبله فارسی، ازاین رابطه ممنوع وغیرعادی جنسی بین دو خواهر ــ که درفیلم، نماهائی ازآن ازطریق فلاش‌بك‌ها بازنمائــی می‌شود ــ به‌عنوان مواظبت تیمار خوارانه خواهر بزرگتر از خواهر کوچکتر درغیاب پدر ومادر یاد می‌شود !

دیالوك فیلم دربسیاری از صحنه‌ها، دراینجا عوض شده وازاین نظر است‌که گفتگوهای سکانسهای کلید فیلم اکثرا گنك ونارسا بنظر میرسند. باهمینطور چند صحنه حساس بکلی ازفیلم حذف شده. مثلا صحنه‌ای دراواخر فیلم‌که دایانا نزد فاسق مارتا می‌رود تابگوید او مریض است ونمی‌تواند به کلبه بیاید. دراین صحنه درواقع خود دایانا جور مارتا را می‌کشد وبافاسق او همخوابه می‌شود (رجوع شود بــه تصویر مربوطه !) ، اما چیزیکه هست اوباحالتی بسیار سرد وبی‌احساس باآن مرد همآغوش می‌شود واین می‌تواند در قیاس باهیجان واشتیاقی که مارتا قبلا در همآغوشی بامردك نشان داده است، نتیجه مهمی بدست دهد وسردی دایانا به‌عنوان علتی ناشی از گرایشهای همجنس‌بازانه او تعبیر شود. غیر ازاین، ما تصویر دیگری ازیکی ازسکانسهای این فیلم داریم‌که دایانا را درحال برهنه شدن در رختخواب و منتظرماندن برای شوهر مارتا نشان می‌دهد. درحالیکه دراین لاشه‌ایکه ما دیدیم از چنین صحنه‌ای، کمترین نشانی نبود!

به‌جز چند سکانسی‌که بکلی ازفیلم حذف شده، پلانهای جورانه بسیاری از سکانسهای دیگر فیلم راهم بریده‌اند واین سکانسها را ما کوتاهتر ازآنچه‌که هستند، می‌بینیم. رجوع شود به‌تصویریکه مــرد فاسق را در حال درآوردن لباس مارتا در آن کلبه چوبی نشــان می‌دهد !

درچنین شرایطی بدیهی است‌که ما ازهرگونه قضاوتی در مورد لاشه یك فیلم اجتناب می‌کنیم. هرچندکه البته بافرض وجود صحنه‌های حذف شده ودرنظر گرفتن تماصلی داستان نیز، بازفیلم لااقل بخاطر ریتم کند وکسل کننده‌اش نمی‌توانسته چندان قابل توجه باشد. همینقدر اجازه بدهید متذکر شویم‌که این فیلم، محصول مشترك سال ۱۹۶۹ ایتالیا وفرانسه است وتوسط یك فیلمساز ایتالیائی به‌اسم «روبرتو ماله‌نوتی» کارگردانی شده. سناریو راهم خود «ماله‌نوتی» به‌اتفــاق «برونللوروندی» نوشته است.

درخاتمه، توفیق هرچه بیشتر حضرات دوبله‌چی وسانسورچی را در پاسداری هرچه بیشتر اخلاق حسنه جامعه خواستاریم وامیدواریم سایه این عزیزان ازسر هنرهنتم دراین مملکت کم نشود!

***

بررسی چندباره چند مساله «دست‌مالی شده»

HOMER هومر

هرقدر نام «جان‌ترنت» کارگردان آمریکائی برایمان ناآشنا و تازه است، فیلمش «هومر» نه‌درمحدوده محتوی، مساله تازه‌ای مطرح می‌سازد ونه‌آنکه ازپرداخت وفرم جدیدی بهره‌ور است.

ماجراهای فیلم دریك شهر کوچك آمریکائی‌که تولیدکشاورزی دارد، می‌گذرد.

«هومر»(دان‌اسکاردینو) ازآن‌تیپ کاراکترهای‌جوانی‌است که‌درسالیان اخیر، شخصیتهائی‌همتای‌اورا درفیلمهای‌بسیاری دیده‌ایم ومعمولاازآنان

بقیه در صفحه ۳۹


بچه ها
بستنی
کانادا افراست
را بیشتر دوست دارند
بستنی چوبی کانادا افراست
لذت ونشاط همه را تضمین
میکند
تهیه شده درکارخانجات لبنیات پاستوریزه پاك
P_51_7